

گزارش
همایش

تعالیه

عالمی سیمینار
مطالعات



دانشگاه علوم پزشکی مشهد
عسکری
روابط

نخستین همایش شهید دیالمه در دانشگاه علوم پزشکی مشهد برگزار شد

نخستین همایش شهید عبدالحمید دیالمه، همزمان با سالروز شهادت این شهید والا مقام در دانشگاه علوم پزشکی مشهد برگزار شد.

این همایش با عنوان "دیالمه نیاز امروز" هفتم تیر ماه به همت دانشگاه علوم پزشکی مشهد و همکاری دانشگاه فردوسی مشهد و سایر نهادها و ارگانها برگزار شد.

دبیر علمی همایش "دیالمه نیاز امروز" در گفتگو با وب دا اظهار کرد: این همایش به منظور بزرگداشت اندیشه و سبک زندگی این شهید است تا با تبیین اندیشه های او به عنوان یک الگوی تراز برای جوان های جامعه معرفی شد.

دکتر هادی وکیلی ادامه داد: جوان حکیم، نماد حرکت بر صراط مستقیم، احیاگر مکتب اهل بیت علیه السلام، شهید جهاد تبیین، از نهضت احیاگری تا حیات طیبه، تبلور سبک زندگی اسلامی محورهای اصلی این همایش بود.

دکتر وکیلی تصریح کرد: این برنامه با حضور یاران و همزمان شهید و در سطح ملی برگزار شد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**اجرای برنامه‌های مدون و مستمر با موضوع
شهید دیالمه با همکاری تمامی گروه‌ها مورد
تاکید است**

رئیس دانشگاه علوم پزشکی مشهد با اشاره به برگزاری همایش بزرگداشت شهید دیالمه در این دانشگاه، بر اجرای برنامه‌های مدون و مستمر در خصوص این شهید والا مقام با همکاری تمامی گروه‌ها تاکید کرد.

دکتر محمد علی کیانی در نشست هماهنگی برنامه‌های همایش شهید دیالمه نیاز امروز، خاطر نشان کرد: بسیار مفتخریم که در ماه‌های آغازین سال ۱۴۰۱ و قرن پانزدهم هجری شمسی اولین همایش تخصصی این شهید بزرگوار را که به‌واقع شهید بصیرت بوده برگزار می‌نمایم

رییس همایش "شهید دیالمه، نیاز امروز" با بیان اینکه این همایش تنها نباید یک برنامه یک روزه باشد و باید آغاز یک حرکت بزرگ و مستمر باشد، خاطرنشان کرد: در نظر داریم با همکاری بسیجیان، دانشجویان، اساتید و دیگر گروه‌ها برنامه‌های مدونی را به‌صورت مستمر دنبال نمایم و در این خصوص فضای ثابتی را در دانشکده داروسازی مشهد اختصاص دهیم.

دکتر کیانی تاکید کرد: معتقدیم که باید به‌طور ویژه‌تر روی موضوع شهدای والا مقام کار کرد و صرفاً به برگزاری همایش‌ها، نصب تندیس‌ها و سردیس‌ها و نامگذاری‌ها اکتفا نکرد.

وی بیان کرد: باید از ظرفیت اعضای هیات علمی در بحث گفتمان سازی شهید دیالمه استفاده کرد و از مسئولان دانشکده داروسازی مشهد هم می‌خواهیم که به‌طور ویژه روی موضوعات این شهید داروساز فعالیت نمایند.



**۱۱ کمیته تخصصی در ستاد برگزاری همایش شهید
دیالمه، نیاز امروز فعال است**

در این جلسه دکتر محمدرضا صابری، معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی مشهد و دبیر اجرایی همایش شهید دیالمه، نیاز امروز، تصریح کرد: به لطف الهی و مدد شهید دیالمه دبیرخانه همایش شهید دیالمه، نیاز امروز به سرعت تشکیل شد و با همکاری دانشگاه‌های علوم پزشکی و فرودسی مشهد، موسسه فرهنگی شهید دیالمه (احیای ثقلین) و خانواده معزز این شهید والا مقام این مراسم از ساعت ۹ تا ۱۲:۳۰ روز سه‌شنبه هفتم تیر ماه برگزار می‌شود و سخنران شاخص این مراسم دکتر سعید جلیلی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام خواهد بود.

وی بیان کرد: جلسات این ستاد به‌صورت مستمر در دفتر معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در حال برگزاری بوده و کمیته‌های اجرایی، فرهنگی، علمی، تاریخ نگاری، آثار و اندیشه‌ها، دانشگاهیان، دانشجویی، اطلاع‌رسانی، بانوان، حوزوی و پشتیبانی فعال شده است.

دبیر اجرایی همایش شهید دیالمه، نیاز امروز ضمن اشاره به خروجی جلسات مسئولان کمیته‌های این همایش، بیان کرد: در جلسات برگزار شده در خصوص نام همایش ده‌ها نام با صدها پیشنهاد مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت عنوان شهید دیالمه، نیاز امروز به‌تصویب رسید و در خصوص موضوعات محوری هم مباحثی در ۵ موضوع احیاءگری در مکتب، بصیرت و تبیین، جوان حکیم و متدین، فرد شجاع و نستوه و چهره علمی و انقلابی ولایت‌پذیر مصوب شد.

دکتر صابری با افزود: ۲۳ عنوان کتاب شهید دیالمه چاپ مجدد شده و این تعداد طی روزهای آینده به ۳۰ عنوان خواهد رسید و در ادامه توسط کمیته علمی همایش به تمامی دانشگاه‌های کشور ارسال خواهد شد.

وی با تاکید بر اینکه برنامه ما صرفاً برگزاری یک همایش ۳.۵ ساعته نیست، گفت: در نظر داریم تا نمایشگاهی مستمر از آثار شهید دیالمه در تمامی دانشگاه‌ها از هم‌اکنون تا پایان سال تحصیلی آینده برپا کنیم و در کنار آن خاطره‌نگاری‌ها و ارسال آثار و توصیه‌های شهید دیالمه را در فضای مجازی خواهیم داشت.

معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مشهد ادامه داد: برگزاری مسابقه فرهنگی برای همایش یک روزه شهید دیالمه، نیاز امروز پیش‌بینی شده و به برگزیدگان هدایایی ارزنده اهدا خواهد شد و در کنار آن در نظر داریم تا سردیس شهید دیالمه تا زمان برگزاری مراسم آماده شده و در دانشکده داروسازی مشهد که محل تحصیل و تدریس این شهید والا مقام بوده جانمایی و نصب گردد و در کنار آن نیز نام این دانشکده را با عنوان دانشکده شهید دیالمه نامگذاری نمایم.

دکتر صابری خاطرنشان کرد: ما در کنار برگزاری همایش شهید دیالمه،



راه امام حسین(ع) به خوبی دنبال شد و آغازکننده آن حضرت زینب کبری(س) بودند.

حجت الاسلام طباطبایی تصریح کرد: شهید دیالمه که در دانشکده داروسازی مشهد بوده مختصات زیادی در حوزه های مختلف داشته و از دروس اساتید حوزوی و دانشگاهی بسیاری یاد بهره برده است.

وی با ذکر این نکته که باید گفتمان شهید دیالمه در جامعه دانشگاهی به خوبی جاری و ساری باشد، تاکید کرد: ما در نظر داریم تا گفتمان شهید دیالمه را به خوبی در زمان برگزاری همایش تبیین نموده و سپس از این راه در مسیر تربیت دانشجویانی بصیر، ولایی و دغدغه مند همچون شهید دیالمه به خوبی گام برداریم.

کانون و دبیرخانه دائمی بزرگداشت شهید دیالمه را در دانشکده داروسازی مشهد راه اندازی می شود

همچنین دکتر بی بی مرجان رضوی، رئیس دانشکده داروسازی مشهد و مسئول کمیته دانشگاهیان همایش شهید دیالمه، نیاز امروز، هم در این جلسه، گفت: قرار است که در هفتم تیر ماه ۱۴۰۱ همایش ملی شهید دیالمه به میزبانی دانشگاه علوم پزشکی مشهد برگزار شود، شهیدی که از دانشکده داروسازی مشهد بوده و به واقع افتخار این دانشکده است و ما وظیفه داریم که ادامه راه شهید دیالمه را برای تمامی دانشجویان هموار کنیم تا به خوبی با افکار، مکتب، راه و رسم شهید دیالمه آشنا شوند.

وی افزود: راه پرافتخار شهدای والا مقام پایان یافتنی نیست و شهید دیالمه هم که این همایش به نام و یادش برگزار می شود شهید بصیرت و جهاد تبیین بوده و به واقع معتقدیم که این همایش آغاز یک راه بزرگ و بی پایان برای تمامی اساتید و دانشجویان خواهد بود.

مسئول کمیته دانشگاهیان همایش شهید دیالمه، نیاز امروز با بیان اینکه ما در دانشکده داروسازی مشهد اساتیدی داریم که شاگرد و همکلاسی شهید دیالمه بودند، خاطرنشان کرد: در میان اساتید دانشکده داروسازی مشهد افراد زیادی را داریم که شاگرد یا همکلاسی شهید دیالمه بودند، افرادی که اکنون خود جزو اساتید شاغل و بازنشسته دانشکده داروسازی مشهد هستند.

نیاز امروز، برگزاری مسابقه ای فرهنگی را هم در نظر گرفته ایم که منبع آن برگرفته از یکی از کتب شهید دیالمه است و علاقه مندان می توانند با تهیه این کتاب در این مسابقه شرکت کرده و به سوالات آن پاسخ دهند.

۳ سخنرانی کلیدی در همایش شهید دیالمه، نیاز امروز برنامه ریزی شده است

در ادامه این جلسه دکتر هادی وکیلی، عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد و دبیر علمی همایش شهید دیالمه، نیاز امروز، گفت: نام و یاد شهیدان باید تا ابد زنده بماند و همانگونه که امام راحل(ره) فرمودند نام و یاد شهدا فراموش شدن نیستند و بسیار مفتخریم که توفیق خدمت رسانی در برگزاری همایش شهید دیالمه، نیاز امروز داریم.

وی افزود: شهید دیالمه یک شخصیت علمی بود و به جهت آنکه همایش هم در مجموعه علمی برگزار می شود به موضوعاتی همچون جوان حکیم، نماد صبر و بر صراط مستقیم، مکتب اهل بیت(ع)، شهید جهاد تبیین، از نهضت بیدارگری تا نهاد حیات طیبه و تبلور سبک زندگی اسلامی پرداخته خواهد شد.

دبیر علمی همایش شهید دیالمه، نیاز امروز ضمن اشاره به نصب سردیس این شهید والا مقام در سالروز شهادتش در دانشکده داروسازی مشهد، بیان کرد: در سردیس شهید دیالمه ۱۰۰ جمله کلیدی این شهید بزرگوار نقش می بندند، سردیسی که با بهترین سازه ها ساخته شده است.

دکتر وکیلی خاطرنشان کرد: در همایش شهید دیالمه، نیاز امروز ۳ سخنرانی کلیدی ۳۰ دقیقه ای در بازه زمانی ۹۰ دقیقه ای خواهیم داشت و طبق پیش بینی ها سخنرانان شاخص، دکتر جلیلی (عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام)، دکتر قاضی زاده هاشمی (معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران) و دکتر بانکی (همکلاسی شهید دیالمه) خواهند بود و خواهر شهید دیالمه هم سخنران شاخص پنل تخصصی خواهران خواهد بود.

ما می خواهیم که خروجی همایش شهید دیالمه، الگوی دانشجویان شود

در بخش دیگری از این مراسم حجت الاسلام سید محمود طباطبایی، مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی مشهد و مسئول کمیته حوزوی همایش شهید دیالمه، نیاز امروز، اظهار کرد: مقام معظم رهبری در خصوص شهیدان فرمودند شهدا الگوهای درخشانی هستند که باید راه این ستارگان درخشان به خوبی دنبال شود. وی اضافه کرد: اگر راه شهیدان به نحو مطلوب دنبال شود، برای همیشه تاریخ از درس های شهدا بهره مند خواهیم شد و در میان ائمه اطهار(ع)

وی افزود: این کمیته، برای دانشگاه هایی که اعلام آمادگی جهت برگزاری نشست های تخصصی نمایند، سخنران و گرداننده پنل معرفی و اعزام خواهد کرد و هزینه های مربوطه را نیز پوشش می دهد. همایش "دیالمه نیاز امروز"، هفتم تیر ماه، همزمان با سالروز شهادت این شهید والا مقام به همت دانشگاه علوم پزشکی مشهد و همکاری دانشگاه فردوسی مشهد و سایر نهادها و ارگانها برگزار خواهد شد.



وبدا

دانشگاهیان نقشی پررنگ و بی بدیل در مسیر ترویج سیره و سبک زندگی شهید دیالمه دارند

دبیر علمی همایش شهید دیالمه، نیاز امروز گفت: الگو و تفکر شهید دیالمه که نیاز امروز جامعه است باید به خوبی ترسیم شود و معتقدیم که در این مسیر دانشگاهیان نقشی پررنگ و بی بدیل در مسیر ترویج سیره و سبک زندگی شهید دیالمه دارند.

به گزارش وب دا، دکتر هادی وکیلی در کرسی آزاداندیشی الگوی گفتمانی شهید دیالمه برای دانشگاه امروز، اظهار کرد: شهید دیالمه در همه حوزه های کاری همواره بر اجرای عدالت و گفتن "سخن حق و نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد" تاکید داشت.

وی تصریح کرد: شهید دیالمه بر صبرورت تاکید داشت و معتقد بود که هویت انسان باید از حیات نباتی به معنوی و یا طیبیه تبدیل شود و همواره در صراط مستقیم حرکت کرد.

دبیر علمی همایش شهید دیالمه، نیاز امروز با بیان اینکه از نگاه شهید دیالمه هر صراطی مستقیم نیست، خاطرنشان کرد: شهید دیالمه در مسیرهای خود همواره بر صراط قرآنی ترسیم می کرد و معتقد بود نباید در هر مسیری که دلمان می خواهد حرکت کنیم و بعد ادعا کنیم که طبق صراط مستقیم گام برداشته ایم.

دکتر وکیلی با اشاره به زهد شهید دیالمه، بیان کرد: زهد از دیدگاه شهید دیالمه به معنای نداشتن نیست، بلکه به معنای نخواستن است، امام

وبدا

فراخوان شرکت در مسابقه بزرگ "کتابخوانی" طراح هدایتی

مسابقه بزرگ کتابخوانی "طراح هدایتی" در حاشیه نخستین کنگره شهید دیالمه نیاز امروز برگزار خواهد شد.

به گزارش وب دا، این مسابقه بر اساس کتاب طراح هدایتی شهید عبدالحمید دیالمه سوم و چهارم تیر ماه برگزار خواهد شد.

کتاب طراح هدایتی، سخنرانی شهید دکتر عبدالمجید دیالمه در دانشکده علوم مشهد است و عموم مخاطبین می توانند در این مسابقه کتابخوانی شرکت کنند.

بر اساس اعلام دبیرخانه کنگره شهید دیالمه، قرار است به ۳۰ نفر از برگزیدگان این مسابقه جوایز یک میلیون تومانی اهدا شود و سفیران کتابخوانی نیز جایزه سفر به مشهد مقدس به همراه اقامت رایگان را در مدت زمان کنگره دریافت می کنند.

علاقمندان می توانند برای دریافت اطلاعات بیشتر به کانال اطلاع رسانی این کنگره به نشانی dialamehbash@ مراجعه نمایند.

شهید عبدالحمید دیالمه، نماینده مجلس اول شورای اسلامی ایران ۴ اردیبهشت ۱۳۳۳ دیده به جهان گشود و ۷ تیر ۱۳۶۰ اثر انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی به فیض رفیع شهادت نائل آمد.

شهید عبدالحمید دیالمه در دانشگاه علوم پزشکی مشهد در رشته داروسازی تا مقطع دکترا تحصیل کرد، تحصیلات حوزوی و دانشگاهی داشت و علوم منطق، فلسفه و عرفان را نزد مرتضی مطهری فراگرفت، او یکی از مخالفان رژیم سلطنتی بود و بارها توسط ساواک دستگیر شد. همچنین از مخالفان گروه مجاهدین و همچنین از منتقدان خط فکری و سیاسی بنی صدر بود.

وبدا

برگزاری نشست های تخصصی با موضوع تفکر شهید عبدالحمید

مسئول دبیرخانه کمیته دانشگاهی همایش "دیالمه نیاز امروز" از برگزاری نشست های تخصصی با موضوع تفکر این شهید در برخی از دانشگاه های علوم پزشکی کشور خبر داد.

مهدی کاظمی در گفتگو با وب دا اظهار کرد: در این راستا و با پیگیری های انجام شده دانشگاه های جندی شاپور اهواز، بوشهر، هرمزگان و ایران نیز قرار است نشست هایی را به این مناسبت برگزار نمایند.

مصادق کامل آتش به اختیار دانست، بیان کرد: شهید دیالمه کسی بود که در قبال جامعه و مردم خودش احساس مسئولیت می کرد و برای این احساس مسئولیت، اهل مطالعه و دانستن، مباحثه و مناظره، فعالیت و کار یدی بود.

دکتر وکیلی خاطرنشان کرد: شهید دیالمه از دسته انقلابی های مکتبی بود و نه انقلابی های سیاسی و گرچه به مسائل سیاسی هم می پرداخت، اما آن را ذیل مباحث فرهنگی و تحقق عقاید و باورهای اسلامی می دانست.

وی تاکید کرد: بی شک تفکر شهید دیالمه نیاز جامعه ما و نیاز امروز ما بوده و هست و معتقدیم که در این مسیر دانشگاهیان نقشی پررنگ و بی بدیل در مسیر ترویج سیره و سبک زندگی شهید دیالمه دارند.



وبدا

نخستین همایش ملی "شهید دیالمه، نیاز امروز" در دانشگاه علوم پزشکی مشهد برگزار می شود

رونمایی از سایت دائمی شهید دیالمه

نخستین همایش ملی "شهید دیالمه، نیاز امروز" هفتم تیر ماه سال ۱۴۰۱ همزمان با سالروز شهادت این شهید والا مقام در مجتمع شهدای سلامت دانشگاه علوم پزشکی مشهد برگزار می شود.

به گزارش وب دا، دکتر محمدرضا صابری در نشست خبری، اظهار کرد: شهید دکتر عبدالحمید دیالمه دانشجوی رشته داروسازی دانشگاه علوم پزشکی مشهد و از فعالان پرشور انقلابی بوده و با پیشنهاد رئیس دانشگاه علوم پزشکی مشهد برگزاری نخستین همایش شهید دیالمه، نیاز امروز از حدود دو ماه پیش در دستور کار قرار گرفت و امیدواریم که فردا شاهد برگزاری یک همایش باشکوه و در شان این شهید والا مقام باشیم.

معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی مشهد با بیان اینکه

علی (ع) در دوره حیاتشان یکی از بهترین کنشگران اقتصادی بودند، اما هیچگاه وابسته به ثروت نبودند و شهید دیالمه هم با الگوگیری از سیره امیر مومنان، حضرت علی (ع) می گفت "خدا یا ما را با نداشتن ها و نخواستن ها سرافراز بفرما" و این شهید والا مقام اجزای شدن و



صیورت در صراط مستقیم را ترسیم می کند و مشابه این ویژگی را ندیدیم و به گفته اکثر علما و بزرگان این شیوه شهید دیالمه به معنای واقعی بی نظیر بود.

وی تاکید کرد: شهید دیالمه حلقه اتصالی میان پیشینیان و نسل های بعد بود، این شهید بزرگوار در زمان سخنرانی های سال های ابتدای انقلاب آنقدر سخنانش قاطع بود که در کلامش چیزی جز بیان حق را در نظر نداشت و همواره با صراحت و صداقت سخن می گفت.

دبیر علمی همایش شهید دیالمه، نیاز امروز ادامه داد: امروز الگوی شهید دیالمه بیش از هر زمان دیگری به کار می آید و هرگز نباید بگوئیم که دوره چنین نگاه ها و تفکراتی پایان یافته است.

دکتر وکیلی با تاکید بر اینکه شهید دیالمه با ۲۵ سال سن در تمامی مناظرات حاضر شد و حرف های خود را با نهایت احترام و بدون کوچکترین توهین و بی احترامی بیان کرد، گفت: شهید دیالمه وقتی شنید که تهدید به ترور شده نه تنها اقدام به قطع برنامه هایش نکرد، بلکه می گفت اشکالی ندارد، من را ترور کنید، اما قبلش حرفم را گوش کنید.

وی افزود: ما الآن درگیر ۳ فرهنگ دینی، ملی و غربی هستیم و باید به جوانمان آرامشی بدهیم که ابتدا تمرکز خود را حفظ کند و تحت تاثیر فرهنگ نادرست غربی قرار نگیرد و سپس متناسب با الگوی اسلامی گام بردارد، شهید دیالمه معتقد بود اگر کفر به طاغوت نباشد، نمی توان موارد درست دینی را باور کرد و باید در مسیر یک انتخاب درست و عدم تاثیرپذیری موارد نادرست و حواشی ناشی از آن ابتدا تمرکز کامل داشته باشیم و سپس بهترین انتخاب را داشته باشیم.

دبیر علمی همایش شهید دیالمه، نیاز امروز، با اشاره به اینکه شهید دیالمه جوان اندیشمند انقلابی بود که به حق می توان او را نمونه و

دکتر صابری با بیان اینکه تعداد ۱۲ پیش نشست قبل از برگزاری همایش شهید دیالمه، نیاز امروز پیش بینی شده که تاکنون ۷ نوبت آن برگزار شده است، خاطرنشان کرد: همچنین برای روز همایش حضور بیش از هزار نفر را در مجتمع شهدای سلامت مشهد پیش بینی کرده ایم و از ظرفیت فعالان فرهنگی و دانشجویی و جامعه حوزویان و نخبگان بهره مند شدیم.

وی تصریح کرد: ۳ سخنران این همایش؛ دکتر جلیلی، دکتر وکیلی و دکتر بانک که از شاگردان شهید دیالمه بودند، می باشد و در این همایش و با حضور خانواده این شهید والا مقام رونمایی از ۲۱ کتاب شهید دیالمه را خواهیم داشت.

دبیر اجرایی همایش شهید دیالمه، نیاز امروز با ذکر این نکته که یکی دیگر از اقدامات صورت گرفته برگزاری مسابقه کتابخوانی در حوزه دانشجویی بود، تاکید کرد: در روز برگزاری همایش به ۳۰ نفر از برگزیدگان جوایز فرهنگی یک میلیون تومانی اهدا می شود.

شایان ذکر است که در پایان این نشست و با حضور اصحاب رسانه از سایت dialamehbash.mums.ac.ir رونمایی شد.

وبدا

وظیفه کنونی دانشگاه ها تربیت شخصیت های نخبه و علمی در تراز شهید چمران است

رئیس دانشگاه علوم پزشکی مشهد اظهار کرد: وظیفه کنونی دانشگاه ها تربیت شخصیت های نخبه و علمی در تراز شهید چمران بوده و دانشگاه ها امروزه این رسالت را دارند که بیش از هر زمان دیگری به شهدای دانشگاهی بپردازند.

به گزارش وب دا، دکتر محمدعلی کیانی در مراسم بزرگداشت شهید چمران و روز بسیج اساتید که با حضور دکتر جلیلی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام برگزار شد خاطر نشان کرد: برخی از شهدا در انقلاب اسلامی، شهدای شاخصی هستند که وقتی به ابعاد شخصیتی آنها نگاه می کنیم، در می یابیم که افراد بسیار متفاوتی بودند، برخی از شهدای هفتم تیر جزو شهدای شاخص هستند که یک نمونه آن شهید دیالمه بود که از علم بالایی برخوردار بود و از دیگر شهدای علمی می توان از شهیدان بهشتی، مطهری و چمران نام برد.

وی تصریح کرد: شهید چمران تنها یک شاخص علمی نبود، شهیدی که در عمل خدمتگزاری انقلابی و ولایی بود و شهید دیالمه هم چنین ویژگی ای داشت.

انتقال پیام شهدا مستلزم همتی همگانی است، خاطرنشان کرد: در قیام امام حسین (ع) حضرت زینب کبری (س) کارهای بسیار ارزشمندی انجام دادند که نسل به نسل منتقل گردید و به فرموده امام راحل (ره) این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.

دکتر صابری افزود: با تاسی از سیره حضرت زینب کبری (س) در مسیر زنده نگه داشتن نام و یاد شهدا گام برمی داریم و در یک نمونه آن برگزاری همایش شهید دیالمه، نیاز امروز را خواهیم داشت.

وی ضمن تاکید بر فعالیت مستمر کمیته های ۹ گانه همایش شهید دیالمه، نیاز امروز، گفت: در همین خصوص کمیته های اجرایی، علمی، پژوهشی، آثار و اندیشه، تاریخ نگاری، اطلاع رسانی، حوزوی، دانشگاهیان و دانشجویان فعال شده و پیش از برگزاری این همایش ۱۲ جلسه با حضور مسئولان و اعضای این کمیته ها برگزار شد.

دبیر اجرایی همایش شهید دیالمه، نیاز امروز با اشاره به اینکه در این همایش از حضور و ظرفیت خانواده شهید دیالمه و عموم جوانان به ویژه دانشجویان، تمامی دانشگاهیان، نخبگان جامعه و تمامی دغدغه مندان جامعه بهره مند شدیم، بیان کرد: شهید دیالمه در طول حیات پربركتش ۲۱ کتاب نوشته و به چاپ رسانده، مطالبی که اکثر آنها نیاز امروز بوده و اینگونه نیست که بگوییم مطالبی قدیمی بوده و کهنه شده است

دکتر صابری اضافه کرد: شهید دیالمه در سال ۱۳۶۰ از افرادی اسم برد که انحرافات آنان در سال ۱۳۸۸ در جریان فتنه ۸۸ برای عموم مردم نمایان شد، حتی این شهید بزرگوار با وجود سن پایینش در رسوایی خیانت های بنی صدر، رئیس جمهور خائن هم نقش آفرین بود.

وی بیان کرد: اندیشه و تفکر شهید دیالمه باید در کل جامعه ساری و جاری یابد و به همین جهت در همایش شهید دیالمه، نیاز امروز به ۶ موضوع محوری احیاگر مکتب اهل بیت، شهید بصیرت جهاد و تبیین، صبر و صراط مستقیم، از نهضت بیدارگری تا نهاد حیات طیبه، تبلور سبک زندگی اسلامی و منتظر راستین به طور ویژه پرداخته می شود.

دبیر اجرایی همایش شهید دیالمه، نیاز امروز ادامه داد: سایت همایش شهید دیالمه، نیاز امروز که توسط روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی مشهد ایجاد شده، به طور رسمی فعالیت خود را آغاز می کند و کمیته دائمی این همایش هم در این دانشگاه فعال خواهد بود، همزمان با برگزاری همایش شهید دیالمه، نیاز امروز نمایشگاه جانبی برپا می شود و آثار آن تا پایان سال ۱۴۰۱ در قالب نمایشگاهی در تمامی دانشگاه های خراسان رضوی در معرض دید عموم مردم و دانشگاهیان قرار می گیرد.

دکتر محمدرضا صابری ضمن اشاره به برخی طرح‌های اجرا شده توسط بسیج اساتید دانشگاه علوم پزشکی مشهد، بیان کرد: طرح مراقبت در منزل یکی از طرح‌هایی به شمار می‌رود که در همان آغاز شیوع کرونا توسط بسیج اساتید دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شد و سپس به کل کشور تسری پیدا کرد.

مسئول بسیج اساتید دانشگاه علوم پزشکی مشهد ادامه داد: همچنین می‌توان به طرح اکسیژن رسانی در موج پنجم بحران کرونا به بیمارانی که نمی‌توانستند به بیمارستان مراجعه کنند و یا بیمارستان ظرفیت پذیرش آن‌ها را نداشتند، اشاره کرد، طرحی که با کمک‌های مردمی و با همکاری سازمان بسیج اساتید خراسان رضوی در سطح استان اجرا شد.

دکتر صابری خاطرنشان کرد: تهیه بسته‌های حمایتی با کمک بسیج اساتید، اعزام کاروان راهیان نور و کاروان اربعین ویژه اساتید، دیدار با خانواده‌های شهدای مدافع حرم و مدافع سلامت و تلاش برای



هم‌افزایی و همراه سازی گروه‌ها و تشکل‌های اسلامی در داخل دانشگاه از فعالیت‌های شاخص بسیج اساتید استان در دانشگاه‌های مختلف از جمله دانشگاه علوم پزشکی مشهد بوده است.

وی با ذکر این نکته که اساتید بسیجی نقش پررنگی در کمک به حل موضوعات مختلف از جمله مشکلات بحران کرونا داشتند، تاکید کرد: اساتید بسیجی مشهد و سایر شهرهای استان در چندین طرح تحقیقاتی در دوران کرونا وارد شدند و این طرح‌ها در حال اجرا است، طرح‌هایی که با خیرات و برکات بسیاری در مسیر مبارزه با ویروس منحوس کرونا همراه بوده است.

باید به‌خوبی در مسیر تداوم راه پرافتخار شهیدانی همچون شهید چمران گام برداریم

مسئول کانون پیشکسوتان دانشگاه علوم پزشکی مشهد نیز گفت: باید به‌خوبی در مسیر تداوم راه پرافتخار شهدای والا مقام از جمله شهید چمران گام برداریم.

دکتر محمدتقی رجبی مشهدی اظهار کرد: حجت برای همه ما تمام شده است و باید به‌خوبی در مسیر تداوم راه پرافتخار تک‌تک شهدای

رئیس دانشگاه علوم پزشکی مشهد با بیان اینکه جامعه دانشگاهی بیش از زمان دیگری وظیفه پرداختن به شهدای دانشگاهی را دارد، خاطرنشان کرد: به فرموده مقام معظم رهبری وظیفه کنونی دانشگاه‌ها تربیت شخصیت‌های نخبه و علمی در تراز شهید چمران بوده و ما نیز



تمام تلاشمان تحقق خواسته معظم له در حوزه تخصصی مان بوده است.

دکتر کیانی تاکید کرد: تمام تلاشمان این است که در زمینه تربیت و پرورش آینده‌سازان جامعه شخصیت‌هایی همچون شهیدان چمران و دیالمه تحویل جامعه بدهیم و امیدواریم که در این مسیر موفق و سربلند باشیم.

وی بیان کرد: دانشگاه‌ها امروزه این رسالت را دارند که بیش از هر زمان دیگری به شهدای دانشگاهی بپردازند و باید این شهدای والا مقام الگوهای دانشجویان و نسل امروز باشند.



اساتید بسیجی نقش پررنگی در کمک به حل مشکلات بحران کرونا داشتند

رییس سازمان بسیج اساتید خراسان رضوی و مسئول بسیج اساتید دانشگاه علوم پزشکی مشهد گفت: اساتید بسیجی نقش پررنگی در کمک به حل موضوعات مختلف از جمله مشکلات بحران کرونا داشتند.

والامقام از جمله شهید چمران گام برداریم.

وی تصریح کرد: ما سالانه بیش از ۲۰ هزار متخصص و فارغ التحصیل دانشگاهی داریم و معتقدیم با ظرفیت نابی در کشورمان وجود دارد می‌توانیم بیش از این تعداد فارغ التحصیل دانشگاهی تقدیم جامعه نماییم.

مسئول کانون پیشکسوتان دانشگاه علوم پزشکی مشهد با ذکر این نکته که شهید دکتر چمران معتقد بود که اصل مسئله دفاع هم بر تقوا استوار است، تاکید کرد: شهید چمران معتقد بود که برای خدا باید برویم و بجنگیم و با این نیت که باشیم خدا هم ما را پیروز می‌کند.

شایان ذکر است که در پایان این مراسم از دکتر محمدتقی رجبی مشهدی، دکتر حسن بسکابادی، دکتر مجید درودی، دکتر ناصر سرگل‌زایی و دکتر بی‌بی مرجان رضوی به عنوان اساتید برتر سازمان بسیج اساتید خراسان رضوی در طول یک سال اخیر با اهدای هدایایی ارزنده تقدیر به عمل آمد.

وبدا

شهید دیالمه صبرورت بالا و سیر ملکوتی ویژه‌ای در طول حیات پربرکتش داشت

همایش شهید دیالمه نیاز امروز، صبح امروز با حضور جمعی از اندیشمندان، مسئولان ارشد کشوری و استانی، خانواده معظم شهدا و ایثارگران در مجتمع شهدای سلامت دانشگاه علوم پزشکی مشهد آغاز به کار کرد.

به گزارش وب‌دا، دیالمه، جوان حکیم، نماد صبرورت بر صراط مستقیم، دیالمه، احیاگر مکتب اهل بیت علیه السلام، دیالمه شهید بصیرت و جهاد تبیین، دیالمه از نهضت بیدارگری تا نهاد حیات طیبه، دیالمه تبلور سبک زندگی اسلامی و شهید دیالمه منتظر راستین با حضور دکتر جلیلی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، جمعی از مسئولان کشوری و استانی، اعضای هیات علمی و خانواده معظم شهدا برگزار می‌شود.

رییس دانشگاه علوم پزشکی مشهد در این همایش ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس به ویژه شهیدان هفتم تیر ماه با بیان اینکه در تاریخ انقلاب اسلامی یکی از پرمعناترین و کامل‌ترین تعبیر در زمینه شهدای شاخص، تعبیری است که امام خمینی (ره) در خصوص شهید بهشتی بیان نموده است اظهار کرد: در خصوص واقعه هفتم تیر اقدامات و برنامه‌های متعددی با محوریت شهید بهشتی برگزار شده است.

دکتر محمد علی کیانی با بیان اینکه ۹ نفر از شهیدان هفتم تیر ماه از جمله شهید دیالمه متعلق به استان خراسان رضوی هستند تصریح کرد: در این راستا به منظور تبیین شهدای شاخص به ویژه شهید علم و عمل دانشگاه، "دکتر عبدالحمید دیالمه" برگزاری همایش دیالمه نیاز امروز در دستور کار قرار گرفت.

وی با بیان اینکه شهید دیالمه جوانی مومن، متعهد، حکیم بود که در بستری علمی، عملی، معنوی و اعتقادی رشد یافت تصریح کرد: این شهید والامقام که در زمان شهادت تنها ۲۷ سال سن داشت، منشاء اقدامات موثر و مهمی در انقلاب اسلامی بود، و راه اندازی مجمع تفکرات شیعی از جمله اقدامات مهم ایشان بود.



ویژه‌ای داشت، خاطرنشان کرد: در سخنرانی‌های پرشمار شهید دیالمه ۸ سخنرانی کلیدی با موضوع صیروت داشتیم و مسیر ترسیمی‌اش این بود که عبد حمید باشد و نام عبدالحمید زیننده این شهید عزیز است. دکتر وکیلی تاکید کرد: از همکاری شایسته ریاست و مسئولان دانشگاه علوم پزشکی مشهد بابت برگزاری این همایش باشکوه تقدیر و تشکر می‌کنیم و امیدواریم که با فعالیت دبیرخانه دائمی شهید دیالمه در دانشکده داروسازی مشهد که به نام این شهید عزیز زیننده خواهد شد منشا خیرات و برکات بسیار برای عموم مردم به‌ویژه جامعه دانشگاهی باشد.



رئیس دانشگاه علوم پزشکی مشهد با بیان اینکه امروز بیشتر از هر زمان دیگری نیاز به گفتمان شهیدان شاخصی همچون دیالمه، چمران و بهشتی داریم و باید تبیین گفتمان شهیدای شاخص استمرار یابد اظهار کرد: در این راستا دبیرخانه دائمی شهید دیالمه در دانشگاه علوم پزشکی مشهد راه اندازی شده است تا بتوان به شکل مناسبی به این موضوع پرداخته شود.

دبیر اجرایی همایش شهید دیالمه نیاز امروز نیز، در این همایش ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای گرانقدر و والا مقام با تاسی از سیره حضرت زینب کبری (س) در مسیر زنده نگه داشتن نام و یاد شهدا گام برمی‌داریم و در یک نمونه آن برگزاری همایش شهید دیالمه، نیاز امروز را خواهیم داشت.

دکتر محمد رضا صابری با اشاره به تشکیل کمیته‌های ۹ گانه همایش شهید دیالمه، نیاز امروز، گفت: در همین خصوص کمیته‌های اجرایی، علمی، پژوهشی، آثار و اندیشه، تاریخ‌نگاری، اطلاع‌رسانی، حوزوی، دانشگاهیان و دانشجویان فعال شده و پیش از برگزاری این همایش ۱۲ جلسه با حضور مسئولان و اعضای این کمیته‌ها برگزار شد.

دبیر اجرایی همایش شهید دیالمه، نیاز امروز با اشاره به اینکه در این همایش از حضور و ظرفیت خانواده شهید دیالمه و عموم جوانان به‌ویژه دانشجویان، تمامی دانشگاهیان، نخبگان جامعه و تمامی دغدغه‌مندان جامعه بهره‌مند شدیم، بیان کرد: شهید دیالمه در طول حیات پربرکتش ۲۱ کتاب نوشته و به چاپ رسانده، مطالبی که اکثر آنها نیاز امروز بوده و اینگونه نیست که بگوییم مطالبی قدیمی بوده و کهنه شده است.

دبیر اجرایی همایش شهید دیالمه، نیاز امروز ادامه داد: همزمان با برگزاری همایش شهید دیالمه، نیاز امروز نمایشگاه جانبی برپا می‌شود و آثار آن تا پایان سال ۱۴۰۱ در قالب نمایشگاهی در تمامی دانشگاه‌های خراسان رضوی در معرض دید عموم مردم و دانشگاهیان قرار می‌گیرد.

دبیر اجرایی همایش شهید دیالمه، نیاز امروز با ذکر این نکته که یکی دیگر از اقدامات صورت گرفته برگزاری مسابقه کتابخوانی در حوزه دانشجویی بود، تاکید کرد: در روز برگزاری همایش به ۳۰ نفر از برگزیدگان جوایز فرهنگی یک میلیون تومانی اهدا می‌شود.

شهید دیالمه صیروت بالا و سیر ملکوتی ویژه‌ای در طول حیات پربرکتش داشت

دبیر علمی همایش شهید دیالمه، نیاز امروز گفت: شهید دیالمه در طول عمر ۲۷ ساله و حیات پربرکت خویش صیروت بالا و سیر ملکوتی ویژه‌ای داشت.

به گزارش وب‌دا، دکتر هادی وکیلی با بیان اینکه شهید دیالمه از اردیبهشت ۱۳۳۳ تا تیر ۱۳۶۰ زیست و صیروت بالا و سیر ملکوتی

وبدا

عضو مجمع تشخیص مصلحت
نظام: شهید دیالمه از سرداران خط
مقدم جنگ نرم در ابتدای انقلاب بود

تصریح کرد: شهید دیالمه را می توان نمونه برجسته جهاد تبیین در زمان خودش دانست، فردی که شرایط را به درستی می شناخت و به خوبی حرکت های انحرافی را رصد می کرد و به خوبی اقدام می کرد و نمی گذاشت زمانی بگذرد و حادثه ای اتفاق بیفتد و سپس برای رفع آثار منفی اقدامی انجام دهد.

وی با بیان اینکه شهید دیالمه از همان روزهای ابتدای انقلاب اسلامی خطر انحراف گروهک منافقین را بیان می کرد اظهار کرد: تلاش تمام عیار افرادی مانند شهید دیالمه و شهید هاشمی نژاد بود که توطئه های دشمنان، تلاش های گسترده منافقین و گروهک ها در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی را خنثی کرد و نگذاشت که انقلاب را از پای در بیاورند.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان اینکه حیات طیبه مربوط به زندگی دنیاست و با ایمان و عمل صالح شکل می گیرد و احتیاج به مراقبت نیز دارد خاطر نشان کرد: اگر امروز و بعد از ۴۰ سال از واقعه هفتم تیر ماه برای بزرگداشت شهید دیالمه دور هم جمع شده ایم برای این است که شهید دیالمه با تمام وجود دعوت خدا را در داشتن حیات طیبه لبیک گفته بود.

دکتر جلیلی با بیان اینکه هر حرکت الهی که شروع می شود شیاطین و دشمنان در برابر آن اقدام به تفرقه افکنی،

شبیه افکنی و سنگ اندازی می کنند و این امر از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون مشهود بوده است تصریح کرد: آن چیزی که برای مخالفین انقلاب اسلامی کم هزینه تر است حرکت نرم در ایجاد شبهه، تفرقه، تردید افکنی و حرکات ارتجاعی است و باید برای مقابله با آن جهاد تبیین داشت.

وی با بیان اینکه مقام معظم رهبری از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون در مسیر جهاد تبیین و روشنگری تلاش می کردند تصریح کرد: جهاد تبیین یک کار بزرگ و جدی است و اگر می خواهید انقلاب اسلامی به شکوفایی و آرمانی خود نزدیک شود باید همگان در این مسیر گام بردارند.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان اینکه شهید دیالمه از سرداران خط مقدم جنگ نرم در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی بود اظهار کرد: این شهید والا مقام، در برابر انحرافات و تردید افکنی ها با تمام توان می ایستاد و به یقین مصداق آیه " قالوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا" بود.

به گزارش وب دا، دکتر سعید جلیلی در همایش شهید دیالمه نیاز امروز که در مجتمع شهدای سلامت دانشگاه علوم پزشکی مشهد با

حضور خانواده معظم شهیدان، جمعی از مسئولان ارشد کشوری و استانی، فرهیختگان، استادان و عموم مردم برگزار شد با بیان اینکه شهید دیالمه، کوچکترین زاویه و انحراف از مسیر اسلام ناب محمدی و انقلاب اسلامی را نمی پذیرفت و با آن مقابله می کرد خاطر نشان کرد: نتیجه زاویه و

انحرافات کوچک در سال های بعد، انحرافات بزرگی را به همراه داشت و نمونه آن را در دهه های گذشته شاهد بودیم.

وی با بیان اینکه مقام معظم رهبری به جهاد تبیین تاکید دارند تصریح کرد: یکی از اقتضائات جهاد تبیین، تبیین در زمان خودش است و اگر در زمان خودش نباشد اثر بخشی لازم را ندارد، و نمونه آن موضع گیری شهید دیالمه در زمان انتخابات ریاست جمهوری بنی صدر، که نسبت به منحرف بودن وی هشدار داد و علت آن را نیز قبول نداشتن ولایت فقیه عنوان کرد.

دکتر جلیلی با بیان اینکه دشمنان امروز به طور مستمر در حال شبهه افکنی و تفرقه افکنی هستند و لازمه مقابله با آن، فعالیت در جهاد تبیین



بسیاری دست یافتیم و حفظ این ارزش‌ها وظیفه همه آحاد جامعه و به‌ویژه جوانان و دانشگاهیان بوده که آینده این مرز و بوم را رقم می‌زنند.



وبدا

رونمایی از کتاب فهم زمانه در همایش شهید دیالمه، نیاز امروز

همایش شهید دیالمه، نیاز امروز، از کتاب فهم زمانه که با محوریت شخصیت شهید دیالمه به قلم یعقوب توکلی تألیف شده است، رونمایی شد.

به گزارش وب‌دا، نویسنده کتاب فهم زمانه، در مراسم رونمایی از این کتاب اظهار کرد: شهید دیالمه ذره ذره وجودش با مطالعه و پژوهش عجین شده بود و بسیاری از اقداماتی که علیه جریانات انحرافی انجام داد بر اساس مطالعاتی بود که انجام داده بود.

وی تصریح کرد: این کتاب برای کسانی تألیف شده است که می‌خواهند فرزندانی همچون شهید دیالمه را پرورش دهند، شهیدی که والدینش از دوران کودکی او را با مکتب اسلام و مطالعه آشنا کردند و زحمات زیادی برای تربیت این شهید والا مقام داشتند.

وبدا

دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مزین به نام شهید دیالمه شد

همزمان با سالروز شهادت شهید عبدالحمید دیالمه نام دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی مشهد به نام این شهید والا مقام مزین شد.

به گزارش وب‌دا، این مراسم با حضور خانواده معظم شهید دیالمه، جمعی از اعضای هیات علمی و مسئولان دانشگاه علوم پزشکی مشهد برگزار شد.

معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در گفتگو با وب‌دا اظهار کرد: نام دانشکده داروسازی این دانشگاه به نام شهید دیالمه مزین یافت تا فضای این دانشکده به نام و ترویج افکار این شهید والا مقام رونق گیرد.

دکتر محمد رضا صابری با بیان اینکه دکتر عبدالحمید دیالمه دانش آموخته دانشگاه علوم پزشکی مشهد بود و در طول حیات با برکتش منشا خیرات و برکات بسیار شد. خاطر نشان کرد: همچنین به‌زودی تندیس شهید دیالمه نیز در مقابل درب دانشکده داروسازی نصب می‌شود.

وی با اشاره به راه اندازی دبیرخانه دائمی همایش شهید دیالمه در دانشگاه علوم پزشکی مشهد اظهار کرد: به منظور ترویج تفکر شهید دیالمه، بر اساس برنامه ریزی، نمایشگاهی از کتاب‌های این شهید در تمامی دانشگاه‌های سطح استان خراسان رضوی تا پایان سال دایر خواهد شد.

وبدا

مهمترین مسئولیت زنان در جامعه اسلامی ترویج فرهنگ عفاف و حجاب است

خواهر شهید دیالمه گفت: به اعتقاد شهید دیالمه مهم‌ترین مسئولیت زنان در جامعه اسلامی ترویج فرهنگ عفاف و حجاب است.

نیکو دیالمه در حاشیه برگزاری همایش شهید دیالمه، نیاز امروز، در گفتگو با وب‌دا، اظهار کرد: شهید دیالمه ویژگی‌های بارز بسیار زیادی داشت و من به عنوان خواهر این شهید والا مقام درس‌های زیادی به‌خصوص در حوزه زنان از او آموختم.

وی تصریح کرد: شهید دیالمه معتقد بود که مهم‌ترین مسئولیت زنان در جامعه اسلامی ترویج فرهنگ عفاف و حجاب بوده، چیزی که از سوی دشمنان مورد هجومه واقع شده است و می‌گفت در جامعه اسلامی باید برای زنان مسلمان حجاب فاطمی حرف اول را بزند.

خواهر شهید دیالمه با بیان اینکه توصیه دیگر برادرم خطاب به جوانان و آینده‌سازان جامعه بود، خاطر نشان کرد: به عموم جوانان به‌ویژه جامعه دانشگاهی که می‌خواهند راه شهید دیالمه را ادامه دهند توصیه می‌کنم که ابتدا با راه، روش، منش و مکتب شهید دیالمه آشنا شوند و سپس در مسیر اجرای درست سبک و شیوه این شهید والا مقام اقدام نمایند. دیالمه در پایان گفت: ما به برکت خون پاک شهدا به افتخارات ارزشمند

وبدا

خاطره ای از همکلاسی شهید دیالمه؛ در دوران پهلوی زندان رفتن برای مبارزان یک افتخار بود

دکتر حسین بانک، همکلاسی شهید دیالمه در خاطره ای از این شهید والا مقام اظهار کرده است: سال ۱۳۵۴ یکبار از دانشکده داروسازی می آمدم. عصر بود. من بودم و او. کس دیگری همراهان نبود. ماشین جیبی پشت سرمان توقف کرد و دیالمه را صدا زد. دیالمه برگشت. آن ها اگر هم نمی دانستند کدام ما دیالمه است، حالا فهمیده بودند. یکنفر از داخل ماشین به دیالمه گفت: "سوار شو." دیالمه سوار شد و او را بردند. بعد متوجه شدیم او را به ساختمان ساواک برده اند. بعدها می گفت: "چند شب قبلش شناسایی شده بودم و جای انکار نبود." بازجویش ناهیدی بود. خیلی شکنجه اش کرده بود. جاهای مختلف بدنش را با سیگار سوزانده بود. دیالمه خیلی خوددار بود. از اتفاقات درون ساواک به ما چیزی نمی گفت. فقط ما متوجه شدیم چند نقطه از بدنش را با آتش سیگار سوزانده اند.

آن زمان زندان رفتن برای مبارزان یک افتخار بود. حتی بودند افرادی که به عمد خودشان را به زندان می کشاندند. تا برای خودشان آبرو کسب کنند. همین ها به دلیل ضعف هایشان در زندان کم می آوردند و مارکسیست می شدند. اما دیالمه اعتقاد داشت؛ انسان نباید به سادگی به زندان برود، بلکه باید به گونه ای عمل کند که دستگیر نشود و کار را به نحو احسن انجام دهد.

(به نقل از دکتر حسین بانک؛ دکترای داروسازی از دانشگاه فردوسی مشهد و همکلاسی شهید در دانشگاه)

وبدا

مروری بر فاجعه جانگداز هفت تیر

از فاجعه جانگداز ۷ تیر که منجر به شهادت بیش از ۷۲ تن از پیروان امام حسین علیه السلام شد، چهل و یک سال می گذرد.

اما گذشت زمان هرگز نخواهد توانست گرد فراموشی بر این واقعه عظیم تاریخی بیافشاند.

مگر قریب به هزار و سیصد و اندی سال بُعد زمانی توانسته است حجابی برای ستر فاجعه عاشورای حسینی و پرده ای برای فراموشی شهادت حسین و هفتاد و دو تن از یاران او باشد؟

و بلکه گذشت زمان خود عاملی برای بهتر شناختن و بیشتر شناختن ابعاد عاشورا و فلسفه شهادت شده است.

و عاشورای ۷ تیر سال ۱۳۶۰ هجری شمسی نیز مانند عاشورای محرم سال ۶۱ هجری قمری، هرگز فراموشی نخواهد پذیرفت. و همیشه بعنوان عامل شور و طیش و فریاد، باقی خواهد ماند.

و پویندگان را حسین بن علی علیهما السلام را، تحرک و انگیزه ی تلاش و تکاپو خواهد بخشید.

آری خون پاک سیدالشهداء مظلوم و یارانش در عاشوراء لازم بود تا نهال تازه رویده انقلاب اسلامی حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله را آبیاری کند. آن چنان که خود فرمود:

"ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی، فیا سیوف خذینی."

و اینک نیز، خون پاک سیدالشهداء مظلوم زمان ما و یارانش در کربلای سرچشمه ضرورت داشت تا درخت انقلاب اسلامی فرزندان پیامبر؛ خمینی کبیر را آبیاری سازد و خطوط انحرافی را به مردم بشناساند و مردم را متوجه مصالح اصیل اسلامی بکند. بنابراین، گرچه این فاجعه، ضربه ای سترگ بر پیکر امت مسلمان کوبید، ولی بی تردید در پس این فاجعه، مصلحتی عظیم نهفته است که خداوند خود، بر آن واقف است. و این فاجعه را نیز، به کوری چشم دشمنان اسلام، با جان و دل پذیرا می شویم، و با قامتی استوارتر و قدرتمند تر و با فریادی رساتر در مقابل تهاجم کفر و نفاق از هر سوی، چه غرب امپریالیست و لیبرالیست و چه شرق کمونیست و سوسیالیست می ایستیم. و این ضایعه را نیز، جز یکی دیگر از الطاف خفیه الهی نمی دانیم. و آن را مصداق بارز آیه مبارکه:

"وَعَسَى أَن تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ. . . .". بر می شماریم

و تیز آن را به مصداق آیه شریفه:

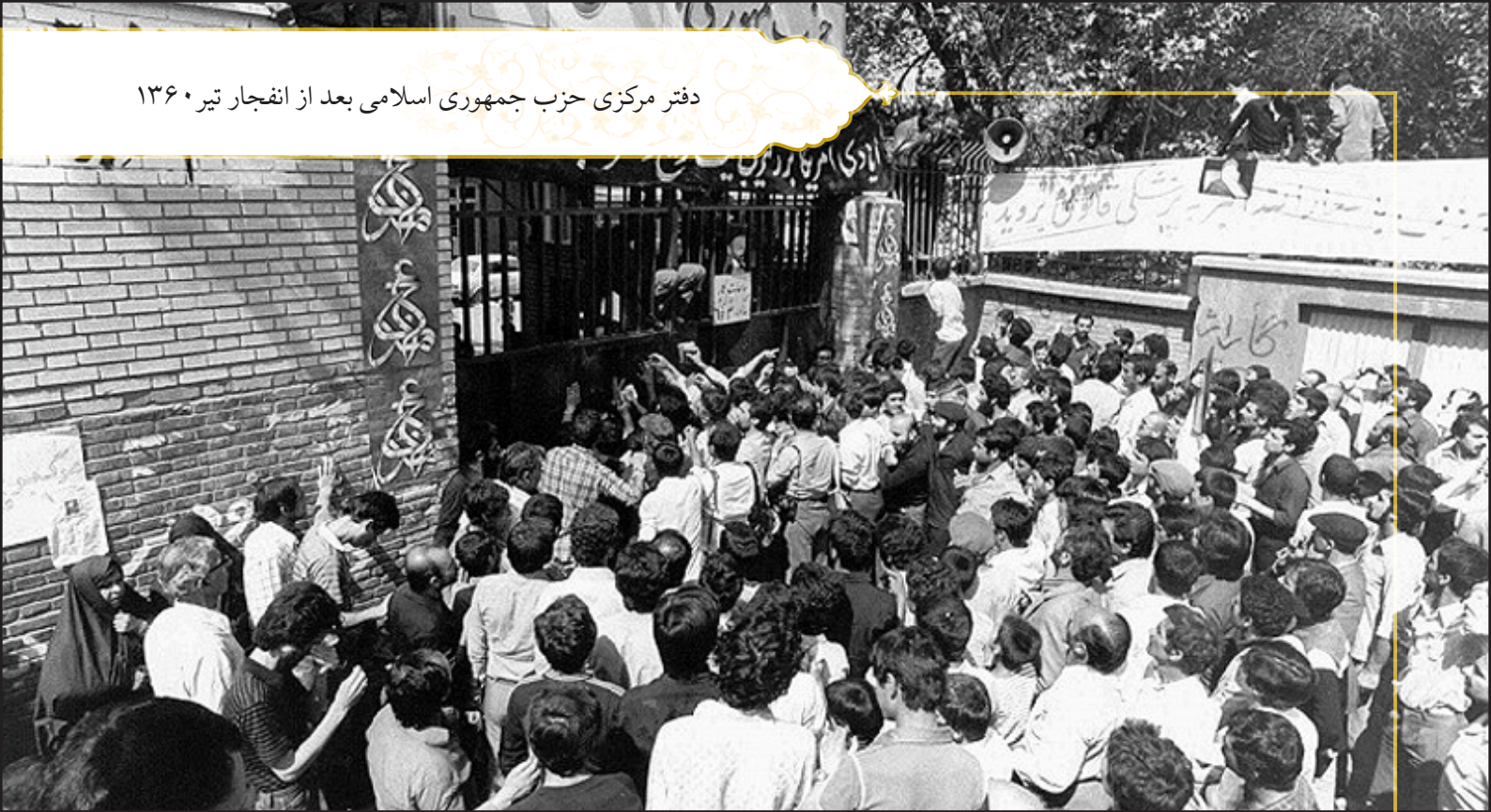
"وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بَشَىءً مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ. . . .".

آزمایشی برای صابرین و استقامت ورزندگان در راه مستیق الهی می دانیم.

والله المستعان.

اما با این مقدمه، می خواهیم طبق عادت خاطره نویسی خودم، خواه تلخ و خواه شیرین، آنچه که از لحظه رخداد این رویداد دردناک بر من گذشت، بر صفحات دفتر یادداشت نگاری ام، بنویسم.

من به عنوان یک ایرانی مسلمان بطور اعم، بطور اخص با از دست دادن بهترین دوست زندگیم، که براستی باید اذعان کنم که آنچه از نظر کمال فکری و اعتقادی در مسیر تفکرات و اعتقادات اسلامی و شیعی،



بدست آورده ام مدیون او هستم، یعنی دکتر
عبدالحمید دیالمه نماینده مردم مشهد در مجلس
شورای اسلامی، ویا آنطور که بطور غیر رسمی و
دوستانه صدایش می کردیم (وحید آقا)، از این
پزشکی امام خمینی واقع در خیابان مجاهدین تشکیل
کند که معاد انسان باید جسمانی باشد.

فاجعه مصیبت زده ام. می شد برویم.

و بعد از آن فاجعه، چه در خلوت خود و تنها در
پیشگاه خداوند و چه در پیش دیگران، بارها و بارها،
آرزوی مرگ کرده ام و فقدان او را برای خود دردناکتر از
هر مصیبتی بر شمرده ام.

گرچه شهادت، شایستگی و لیاقت می خواهد و وحید
واقعاً شایسته آن بود، اما شهادتش از دیدگاه عاطفی،
کمر ما را شکست.

از خداوند می خواهم که بما نیز توفیق عنایت فرماید
که بتوانیم راه او و طریقه مبتنی بر تشیع راستین او را در
مجمعی که بنیان نهاد؛ یعنی:

مجمع احیاء تفکرات شیعی
ادامه دهیم و از روح پر فتوّت و مطهر اد نیز یاری می
جوییم که بتوانیم با تلاش و تکاپو از
"مجمع احیاء تفکرات شیعی" صالحات باقیاتی
گسترده و دامنه دار برای او بسازیم

"وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا"

گزارش الکترونیکی
همایش
شهید دیالمه؛

گزارش واقع

ظهر روز یک شنبه ۷ تیر ۱۳۶۰، در تهران در خبر

گزارش پارس به دیدن دوستم مهدی یداللهی رفتم.

دست بکار شویم.

اما خبری نشد و از آنجا رد شدیم.

از من خواست برای پیاده کردن و ترسیم طرحی

مناسب برای متن سخنرانی او در مهدیه تهران که

درباره شهید چمران و سازمان امل لبنان بود، سریعاً

اقدام کنم. و قرار شد همان شب در خانه آنها باشیم و

اما خبری نشد و از آنجا رد شدیم.

از من خواست برای پیاده کردن و ترسیم طرحی

مناسب برای متن سخنرانی او در مهدیه تهران که

درباره شهید چمران و سازمان امل لبنان بود، سریعاً

اقدام کنم. و قرار شد همان شب در خانه آنها باشیم و

اما خبری نشد و از آنجا رد شدیم.

تا تو بیایی و اسلحه را آماده کنی، کارشان را کرده اما بلافاصله بعد از خداحفاظی و رفتن آنها، دکتر دیالمه با لبخندی که در آن واقعا همان ناگهان بدون هیچ دلیلی، احساس بسیار عجیب احساس خودم و مهدی، یعنی حس تشویش و اضطراب و تپش قلب در من بوجود آمد و اضطراب و نگرانی و التهاب موج می زد جواب تشویش و دلهره ای شگفت انگیز تمام وجودم را داد:

”متن سخنرانی خیلی هارا که به شهید چمران تهمت وابسته به آمریکامی زدند را خیلی عصبانی کرده است. الان هم، حتما از نشر کتاب در هراس

آقای دکتر دیالمه مدیر مسئول کمیته پزشکی امام اما.....

با هم به خانه آنها بر گردیم. اما، بعد وحید اصرار کرد که ما در خانه بمانیم و هم من کار طراحی را شروع کنم و هم شام تهیه کنیم. چون همان روز بود از دکتر دیالمه پرسید:

نمی زد. چند دقیقه سکوت باندازه ساعتهای طولانی مشقت بار در سکوت گذشت. ناگهان صدای تلفن خانه به صدا درآمد. مهدی تلفن را برداشت. مثل اینکه حمید رضوی یا هاشم بود که با تلفن با مهدی صحبت می کرد. نوعی صحبت کرد که ما فکر کردیم، پل هوای نزدیک آن حوالی را منفجر کرده اند. مهدی از طریق تلفنی که به او شد، از جریان انفجار بمب در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی مطلع شده بود. و با توانایی خاصی جلو احساسات خود را گرفت و طوری وانمود کرد که پل هوایی منفجر شده است. و بلا فاصله پس از خروج پدر وحید از اتاق، مهدی با حالتی که سعی میکرد جلو خود را بگیرد مرا از انفجار دفتر حزب مطلع کرد. سراسر وجودم آتش گرفت. پدر وحید که به سختی نگران بود به اتاق دیگر رفت و دراز کشید. و من فوراً برای کسب اطلاع از خانه خارج شدم و خودم را به نزدیکی محل حادثه رسانیدم. دهها آمبولانس در آنجا مستقر بودند و صداها نفر از مردم نگران در آن حوالی تجمع کرده بودند. یکی دو ساعتی همراه مردم ملتهب و مضطرب، در خیابان سرچشمه پرسه می زدم. بالا می رفتم و پایین می آمدم. نم دانستم چکار کنم. اصولاً هیچکس نمی دانست چکار بکند. بهت و حیرت فراگیر بود. خود ساختمان منهدم شده حزب در تاریکی بود. و خبرهایی در بین مردم در جریان بود که آقای بهشتی مجروح شده و ناطق نوری به شهادت رسیده است. و چون قرار بود سریع از وضعیت مهدی را مطلع کنم ناچار به خانه برگشتم. دیدم پدر وحید آقا نیز منتظر است. مهدی به محض دیدن من، از من خواست که بگویم کمیته مرکزی را منفجر کرده اند. من هم به دکتر دیالمه همین حرف را زدم. و گفتم که احتمالاً آقای بهشتی مجروح

شده و آقای ناطق نوری و چند نفر دیگر به شهادت رسیده اند. دکتر دیالمه با حالت تضرع و درماندگی سر بلند کرد و گفت: "خدایا خودت همه را حفظ کن، مال ما را(=) فرزند ما را) هم در میان آنها حفظ کن." من دوباره برگشتم تا ببینم که چه کسانی شهید شده اند. و آیا وحید هم شهید شده یانه؟ گلویم خشک شده بود.

این بار دیگر امکان رفتن به نزدیکی دفتر منفجر شده حزب نبود. نیروهای انتظامی آنجا را محاصره کرده بودند. و خودروهای سنگین مشغول برداشتن آوار بودند. خبردار شدم خیلی ها شهید شده اند. اولین افرادی که خبر شهادتشان رسید ناطق نوری و محمد منتظری بود. همه مردم مستقر در آنجا، از وضعیت دکتر بهشتی و وحید دیالمه می پرسیدند. و بالاخره خبر رسید که: دیالمه نیز شهید شده است.)

حالتی را که در آن لحظه داشتم، هرگز نمی توانم بیان کنم و هرگز هم نخواهم توانست. گریه نمی کردم. چون اصلاً بفکر نمی رسید گریه کنم. شوکه هم نشده بودم، چون با هشیاری کامل مراقب اوضاع بودم. اما یک نوع حالت بهت و سردرگمی و سرگردانی همراه با ناباوری شگفت انگیزی تمام وجودم را فرا گرفته بود. آن تشویش و دلهره و اضطراب و نگرانی که بلافاصله پس از خداحافظی وحید در وجود من پدیدار شده بود، دیگر از وجود رخت بر بسته بود. احساس و ادراک غریبی بر من سیطره داشت. چنین می پنداشتم که قدری بگردم شاید خود

وحید را پیدا کنم و بگویم سریع به خانه برو که بابایت خیلی نگران است. یا اصلاً فکر می کردم به خانه بروم و بخوابم و فردا صبح از یک خواب پریشان همراه با کابوس وحشتناک بیدار شوم و خدا را شکر کنم که همه این اتفاقات خوابی بیش نبود

ضربه کوبنده تر از آن بود که در خود لحظه ی وارد آمدن آن، بتوان دردش را درک و تحمل کرد. اگر معنی سردرگمی و سرگردانی و بهت و حیرت را تا آن وقت واقعاً نمی دانستم، در آن



تصاویری از

لحظه، تجربه کردم. و فهمیدم. و ای کاش می مردم. نه، نه، ای کاش هزاران بار کشته می شدم و این معنا را، به این صورت تجربه نمی کردم. صدای آژیر آمبولانسها و همه جمعیت مرا بخود می آورد که: "نه، اگر بخوابی، باز هم این فاجعه یک واقعیت است. اگر باور نکنی باز هم این یک

وضعیت آشفته من سبب شد که نیروهای تازه کار امنیتی به من مشکوک شدند و ناگهان مورد حمله آنان قرار گرفتم و با سرعت و خشونت مرا بداخل یک خودرو بردند و شروع به پرس و جو کردند. و قصد داشتند مرا به مرکز امنیتی ببرند. که با فهمیدن این که من دوست و حید آقا بودم و تا سه چهار ساعت پیش با او بودم و الان هم از خانه او به اینجا آمده ام، صحنه دگرگون شد و یکی یکی مرا بغل می کردند و همراه با من گریه می کردند. و با عذرخواهی رهایم کردند.

یادم می افتاد که هنگامی که وحید در انتخابات مجلس پیروز شد، من در تهران بودم. قبل از اینکه نتیجه آراء اعلام شود، من از تهران به خانه وحید در مشهد زنگ زدم و جریان را پرسیدم. مهدی صالحی به من اطلاع داد که وحید در انتخابات مجلس با اکثریت آراء انتخاب شده است.

سپس من با خوشحالی وصف ناپذیری در تهران با خانواده وحید تماس گرفتم و برای اولین بار خبر پیروزی وحید را به خواهرش اطلاع دادم.

ولی آیا حالت ظاهری خودم را می توانستم حفظ کنم. هرگز، هرگز.

برایم قطعاً مقدور نبود که در سوگ عزیز ترین فرد زندگی، قیافه و ظاهر عادی خود را حتی برای چند لحظه حفظ کنم.

پیشانی بودم، افسرده بودم، می لرزیدم، اما با وجود همه اینها، با همه سختی ها، سر انجام توانستم بر خود مسلط شوم و بخانه برگشتم تا خبرشهادت وحید را نیز، من بعنوان اولین کس، به خانواده اش برسانم.

وقتی به خانه رسیدم، حدود ساعت سه بعد از نیمه شب بود. هاشم و حمید قبل از من به خانه آمده بودند و خبر را رسانده بودند.

ابوالحسن نیز آنجا بود. لباس مشکی تنشان بود. دکتر دیالمه، پدر وحید ناله ضعیفی می کرد. قدم می زد. خدا خدا میکرد. مانیز همگی گریه می کردیم. همسایه ها خبردار شده بودند. بحث سر این بود که چه کسی بدنال مادر و خواهر وحید به نارون برود و چگونه خبر را به او برساند.

به همه فامیلها یشان تلفن زده بودند. چند نفر از پسر خاله های وحید آمده بودند. سرانجام موافقت شد ابوالحسن که از نظر روحی در پیش دوستان دارای قدرت بیستری است و نیز نسبت به همه خوددارتر هست، برود و مادر و خواهر وحید را از نارون بیاورد.

سرانجام، فاجعه را باور کردیم. و سراسر ایران، فاجعه را در عین ناباوری، باور کرد. ولی هنوز ابعاد وسیع این فاجعه را کمتر کسی است که درک کند.

شاید تنها نفس مطمئنه ای چون خمینی کبیر گنجایس درک و تحمل ابعاد این فاجعه را داشته باشد.

روح شهیدان کربلای سرچشمه شاد و روانشان آرام و راهشان مدام باد.



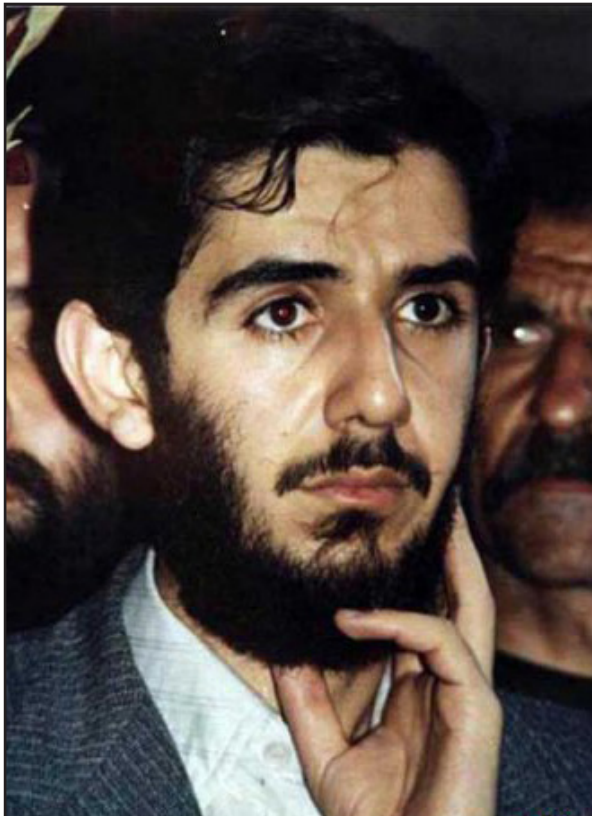
از یکی از کسانی که در معرکه حاضر بودند سیگاری گرفتم و دود کردم و اعصابم را کنترل کردم.

و باور کردم که همه شهید شده اند و وحید نیز هم.

ساعت حدود یک و نیم بعد از نیمه شب بود. حالا باید به خانه بازگردم و خبر شهادت وحید را به پدرش برسانم.

آیا حالا می توانستم باز هم اولین فردی باشم که خبر شهادت او را نیز به خانواده اش بدهم. قدرت آن را در خود نمی دیدم. پس حدود یک ساعت به منظور وقت کشی، در خیابان بالا و پایین بروم.

سرانجام تصمیم گرفتم که به خانه برگردم و ابتدا اصلاً راجع به این موضوع صحبت کنم و بالاخره آرام آرام پدر وحید را در جریان بگذارم.



وبدا

گفتگو با دکتر عبدالحمید دیالمه؛
کنفرانس بررسی جنایات امریکا،
هیچ اثری از اثرات اسلام و انقلاب
نداشت

دکتر عبدالحمید دیالمه نماینده مشهد در مجلس شورای اسلامی و عضو هیئت رئیسه مجلس با صبح آزادگان به گفتگو نشست، نماینده مردم مشهد در این مصاحبه نقطه نظرهای خود را در رابطه با تشکیل کنفرانس بررسی مداخلات آمریکا در ایران و تصمیم گیری مجلس در مورد گروگان ها بیان داشت. مشروح مصاحبه در ذیل به نظرتان می رسد.

س- در مورد فعالیت های سیاسی خودتان قبل از انقلاب و فعالیت های انتخاباتی برای ورود به مجلس برای ما توضیح دهید.

ج- من سعی کردم در زمان فعالیت های انتخاباتی نه زندگی نامه ای برای خود بنویسم و نه در جایی مسائلی از گذشته ام مطرح کنم علت این بود که فکر می کنم ما بعد از انقلاب باید نشان بدهیم که حالا می خواهیم چه کنیم در خیلی از زمینه ها افراد سعی کردند نان گذشته را بخورند که ما در گذشته اینطور بودیم اینجور عمل کردیم فلان کارها را انجام دادیم اگر ما بتوانیم این سنت را عوض کنیم و بدانیم بعد این می خواهیم چکار بکنیم فکر می کنم بسیار خوب باشد یعنی این درست است که بعد از انقلاب یک شکوفایی جدیدی در حرکت این ملت پدید آمده در نتیجه افرادی هم که می خواهند برای این ملت کاری انجام دهند باید پا به پای این شکوفایی نشان بدهند، حالا چطور می خواهند عمل کنند. در گذشته ما خیلی فراوان حرکت های مختلفی داشتیم حتی به راحتی افرادی را می بینیم که زمینه های عملی شدیدی در زمان های قبل داشتند و زمینه های انحرافی شدیدی در بعد از انقلاب و حتما شما دیده اید که این تکیه بر گذشته دلیلی شده بر تأیید کارهایی که امروز انجام می دهند در حالی که اگر یک فردی انقلابی بود حتما در انتها هم انقلابی باقی نمی ماند و ما این گذشته را در انقلاب به یکدک می کشیم من خودم معتقد بودم اگر ما بتوانیم بعد از انقلاب این طرز تفکر را عوض کنیم و نشان بدهیم یک انقلابی در مراحل مختلف ممکن است تغییر شکل بدهد. زمینه های مختلف پیدا کند گاهی اوقات ممکن است برگردد، اصلا متوقف بشود و گاهی ممکن است در طول مسیر باقی بماند.

ولی این کار را در قبل انجام ندادند و علت هم همین مطلب است بعد از انقلاب باید نشان بدهیم حالا بعد از این شکوفایی بعد از این مراحل

می آید اگر ما برگردیم و راجع به قبل صحبت کنیم اولاً تکیه بر چیزهایی است که فقط می تواند از ما یک سوپرمن بسازد و در ذهنمان تصور کنیم کارهای انجام شده و چون تقریباً تقوای خیلی دقیق ابوذر گونه ای هم در ما وجود ندارد یواش یواش امر بر خودمان هم مشتبیه می شود که مثل اینکه ما هم حقی داریم از این حرکتی که انجام شده. در واقع من فکر می کنم خیلی از ما هیچ چیزی در این انقلاب از دست نداده ایم کار زیاد کردیم اما اینکه مثل بقیه مردم واقعا همه امکانات خود را از دست داده باشیم اینطور نبوده اگر کسی در قبل مبارزه کرده زندان رفته زمینه برخوردهای مختلفی داشته شکنجه دیده در مقابل هم چیزهایی گرفته یعنی اینطور نبوده که اینها همه یک رنج متوالی برای او باشد و بعد هیچ، چرا که شما می بینید بعد از انقلاب آنهایی که در زمان قبل کار کردند و بعد از انقلاب هم براساس یک محتوای ایدئولوژیک و طرز تفکر دقیق باقی ماندند بهترین افراد برای مردم و انقلاب بودند و هستند فقط به خاطر اینکه خدمت می کنند و هیچ وقت هم حقی نخواسته اند اگر شما نگاه کنید می بینید تمام کسانی که در زمان قبل پله پله عمل کردند و درگیرهایی چه کوتاه و یا طولانی با رژیم داشتند اینها هم بعد از انقلاب که آمدند اگر بر مبنای یک حرکت دقیق هم نبودند هیچ حقی نخواستند و تازه سعی کردند بعد از انقلاب این احساس را در خود حفظ کنند که بار مسئولیت بیشتری روی دوش آنهاست به خاطر اینکه در طول این مدت فهمیدند این ملت چه رنجی متحمل شده ولی

برای خودشان خیلی ساده گذشته یک مرتبه یک حرکتی در منطقه ای به وجود آمده و انقلابی شده بعد از انقلاب هم آمدند خیلی ها شاید بودن که نه به خانه به زندگی نه به پولشان و نه به ماشین هیچ کدام لطمه ای نخورده و عملاً شاید به خاطر آن مقدار بعد مذهبی هم که داشتند یک قدری پست و مقامشان بالا رفته.

در این حال به نظر می آید حتی آنهایی که در قبل مراحل ممتدی را مبارزه کردند کار کردند اینطور نبوده که چیزهایی را فقط از دست داده باشند خیلی چیزها را به دست آوردند به همین خاطر اگر این را از من بپذیرید که معیار را بر این بگذاریم که بعد از انقلاب یک حرکت جدید داشته باشیم بدون پشتوانه های قبل یعنی از تجربیات و عملکردمان در گذشته استفاده می کنیم اما بدون ایستادن درون آنها برای گرفتن پست و مقام و بعد از این مراحل خیلی راحت می توانیم در جهت انقلاب و برای مردم خدمت کنیم به هر حال من نسبت به زمینه های گذشته اینطور فکر می کنم

س - نظر شما در مورد کنفرانس بررسی مداخلات آمریکا چیست؟

ج - در کنفرانس مداخلات آمریکا من به عنوان یکی از افراد هیات رئیسه مجلس در جلسه افتتاحیه آن شرکت داشتم و حتی برای آنکه یک مقداری دیدم نسبت به این کنفرانس کاملتر بشود و زود قضاوت نکرده باشم یکی دو جلسه بعد را هم یک چند ساعتی رفتم، آنچه که در مجموع می توان گفت این است که حداقل در این کنفرانس هیچ اثری از آثار یک انقلاب اسلامی نداشت و در درجات بالاتر هم اگر بخواهیم عنوان کنیم می توانیم بگوییم هیچ اثری از انقلاب نداشت آنچه که در آنجا مطرح بود عنوان کردن یک سری مدارک برای افرادی که در آنجا آمده بودند که زیاد هم برایشان تازه گی نداشت این افراد مشابه همان روال قبل در فرودگاه پیاده شدند و با ماشین آمدند در هتل هیلتون یکی از اعلاترین هتل در بهترین موقعیت تهران اسکان پیدا کردند و میلیون ها تومان خرج شد طبق برآورد خودشان اگر درست گفته باشند هشت میلیون تومان به نظر من آنچه را که می خواستیم به آنها بدهیم نتوانستیم، علت هم این بود که ما اگر قرار شد چیزی را در اختیار فردی قرار دهیم حداقل این است که فضای آن مطلب را هم در اطراف ایجاد کنیم شما امروز اگر پیش یک روانشناس روانپزشک بروید قبل از اینکه با شما صحبت بکند شما را از مراحل مختلفی می گذرانند حتی سعی می کند با سیستم های دروغی و گذراندن از اتاق های مختلف آن حالتی را که می خواهد در شما ایجاد کند و بعد از شما سؤال می کند و آن چیزهایی را که می خواهد به شما تلقین و القاء می کند ما اگر قرار بود جنایات آمریکا را به این افراد نشان بدهیم حداقل باید در محیطی این کنفرانس را برگزار می کردیم که آن فضا

و آن محیط دقیقاً بتواند شرایط جنایات آمریکا را در ایران به این افراد نشان دهد و این افراد بوجود آن جنایات و مداخلات را استشمام بکنند در صورتی که آنها آمدند، در یک جای خیلی مرفه، خورد و خوراک خیلی خوب تا آنجا هم که من دیدم مسائل کنگره برایشان اجباری نبود بطوری که اینها در اتاق های خود بودند ساعت ۳ که جلسه شروع می شد هر کدام که دلشان می خواست می آمدند در کنفرانس بقیه هم که نمی خواستند در همان سالن های بیرون با هم صحبت می کردند گپ می زدند یعنی یک چیزی نبود که باید اجباراً در جلسه شرکت می کردند تا از سخنرانی ها و متن هایی که خوانده می شد استفاده کنند و مسائل دیگر جو حاکم غیر اسلامی آنجا بود که شدیداً افراد مسلمان را رنج می داد بطوری که جو آنقدر غیر قابل قبول یا غیر قابل پیش بینی بود که افرادی که برای جلسه افتتاحیه در آنجا آمده بودند شاید حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر ایرانی بود ولی زمانی که پیام امام خوانده شد و نام امام را در انتهای پیام ذکر کردند افرادی که می خواستند صلوات بفرستند یک مقداری همدیگر را نگاه کردند احساس این بود که این جو به صلوات فرستادن نمی خورد یک سه چهار نفری با یک صدای آهسته یک چیزی گفتند و بعد هم قطع شد و یا اگر قرار بر این بود که بعد از صحبت تکبیر گفته شود افراد احساس می کردند اصلاً به این محیط نمی آید خب محیطی که حتی مسلمان ها در آن احساس انس نمی کنند. برای افراد اروپائی و غربی و آمریکایی چگونه محیطی هست و می توانند بفهمند اینجا انقلابی صورت گرفته تغییری صورت گرفته دگرگونی بوده شرایط عوض شده. اینها برخورد کردند با خانم هایی که در آنجا بدون حجاب نه تنها بدون حجاب بلکه با یک وضع بسیار بسیار زننده و مفتضح خیلی راحت با کسانی که نزدیک به مقامات رسمی کشور بودند و چه با آنهایی که در سطوح پایین تر بودند تماماً با یک وضع غیراسلامی و غیر عادی در وسط سالن ها برای خودشان راه می رفتند سیگار می کشیدند این محیط اصلاً رنگ اسلامی نداشت پول هایی که خرج کردند و زمینه هایی که استفاده شد به نظر من اصلاً نتوانست آن محتوایی که می خواستند را برساند مضافاً به اینکه ما می دانیم بازی هایی که آمریکا انجام می دهد این بازی های سیاسی چقدر غیر قابل اعتماد است وقتی قرار می شود رمزی کلارک به تهران بیاید و آمریکا احتیاج دارد ما این فرد را بپذیریم فردی که قبلاً امام او را پذیرفت و حتی هلیکوپتر ایشان را از روی آسمان گفته برگردد دست به یک بازی سیاسی می زند و بعد اعلام می کند ما این افراد را به زندان می اندازیم و از اینها غرامت سنگین می گیریم و بعد او را می فرستند وقتی که وارد ایران می شود مسلماً یک همچون فردی که با یک مضیقه آن چنانی وارد ایران شده مورد توجه قرار می گیرد. و آقای رمزی کلارک می آید سخنرانی می کند بعد از اینکه یک مقداری شروع کرد در مورد



طرحی به آن شکل ارائه نشده نظرشان این است که اینها محاکمه بشوند یا نشوند یعنی جواب مثبت و منفی، بدون اینکه چطور باید پیاده شود. با در نظر گرفتن اینکه آمریکا در سطح بین المللی ما را به عنوان یک جامعه وحشی معرفی کرده اذهان بین المللی واقعا نمی داند ما در ایران چه کردیم خیلی کم برایشان روشن شده و عملا تبلیغات شدیدی که سیستم های صهیونیستی بین المللی می کنند در افکار عمومی جهان اینطور جلوه می دهند که خب اینها تعدادی تروریست بودند آمدند افرادی را هم آنجا نگه داشتند و حالا ما بیائیم اینها را بکشیم عملا در همان مسیری رفتیم که آمریکا می خواهد و یک مجوزی برای مداخله نظامی در ایران به دست او داده ایم باید کاری کرد که هم ما به آن نتیجه ای که داریم برسیم و هم در عین حال او نتواند چنین استفاده ای بکند ما با دعوت از کسانی که برای ما در حدودی می تواند مطرح باشد مثل کاپوچی و حتی خود پاپ و در سطح بین المللی اعلام کنیم ما گروگانها را محاکمه می کنیم ولی مجازات نمی کنیم به یک شرط که سیستم های مخابراتی و آمریکا به دنبال یک زمینه برای مداخله نظامی در ایران می گردد به نظر من اگر ما گروگان ها را بکشیم بهترین زمینه برای آمریکا خواهد بود برای مداخله نظامی در ایران و یا اینکه اینها را محاکمه نکنیم بدون هیچ انعکاسی آمریکا خیلی خوب می تواند در سطح بین المللی تبلیغ کند. اگر ما یک مقداری از جو خودمان که انقلاب برایمان فهم شده و می دانیم چه کردیم برویم بیرون، از ایران خارج شویم خواهیم دید که و رسانه های گروهی آمریکا که عملا همان صهیونیست های بین المللی هستند جریانات محاکمه را به وسیله اقمار مصنوعی در سراسر دنیا منعکس کنند. که یا آمریکا می پذیرد یا نمی پذیرد اگر این را قبول کرد خوب ما در برنامه دادگاه

انقلاب ایران تجلیل کردن در انتها اضافه می کند (البته من دقیقا جمله اش در خاطرم نیست ولی به این مضمون بود) که به نظر من مسائل گروگانگیری کار درستی نیست و ما باید آنها را آزاد کنیم یعنی دقیقا این فردی که از طرف آمریکا با آن خصوصیات به ایران می آید در انتها آن حرفی را که خودش می خواهد می زند یعنی وقتی آمریکا احساس می کند یک کنفرانس قرار است تشکیل شود و افرادی از کشورهای مختلف هم می آیند ما هم برویم حرفمان را بزنیم پس باید فردی باشد که مورد توجه آنها قرار بگیرد ضمنا زیاد هم مشکوک به نظر نرسد پس ما باید بگوییم فرد را به زندان می اندازیم و این گروهی که به ایران برود جریمه می کنیم پول ازشان می گیریم و وقتی اینگونه افراد بیایند حرفی که می زند ملاک قرار می گیرد و بعد می بینیم مرحله بعدی این مسائل را تثبیت می کند یعنی هیئت وقتی از اینجا می رود برای اینکه مجوز خوبی برای عدم مطرح نکردن اسنادش داشته باشد به راحتی می گوید این اسناد را در فرودگاه از من گرفتند اگر این هیئت می دانست این اسناد را نمی تواند به مردم آمریکا انتقال دهد چرا آمد به ایران چرا آمد در کنفرانس شرکت کرد درخواست ایران از آمدن اینها این بود که اینجا بتوانند حرف ما را برسانند به جاهای مختلف اسناد را بتوانند در جاهای مختلف نشر دهند از خود آمریکا می آیند با آن شرایط وارد ایران می شوند و بعد هم که برمی گردند می گویند اسناد را از ما گرفتند به نظر من آمدن رمزی کلارک به ایران فقط مداخله دیگری بود توسط آمریکا در امور داخلی ایران یعنی آمریکا وقتی احساس کرد یک کنفرانس بر علیه او قرار است تشکیل شود به شکل خیلی مرموز و زیرکانه ای با یک مداخله دیگر در این کنفرانس شرکت کرد شاید بهتر بود این را هم به طومار مداخلات آمریکا در ایران اضافه می کردیم حتی من در آنها پیشنهاد هم کردم و اعتقادم بر این بود که اسم کنفرانس را بطور دقیق مشخص می کردیم و عنوان می کردیم مثلا ۷۰ سال گروگانگیری ملت ایران توسط آمریکا تا در مقابل آن نشان دهیم که اگر ما یک ماه دو ماه پنج ماه سی نفر جاسوس را در اینجا گروگان گرفتیم شما ۵۰ سال ۱۰۰ سال ملت ما را گروگان داشتید و دقیقا این لفظ گروگانگیری را به خود آنها برگردانیم تا نشان بدهیم این اگر چیز منحوسی است خود شما نزدیک به یک قرن این کار را کردید و حالا چه شده که آنقدر به دست و پا افتادید به هر حال در مورد کنفرانس هم خیلی تبلیغ می کنند برای آنکه نشان بدهند خیلی کار شده ولی باید در آینده دید چقدر اثر خواهد داشت.

س- با جوی که در مجلس وجود دارد فکر می کنید چه تصمیمی در مورد گروگانها خواهد گرفت و در این رابطه نظر خودتان چیست؟

ج- در برخوردهایی که من با آقایان در مجلس داشتم به نظر می آید که حداقل



می توانیم به راحتی جنایات چندین و چند ساله آمریکا را مطرح بکنیم بگوییم چرا گروگانها را نگه داشتیم بگوییم ارتباط مسائل گروگانها با مساله استرداد شاه چیست در آنجا بگوییم چرا ما اصرار داریم به برگرداندن شاه به وسیله آمریکا و اینکه تاکید داریم حتما آمریکا شاه را باید به ما پس بدهد همه اینها را می توانیم دقیقا آنجا روشن کنیم وقتی جنایات شاه در کنار جنایات آمریکا مطرح شد برای اذهان عمومی جهان روشن خواهد شد که ما چه می گوییم آنوقت نه تنها ما یک روشنگری در این جهت کردیم بلکه بعد از این مرحله گروگانها را که امروز اسمشان گروگان است ولی در واقع جاسوس هستند اذهان بین المللی آماده خواهد شد و به احتمال قوی به خود ما اجازه خواهد داد که حتی آنها را بکشیم. البته افکار عمومی و نه از نظر قانونی. و دقیقا آن کاری که آمریکا می خواهد انجام دهد نمی تواند و به راحتی برای اذهان بین المللی روشن خواهد شد و اما اگر آمریکا چنین مساله ای را نپذیرفت خب اگر ما در طول زمان این مسائل را تبلیغ کرده باشیم و خوب بتوانیم این مسائل را جا بیندازیم ما به آن نتیجه ای رسیدیم که شاید در خیلی از مراحل انقلاب هم می خواستیم این کار را انجام دهیم و ملت آمریکا را در مقابل دولت آمریکا قرار دهیم و به ملت آمریکا بفهمانیم که این دولتی که در راس قرار گرفته عملا یک سیستم شدید ظالمانه ای است که حکومت می کند در سراسر مستعمراتش و جاهای دیگر که حتی به ظاهر مستعمره اش نیستند. به این ترتیب وقتی یک ماه دو ماه روی این مسائل تبلیغ کردیم و اعلام کردیم ما اینها را محاکمه می کنیم ولی بدون مجازات و اگر آمریکا حاضر به این کار شد ما گروگانها را به راحتی می توانیم محاکمه کنیم و بکشیم و بعد ملت آمریکا در مقابل دولتش این جواب را می خواهد آن کسی که پدرش

کشته شده مادرش کشته شده فرزندش کشته شده همسرش کشته شده دولت آمریکا را مقصر می داند که تو درست می گفتی اگر اینها فقط یک مشت تروریست بودند اگر تو در ایران مداخله نظامی نکرده بودی مداخله سیاسی نکرده بودی اگر شاه دست نشاندۀ تو نبود اگر این ظلم ها را بر اینها نکرده بودی چرا نگذاشتی اینها در سطح بین المللی طرح شود و اگر تو گذاشته بودی حتما گروگانها را آزاد می کردند و ما می توانیم به این ترتیب دولت آمریکا را در مقابله با ملتش قرار دهیم و برای ملتش روشن بشود این حکومتی که در آنجا عمل می کند حکومت درستی نیست و در این رابطه ما باید روی سیستم های بین المللی کار بکنیم که چقدر می توانند برای ما باروری داشته باشند در این کار افراد را شناسایی کنیم خود پاپ که خیلی هم ادعا دارد بیاوریم اینجا مطرح کنیم این مسائل را که ما حاضریم گروگانها را محاکمه کنیم مجازات نکنیم به شرطی که جریانات محاکمه در سراسر دنیا منعکس شود اگر آمریکا پذیرفت بعد از جریان محاکمه اذهان بین المللی آماده است که اینها را محاکمه و بکشیم و شاه را هم برگردانیم و اذهان عمومی این را حق را به ما خواهد داد و اگر هم آمریکا قبول نکرد در مقابل ملتش مسئول خواهد بود و دیگر آن زمان نمی تواند تبلیغ کند که اینها تروریست بودند اینها عمل وحشیانه انجام دادند اینها یک عده افراد معمولی و غیر نظامی را کشتند.

س- شما به عنوان نماینده مردم پیامی ندارید در ارتباط با هوشیاری مردم نسبت به توطئه های عوامل امپریالیسم یا ضد انقلاب؟

ج- آنچه که فکر می کنم در شرایط فعلی مردم باید در آن خیلی خیلی هوشیار باشند این مطلب است که به علت جو اختناق که بر ما حاکم بود در یک فقر فرهنگی شدید بسر می بردیم و این زمینه الان در اختیار نیروهای امپریالیستی قرار دارد اعم از کسانی که جبهه شرقی دارند یا غربی و عناصر داخلیشان بطوری که می بینید کمک می کنند برای تضعیف نیروهای داخلی. و آمریکا و روسیه کوشش می کنند برای محو اثرات انقلاب ایران در خارج از مرزها، نیروهای داخلی سعی می کنند افراد را در اینجا مشغول کنند تا آنجا در خارج بتوانند نظرات ما را محو بکنند. ما باید هر چه سریعتر رشد فرهنگی را در سطح عموم ملت بالا ببریم که یک خطر اساسی ما را تهدید می کند آن نسلی است که باید در آینده تداوم انقلاب به دست او انجام گیرد و امروز خیلی از گروه های منحرف بازیچه خودشان قرار دادند افکارشان را مسموم می کنند این نسل را آماده می کنند برای دوره های بعدی که بتوانند انقلاب را در جهت خودشان برگردانند یعنی یک حرکت مرتجعانه خیلی دقیق در یک مسیر ارتجاعی حساب شده برگرداندن به همان مرحله قبل از انقلاب تا بتوانند به همان مسیری که خودشان می خواهند گرایش دهند

اگر غربی هستند به سمت غرب اگر شرقی به سمت شرق و روسیه یکی از آن گروهها که امروز خیلی زیرکانه کار می کند و ملت باید روی آن خیلی خیلی هوشیار باشد و آن اینکه بعضی از چهره ها برای ملت روشن شده ولی یک چهره هنوز روشن نیست و آنهم حرکت طرز تفکر مائونیست هاست در ایران که شدیداً به شکل زیرکانه ای کار می کنند جایگاه ها و پست های مختلف را اشغال می کنند به خاطر اینکه ظاهراً شعارشان به شعار ما نزدیک است یعنی هم در مقابل آمریکا ایستاده اند و هم در مقابل روسیه و عملاً برای مردم قابل تفکیک نیست چون مردم آن شعار اول انقلاب را که

چین شوروی آمریکا دشمنان خلق ما را آن مسئله چین را فراموش کردند عملاً دست آنها باز شده که در بین ما شعار بدهند در بین ما عمل کنند و حتی در خیلی از مراکز مذهبی ما برنامه بگذارند سخنرانی کنند بدون اینکه ما بفهمیم از کجا این مسائل هدایت می شود روزنامه هایشان خیلی راحت عمل می کند چون ظاهراً مطالب نزدیک به مطلب ماست و به نظر نمی آید چگونه عمل می کند به عنوان نمونه سازمان انقلابی بدون اینکه مسائل خودشان را در ظاهر مطرح بکند در همین مهدیه کافی در یکی از همین اعیاد که درست خاطرم نیست برنامه سخنرانی گذاشته بود و حتی برنامه دیگری هم در یکی از مراکز مذهبی ما حساس است این را بگذارید فعلاً مطرح نشود ان شاء الله اگر ما بتوانیم این فقر فرهنگی را هر چه سریعتر درمان کنیم مسلماً فرهنگ غنی، هوشیاری و زیرکی و قطع دست نیروهای داخلی و خارجی را هم به دنبال خواهد داشت و بعنوان یک گفته نهایی این را باید ذکر کنم برگردیم به همان شعار ابتدای انقلاب که همه ابرقدرت ها اعم از چین، شوروی، آمریکا همه را با هم در یک خط دشمنان خلق بدانیم.



شهید دیالمه فعالیت اعتقادی و مبارزاتی خود را از دوران دانشگاه آغاز کرد. از جمله؛ در سال اول تحصیلی اقدام به تأسیس کتابخانه اسلامی در خوابگاه دانشگاه مشهد نمود و از طریق این کتابخانه افراد مؤمن را شناسایی کرد، تا بتواند در آینده افکار اسلامی شیعی را که سالها زحمت کشیده و با خون دل آموخته بود، به آنان منتقل کند (۶). تشکیل جلسات سخنرانی تحت عنوان «صراط مستقیم» با هدف احیاء تفکرات شیعی از دیگر کارهای او بود که به وسیله آن طرفداران زیادی را به سمت خود جذب کرد و افکار انحرافی و التقاطی را خنثی ساخت. شهید دیالمه به خاطر الهی بودن کارهایش، همواره توفیق می یافت و تفکراتش از مرز دانشگاه می گذشت و در سطح شهر گسترش می یافت، به همین جهت و به بهانه شرکت در مبارزات مسلحانه، بارها توسط ساواک زندانی شد.

او پس از تأسیس «مجمع احیاء تفکرات شیعی» به همراه یار نزدیکش، دکتر قاسم صادقی (۸)، مبارزات خود را علیه منافقین سازمان دهی کرد (۹).

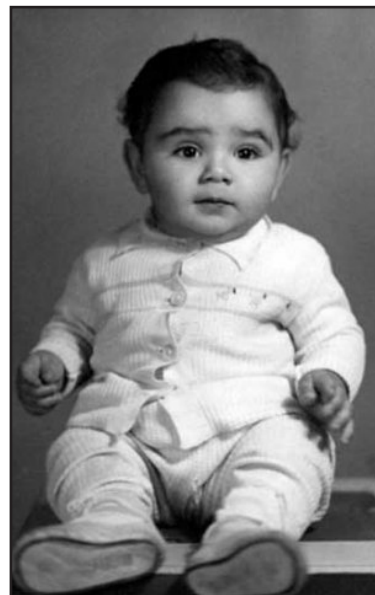
شهید دیالمه از بینش سیاسی عمیقی برخوردار بود و از اولین کسانی بود که انحراف از خط اسلام را در بنی صدر و روزنامه وابسته به او مشاهده کرد و به قصد افشاگری با جمعی از دوستان خود در مجمع احیاء تفکرات شیعی مشهد به تهران آمد و در محل روزنامه به اصطلاح «انقلاب اسلامی» تحصن کرد (۱۰).

فعالتهای شهید در مشهد، محبوبیتی خاص به او بخشید و موجب شد تا چند تن از علمای طراز اول مشهد از جمله، آقا میرزا حسن علی مروراید، مرحوم میرزا مهدی نوقانی و مرحوم میرزا جواد آقا تهرانی (۱۱) به هنگام انتخابات مجلس شورای اسلامی، از او خواستند از شهر

شهید دیالمه؛ جوان فرزانه

شهید عبدالحمید دیالمه در چهارم اردیبهشت سال ۱۳۳۳

در تهران و خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشود (۱). پس از گذراندن دوره دبستان، دروس متوسطه را در دبیرستان هدف فراگرفت. در سال ۱۳۵۲ وارد دانشگاه مشهد شد. شش سال بعد با درجه دکترای داروسازی فارغ التحصیل شد (۲). او در دوران دبیرستان، سه سال از مکتب



مدرسان حوزه علمیه قم استفاده کرد. عرفان، فلسفه و منطق را نزد استاد شهید مطهری خواند و با نظرات دکتر شریعتی در زمینه های مختلف آشنا شد و با نقد منطقی نظریات وی، نقش مهمی را برای آگاهی نسل جوان بر عهده گرفت. او به فراگیری علوم جدید در رشته پزشکی در دانشگاه مشهد ادامه داد (۳). زبانهای عربی، انگلیسی و فرانسوی را نیز به طور کامل آموخت (۴) و پس از اخذ دکترا در سال ۱۳۵۸، از دانشگاه مشهد، به تهران آمد و فعالیتهايش را آغاز کرد.

جمهوری اسلامی فاجعه است!»!

او هرگز حاضر نشد از این دیدگاه خود برگردد. در همان زمان با اصرار زیاد در جلسه نطق انتخاباتی «بنی صدر» در مشهد، داوطلب بحث آزاد، در مورد موضوعات ولایت فقیه، حقوق زن در اسلام و اقتصاد اسلامی، با او شد، البته این پیشنهاد هرگز عملی نشد (۱۶).

ابتکارات

شهید دیالمه، ابتکارهای چشمگیری در زمینه‌های هنری و ادبی از خود بروز داد و همزمان با تحصیل، در زمان اختناق رژیم منحوس پهلوی نمایشنامه و فیلمهای پرباری را تهیه و اجرا کرد (۱۷). «تأسیس کتابخانه اسلامی» از دیگر ابتکارات وی بود (۱۸).

همچنین شهید دیالمه پیش‌گام برگزاری جلسات دعای کمیل، به سبک مرسوم فعلی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شد و با برگزاری جلسه‌های دعای کمیل، در مسجد دانشگاه، سعی فراوان در ترکیه جوانان و نوجوانان کرد (۱۹). البته قبل از ایشان مرحوم «حاج آقا عابدزاده» دعای کمیل را برگزار می‌کرد اما متأسفانه این سنت سالها بود که از یاد رفته بود (۲۰). راهپیمایی باشکوه پانزده خرداد ۱۳۵۸، مشهد با هماهنگی و ابتکار این شهید بزرگوار برگزار شد. در این حرکت دانشجویان مسلمان دست در دست طلاب مدرسه علمیه «نواب» نهاده و در راهپیمایی شرکت کردند و شعارهای وحدت‌آفرینی چون «رهبری خمینی، اساس وحدت ماست» را سردادند این راهپیمایی گویای دقت و ظرافت شهید در ادامه راه انقلاب در میان دانشگاهیان و روحانیان بود (۲۱).

او زمانی از اختیارات ولایت مطلقه فقیه سخن می‌گفت که بسیاری از روشنفکر مآبان مدعی اسلام و انقلاب اسلامی، حتی از شنیدن آن، احساس شرم می‌کردند (۲۲).

شهید دیالمه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برای اولین بار با دعوت از اساتید حوزه و روحانیون محترم از جمله (شهید هاشمی‌نژاد، آیه‌الله مکارم شیرازی، آیه‌الله خزعلی و...) آنان را برای سخنرانی به دانشگاه کشانید و فاصله بین دو قشر دانشگاهی و روحانی را به حداقل رسانید. پس از شهادت، پیکر پاکش را در مقبره «شهید دکتر مفتاح» در جوار حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپردند، چرا که «شهید مفتاح» منادی وحدت از حوزه و «شهید دیالمه» منادی وحدت از دانشگاه بود (۲۳).

خصوصیات

شهید دیالمه فرصت ازدواج نیافت، صفات برجسته‌ای داشت که می‌تواند الگوی مناسبی برای جوانان باشد (۲۴)

ر مشهد کاندیدا شود. شهید دیالمه با رأی اکثریت مردم به مجلس شورای اسلامی راه یافت و به این ترتیب از سن ۲۶ سالگی، فعالیت‌های خود را در سنگر مجلس آغاز کرد. او یکی از اولین کسانی بود که با استدلال و شیوه‌ای منطقی خطوط التقاطی از جمله بنی صدر که در مقابل خط امام صف کشیده بودند را افشاء کرد و خط لیبرالیسم را که تحت نام خط مصدق مطرح بود، باز شکافت (۱۲).

او در مجلس عضو «کمیسیون امور شوراها» بود و با اینکه به طور منظم در حوزه به تعلیم نپرداخته بود، ولی در بسیاری از موارد با افرادی که در سطح خارج حوزه بودند، به بحث می‌نشست. از این شهید حدود چهارصد ساعت نوار در مباحث مختلف به جا مانده است (۱۳)، با تسلط چشمگیری که در مباحثه داشت، راه صحیح تبلیغ اعتقادات اسلامی و شیعی و مبارزه با تهاجمات اجنبی را به خوبی نمایاند و با همین سلاح نیز مدعیان دروغین «بحث آزاد» را رسوا ساخت (۱۴).

شهید دیالمه در سال ۱۳۵۴ ه.ش برای بررسی اوضاع منطقه چاه‌بهار و خاش و تهیه اسلحه به آنجا سفر کرد و در آنجا متوجه شد که فروشندگان سلاح با ساواک در ارتباط هستند، لذا از خرید سلاح منصرف شد و با کوله‌باری از تجربه در راه بازگشت در چاه‌بهار، توسط ساواک دستگیر شد ولی به دلیل نبودن مدارک کافی، پس از مدتی آزاد شد. البته ساواک در طول تحصیل او را راحت نگذاشت و با دستگیری و احضارهای مداوم موجبات ناراحتی وی را فراهم کرد (۱۵).



شهید دیالمه به مقابله با ارتجاعی‌های داخلی (منافقین، ملحدین و لیبرالها) با امام و امت پرداخت. وی با انتشار خبر کاندیداتوری بنی صدر خائن برای ریاست جمهوری، در جلسات عمومی و هفتگی با دلایل مستند اظهار داشت «ریاست جمهوری بنی صدر برای

هر جا که شخصیتی روحانی مورد حمله دشمن قرار می‌گرفت، به صورت شایسته از ایشان دفاع می‌کرد (۲۵).

شهید دیالمه با همت و پشتکار به تشکیل کلاسهای رسمی و جلسه‌های هفتگی، قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، روی آورد و در تربیت جوانان کوشید. او با تبیین موانع رشد فرهنگ اسلامی، افشای ترفندهای استکبار، معرفی کارگزاران آنان، شناساندن انحراف اعتقادی و استراتژیکی گروهها و اشخاص، تشریح خطوط شرک و کفر و التقاط و نفاق به معرفی فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص) پرداخت (۲۶).

حضور ذهن شهید در شناخت شخصیت‌های «خادم» و «خان» چنان بود که گویی یک عمر با آنها به بحث و گفتگو سپری کرده است. به همین جهت مقاصد آنها را به خوبی تشخیص می‌داد (۲۷).

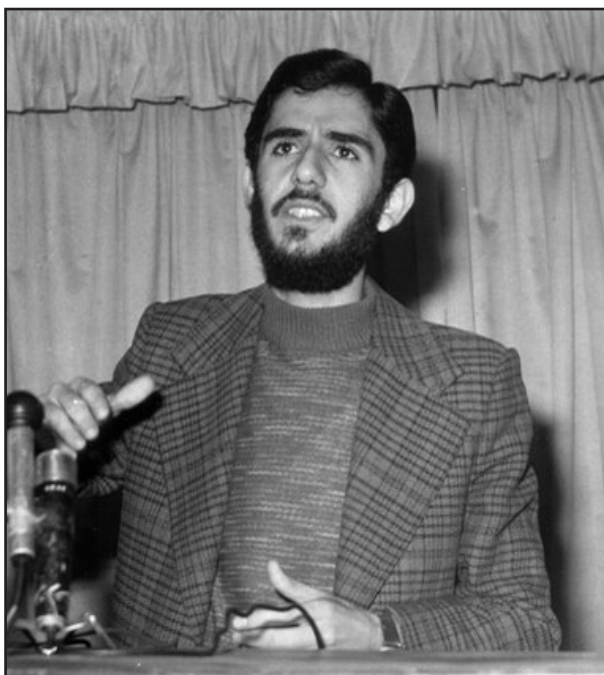
شهید در معرفی، تشریح و تبیین احکام اسلام و سواس زیادی به خرج می‌داد. چنانکه همان جمله‌ای که او درباره شهید مطهری گفت، برای خودش نیز صدق می‌کرد. او گفت:

«شهید مطهری در نوشته‌ها و گفته‌هایش مورا از ماست می‌کشید.» و حقا شهید دیالمه نیز که مدتی طولانی در محضر شهید مطهری زانوی شاگردی زده بود، مورا از ماست می‌کشید. آشنایی نزدیک او با شهید بهشتی، رهبری معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و بسیاری دیگر از علمای بزرگوار و مشورت‌های او با اساتید حوزه‌های علمیه، کارایی و دقت عملش را بسیار تقویت کرده بود (۲۸). او در جلسات بحث آزاد نظر مخالفان را چنان تحمّل و تأمل می‌کرد که فکر می‌کردند نظرشان را پذیرفته است، ولی پس از اتمام سخن شهید با جمله‌ای کوتاه آنان را قانع می‌کرد (۲۹).

حمایت بی‌دریغ او از انقلاب اسلامی چنان بود که در مدت کوتاهی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان یکی از مخلص‌ترین و مردمی‌ترین حامیان انقلاب اسلامی در اذهان مردم شناخته شد. با وجود حجم عظیم تبلیغات سوء دشمن علیه او، با اکثریت قاطع آراء جوان‌ترین نماینده از طرف مردم شهر مشهد، در دوره اول انتخابات، به مجلس شورای اسلامی راه یافت (۳۰). فرصت کوتاه نمایندگی او، دوره‌ای پرتحرک

بود. سخنرانیهایش در مجلس، مهدیه و بعضی از مساجد تهران، بسیاری از خطوط انحرافی احزاب، گروهها و روزنامه‌ها را افشا کرد. پیش‌بینی‌های شهید قبل و بعد از شهادتش عموماً به واقعیت تبدیل شد، حتی در یکی از سخنرانیهایش، که احتمال دارد آخرین سخنرانی آن شهید باشد، (در سوگ شهید چمران) عوامل اصلی که بعدها سبب جناح‌بندی نیروهای انقلابی و یاران انقلاب و باعث تقویت عناصری گردید که امروزه علناً ولایت فقیه، قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی، دولت و سایر نهادهای نظام را زیر سؤال می‌برند، با دلایل و شواهد کافی معرفی کرد و گفت: «متأسفانه در جلوگیری از رشد و تقویت و روی کار آمدن سردمداران این طرز تفکر، به جز دادن یک رأی منفی امروز کاری از من ساخته نیست و این را فقط به شما مردم هشدار می‌دهم (۳۱).»

شهید دیالمه از ذخایر گرانقدر اسلام و ستاره‌ای درخشان در آسمان جمهوری اسلامی بود، و منافقین کوردل او را به شهادت رساندند. و او چنانکه شایسته‌اش بود، جان بر سر پیمان نهاد و جام شهادت را نوشید (۳۲).



وبدا

شهید دیالمه؛ ۱۰ سال جلوتر از جامعه

در دوستان شهید دیالمه يك نقطه اشتراك وجود دارد و آن علاقه بي حد و حصر و شيفتگيشان نسبت به اوست. حسين كاظمي را در يك آژانس مسافرتي سفرهاي زيارتي پيدا كرديم. يك آموزش و پرورشي بازنشسته اما جوان و سرحال. مصاحبه ما با او شامل بخشهايي از خاطراتش درباره روزهاي انقلاب در مشهد هم مي شد كه به دليل محدوديت فضاي پرونده حذفشان كرديم.

كجا با شهید دیالمه آشنا شدید؟

سال ۵۲ هر دوي ما در كنكور سراسري پذيرفته شدیم و توي خوابگاه دانشگاه فردوسي مشهد باهم بودیم و بعدها در محيط كتابخانه

دانشکده که ایشان مؤسسش بود، باهم رفیق شدیم.

توی آن دوره اوضاع سیاسی دانشکده چطور بود؟

آن زمان دانشجویها یا مذهبی بودند یا غیر مذهبی و آنهایی که زمینه‌های مذهبی داشتند، جذب ایشان می‌شدند. جلساتش هم با گروه‌های متفاوتی بود و هیچ کس هم از آنها اطلاع نداشت. مثلاً با شش نفر جلسه داشت. اینها هر کدام موظف بودند با شش نفر دیگر و همه این هسته‌ها را خودش تغذیه می‌کرد و مفاهیم اسلامی را به آنها منتقل می‌کرد. خودش شاگرد ویژه شهید مطهری بود و بسیار باهوش و خیلی دقیق کارهایش را برنامه ریزی می‌کرد. مسائل امنیتی را هم خیلی دقیق رعایت می‌کرد. حتی توی چند باری که ساواک دستگیرش کرد، نتوانستند چیزی از او گیر بیاورند. مثلاً هر شب یکسری اعلامیه می‌آورد و دستکش هم به ما می‌داد و می‌گفت اینها را باز نویسی کنید. فردا هر کدام تعدادی برمی داشتیم و من که دانشکده علوم بودم، می‌رفتم دانشکده ادبیات، آنکسی که دانشکده ادبیات بود می‌رفت دانشکده پزشکی و کسی که پزشکی بود می‌رفت یک دانشکده دیگر.

جلسات را با چه شیوه‌ای اداره می‌کرد؟

ابتدا یک بحث قرآنی بود. همه مجبور بودند جزئی از قرآن را پیش از جلسه مطالعه کنند. بعد سؤالاتی مطرح می‌کرد. بعد از آن مقداری درباره تاریخ اسلام صحبت می‌کرد. بحثی هم درباره اعتقادات بود. من خودم درباره یقین تحقیق می‌کردم. جایزه‌اش، هم معنوی بود. کتاب به ما می‌داد. شیوه دیگرش هم تلخیص کتاب و گردآوری جزوات بود. حتی الان من یکسری از چیزهایی را که به خاطر دارم، از همان جلسات است.

مباحث سیاسی هم در این جلسات مطرح می‌شد؟

سنگ بنای جلسات، مسائل سیاسی بود. اما دیالمه اعتقاد داشت، اگر زمینه‌های اعتقادی بچه‌ها درست نباشد در مسائل سیاسی به انحراف کشیده می‌شوند. مثالش را هم با مجاهدین می‌زد. ودر همان ایام، اطلاعات دقیقی از آنها به ما منتقل می‌کرد و می‌گفت: این‌ها به علت نداشتن مبانی دقیق اعتقادی، به سمت مارکسیسم، و التقاط گرایش پیدا کردند.

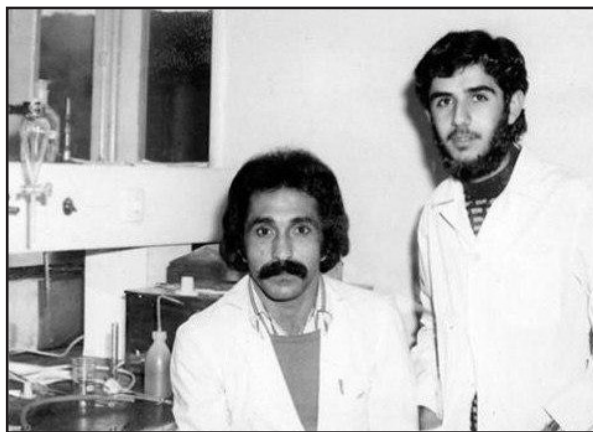
آیا از دل این جلسات حرکت‌های عملی هم می‌روید؟

ایشان اعتقاد داشت که حرکت‌های دانشجویی باید از ۱۶ آذر، به سمت ۱۵ خرداد و حرکت امام هدایت شود. چون ۱۶ آذر را چپی‌ها مصادره کرده بودند و ما مذهبی‌ها می‌خواستیم نماد دیگری داشته باشیم. قرار شد ۱۵ خرداد را با تعطیل کنیم یا اعتصاب. شهید دیالمه می‌خواست از پتانسیل دانشجویان به نفع حرکت‌های اسلامی استفاده کند. اولین حرکت ۱۵ خرداد هم که در مسجد بناها [شهدا] بود، ما موظف بودیم

ده نفر مطمئن را از دانشکده‌های مختلف شناسایی کنیم و به مسجد بیاوریم.

چه سالی بود؟

اگر اشتباه نکنم، مرتبه اول، سال ۱۳۵۳ بود. اتفاقاً برخوردیم به یک مراسم تعزیه و با یکسری اطلاعات و اعلامیه رفتیم تو. صاحب مجلس حاج وواج مانده بود که اینها کی هستند؟ بعد رفتیم به سمت چهار راه خسروی و بچه‌ها در حال راهپیمایی، جلوی ماشینها را گرفتند، عکس شاه را پاره کردند و اعلامیه‌ها را بین مردم پخش کردند. بعد هر کدام مأمور بودیم، سوار تاکسی‌ها بشویم و از مردم بپرسیم چه اتفاقی افتاده است و خودمان حجم تبلیغات را بالاتر می‌بردیم. مثلاً یکی می‌گفت صد تا بودند یکی دیگر می‌گفت ۲۰۰ تا و همینطور آمار را می‌بردیم بالا. آن بار اول، نیم ساعت نشد که چند ماشین از سربازان ویژه رسیدند ولی نتوانستند کسی را دستگیر کنند. سال بعد در پایین خیابان و سال بعد از آن باز در بالا خیابان برگزار شد. حتی در پایین خیابان مردم می‌گفتند ده هزار جوان آمده بودند و همه خوب آورده بودند و علیه شاه شعار میدادند! در حالی که کسی چوبی نداشت! کم داشت موج ایجاد می‌کرد و ما هم هدفمان همین بود که بتوانیم حرکت را بین مردم عمومیت بدهیم. ترس و هراسی که از بین برود و مبنا و زمینه‌ای بشود برای حرکت‌های بعد.



در این سالها دستگیر هم شدید؟

یکبار ۱۶ آذر مرا گرفتند و چند روز نگه داشتند. یک کتاب مکانیک کوانتوم با خودم برده بودم به آنها می‌گفتم من بچه درس خوان و روستایی هستم و هیچ خبری هم از این جریانات ندارم. گفتند از شما فیلم گرفته ایم و پوشه‌ای را آوردند. شهید دیالمه به ما آموزش داده بود که حتی اگر عکستان را هم نشان دادند، چیزی را قبول نکنید. بعد هم نتوانستند چیزی را ثابت کنند و بعد از چند روز چون جا نداشتند، تا دوازده شب نگه می‌داشتند، بعد آزاد می‌کردند و می‌گفتند صبح دوباره بیا!!

بجز این راهپیمائیا، فعالیتهای دیگر تان به چه صورت بود؟

هر شب از ساعت ۱۱ به بعد یا نوار ضبط می کردیم، یا جلد کتابها را می کشیدیم و جلد های دیگر می گذاشتیم. اینها بیشتر منحصر به نوارها و کتابهای دکتر شریعتی می شد. یا کتابهایی که کمتر شبیه ایجاد می کرد. شهید دیالمه اعتقاد داشت اینها می تواند بچه ها را جذب کند ولی نباید به همین کتابها بسنده کرد و باید بچه ها را به سمت منابع غنی تر اسلامی کشاند.

فعالیت مسلحانه هم داشتید؟

نه هیچ وقت.

خودش اسلحه حمل نمی کرد؟

نه، من ندیدم.

وضعیت درسی اش چگونه بود؟

یک شب به من گفت ترم گذشته سر امتحان بیوشیمی دستگیر کردند، اما حتماً باید این درس را پاس کنم. وگرنه اخراج می کنند. من از همین درس نمره خوبی گرفته بودم و بیوشیمی ما خیلی شبیه آنها بود. جزو اش را گرفتم، سه روز خواندم و خلاصه کردم و قرار شد شب امتحان برایش بگویم. تا ساعت ۱/۵ شب نیامد. چندجا جلسه داشت. خوابیدم. ساعت ۲ آمد و بیدارم کرد. بلند شدم و حدود سه ساعت خلاصه درس را برایش گفتم. فردا رفت امتحان و نمره آورد و قبول شد. یا اینکه مثلاً کتابی را ۲ یا ۳ ساعت می خواند و بعد درباره اش ۴ ساعت صحبت می کرد. همین کتاب را ما ۵ روز خوانده بودیم و مثل ایشان نفهمیده بودیم.

با چه اسمی صدایش می زدید؟

وحید. و جالب است که ما دوستان نزدیکش اسم بچه هایمان را وحید گذاشته ایم. پسر من اسمش شهاب الدین است اما توی خانه وحید صدایش می کنند. اتفاقاً داروسازی هم خواندند و توی همان تالاری که به اسم شهید دیالمه است از ترش دفاع کرد.

از سفری که با شهید دیالمه برای ساخت یک فیلم مستند رفتید بگوئید. تابستان ۵۳ بود و امتحانات ترم بهار تازه تمام شده بود. تماس گرفت که بیا تهران. آقای صالحی از کرمان و آقای افجه ای، پسر دایی شان هم بود. باماشین پدرش رفتیم سمت زاهدان و از آنجا زابل، ایرانشهر، خاش و نیک شهر. توی نیک شهر، بنزین تمام کردیم و مجبور شدیم شب را توی یک مسافر خانه بمانیم. یادم است، همه خانه ها پشه بند بسته بودند. می گفتند اینجا عقرب های بالدار دارد. بعد راه افتادیم سمت بندر و راه سی - چهل کیلومتری را هفت ساعت توی شن و خاک و ... رفتیم. ساعت چهار بعد از ظهر رسیدیم بندر. اوایل مرداد ماه بود. یک

شب توی اسکله ماندیم.

برخورد کپرنشینها با شما چگونه بود؟

فکر می کردند ما از طرف دولت آمده ایم. شاه را دعا می کردند و زندگیشان را توضیح می دادند. تمام صحبت ها را خود وحید آقا انجام می داد و کم کم صحبت را می کشاند به اینکه اگر همه شما بمیرید کسی ککش هم نمی گزد و تمام پول ها دارد در فرانسه خرج می شود. از همین فرصت هم برای آگاه سازی استفاده می کرد. بعدها تکه هایی از این مستند را تلویزیون چند ماه بعد از انقلاب پخش کرد.

با ساواک یا مأموران دیگر حکومتی برخوردی نداشتید؟

فردای شبی که در اسکله خوابیدیم ما را گرفتند. فرمانده ژاندارمری آنجا کرمانی بود. یکدفعه آقای صالحی زد کانال سه و شروع کرد کرمانی صحبت کردن. که ما چهار تابعه دبیرستانی هستیم و ... بعد وسایلمان را گشتند. ما قبل از آن نزدیک زاهدان با گروهی از سیکها بحث کردیم و آنها تعدادی از کتابهایشان را به ما داده بودند. همین کتابها باعث رها نمان شدن و خوشبختانه دور بین را پیدا نکردند. البته هر کدام را که جدا بازجویی کردند، شهید دیالمه گفته بود که بگوئیم برای خریدن ناس آمده ایم و شنیده ایم از پاکستان بخیریم بهتر است.

شهید دیالمه را در این سفر چگونه دیدید؟

خودش رانندگی می کرد، خودش هم فیلم برداری می کرد. و تنها کسی بود که فکر غذا نبود. واقعاً صبور و کم صحبت بود و همه حرفهایش یادداشت کردنی بود.

سفرتان چند روز طول کشید؟

۲۰ روز طول کشید. بعد که برگشتیم تهران، گفتم ما را که فیلم کردی! لااقل بگو با این فیلمها چکار می خواهی بکنی؟ گفت صدایش بعداً بیرون می آید. بگذار گروه های دیگر هم برسند ... مثل اینکه حرکتی بود با چند گروه مختلف که قرار بود به مناطق مختلف ایران سر بزنند.

بهتر است بپرسیم شهید دیالمه چه کاری بلد نبود؟

واقعاً همینطور است. حتی فوتبالش خوب بود. کوه نورد ماهری بود. و خیلی از بچه ها را از طریق زمین های ورزش و کوهنوردی جذب کرده بود. همچنین به خاطر علاقه پدرش، گیاهان دارویی را خوب می شناخت. درسش هم عالی بود و گرچه شب امتحانی درس می خواند اما نمره هایش عالی بود.

وضع خانوادگی شما چگونه بود؟

وضعیت مالی شان خیلی خوب بود. پدرش بسیار منظم بود اما حتی نمی دانست نرخ نان چند است! در خانه شان همه کارها را مادر انجام می داد.

دلیل مخالفت شهید دیالمه با بنی صدر چه بود؟

شهید دیالمه انحرافات فکری بنی صدر را فهمیده بود و برای شناساندن آنها خیلی تلاش کرد. ماهم خیلی تلاش کردیم که بنی صدر را وادار به مناظره کنیم، اما موفق نشدیم. بنی صدر از مناظره فرار می کرد. خیلی ها هم با اینکار مخالفت می کردند. مثلاً گروهی می گفتند امام که بنی صدر را تنفیذ کرده، شما چرا می گویند؟ وحید آقا اینها را که می شنید تا صبح نمی خوابید.

مشکل حزب جمهوری اسلامی با دیالمه چه بود؟

اواز اولین کسانی بود که در حزب ثبت نام کرد و یکی از اعضای اولیه آن بود. بچه ها را هم تشویق کرد که ثبت نام کنند. اما بعد نمی دانم چه اتفاقی افتاد که ایشان را توی لیست قرار ندادند.

خبر شهادتش را چطور فهمیدید؟

آنروزها مسئول کمیته امداد بودم. رفته بودم بندر عباس، ماشین را تحویل بگیرم. توی قم رادیو را باز کردم، اخبار خبر انفجار حزب را اعلام کرد و سسی کیلومتری قم اسامی شهدا را هم خواند که اسم ایشان هم جزو آنها بود. اینها را که شنیدم، دیگر نتوانستم رانندگی کنم. کشیدم کنار و یکی از بچه ها نشست پشت فرمان و مستقیم آمدیم تهران منزلشان. همه گریه و منگ بودیم. جنازه اش را آوردند. تمام بدنش سیاه و کبود شده بود. مراسم هم در تهران ماند و بعد با جنازه آقای دهقان آمدیم مشهد.



من با آقای فردوسی پور هم صحبت کردم، می گفتند که صدای ایشان را می شنیدم در آن فریادها. گویا سقف بتنی را با جرثقیل کشیده بودند بالا و دوباره افتاده بود پایین و در این بار دوم، خیلی ها شهید شده بودند. با شهادتش، ضربه روحی شدیدی به ما خورد. واقعا دیالمه دوستانش را واکسن زد. شاید اگر او نبود، به سمت مجاهدین خلق می رفتیم و یا مثل خیلی از دوستانمان اعدام می شدیم. او همیشه برای من یک الگو هست. یک عدم وابستگی به دنیا. با ضریب هوشی بالاتر از جامعه و ۱۰ سال جلوتر از جامعه. نمونه کامل یک روشنفکر مذهبی.

مادرش وقتی می آمد مشهد مرغ و ماهی بسته بندی می کرد و توی یخچال می گذاشت. حتی خیار می فرستاد چون می دانست اهل خرید نیست ولی اهل این چیزها نبود، و همانها را هم بیشتر بچه ها می خوردند. همیشه می گفت هرکس می خواهد خودش درست کند و بخورد. هیچ وقت نشد ۱۰ دقیقه وقت بگذارند روی غذا درست کردن. بجای آن کتاب می خواند یا جلسه می گذاشت و یا بحث می کرد و حتی یک موضوع را برای یکی از دوستان که دیر می گرفت، ده مرتبه توضیح می داد. سحرهای ماه رمضان، فقط تخم مرغ می خورد و افطار هم چایی شیرین با نان و پنیر. او نسبت به ماها خیلی وضع بهتری داشت. مثلاً آنزمان یخچال داشت. اما واقعا اهل زهد بود و هیچ وابستگی به چیزی نداشت. یک کتی داشت که از روزی که ما یادمان می آید، همین تش

بود. ضمن اینکه تمیزی را رعایت می کرد، همیشه عطر می زد، ولی هیچ وقت ندیدیم که پنج دست لباس داشته باشد، یک ژاکت داشت و پیراهن و همیشه همینها را می پوشید.

در روزهای پیروزی انقلاب چه می کردید؟

من سرباز بودم. ایشان هم به تهران رفته بود. یادم می آید همان روزها آمد مشهد و با بچه ها بحث می کرد که اگر امام را بزنند، سرنوشت انقلاب چه می شود و شما چه کار می کنید؟ اینها را می گفت و گریه می کرد و باز می گفت اوضاع ناجور است. تمام آرمانهای ۱۴۰۰ ساله اسلام در حرکت امام است ولی همیشه ما به پیروزی و نصر الهی ایمان داریم. بعد از انقلاب هم رفتم محل فعلی فرماندهی نیروی انتظامی، اول خیابان پاسداران و کمیته را تأسیس کردیم، مسئولیت اصلی هم با شهید دیالمه بود. بعد هم سپاه تشکیل شد و درسته اولیه اش، ایشان مسئول تحقیقات بود. آقای دکتر عبدخدایی، آقای طبسی بودند و آقای صفایی هم بودند.



وبدا

یاد یاران ؛
شهید دکتر عبدالحمید دیالمه

و به دلایلی شأن ایشان اجازه دفاع مستقیم نمی داد او در لباس همان دانشگاه رفته ها به نحو احسن از ایشان دفاع می کرد که شخصاً خاطرات جالبی از دفاعیات آن مرحوم از شهید باهنر، شهید بهشتی (زمانی که در قید حیات بودند) و سایر شخصیت های انقلابی دارم که جای ذکر آنها نیست، او همچنین پیشگام برگزاری جلسات دعای کمیل به سبک مرسوم فعلی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود که با برگزاری جلسات دعای کمیل در مسجد دانشگاه سعی فراوان در تزکیه جوانان و نوجوانان نمود و رهنمودها و ذکر آداب دعا و نیز ناله های جانشوزش تا امروز در گوش جان شرکت کنندگان طنین انداز است. حضور ذهن او در شناخت شخصیت های مثبت و منفی و خادم و خائن چنان بود که گویی با همه آنها عمري را به بحث و گفتگو سپری کرده و به همین جهت نیت و مقاصد آنها را به خوبی تشخیص می داد کما اینکه به محض انتشار خبر کاندیداتوری بنی صدر خائن برای ریاست جمهوری اسلامی، در جلسات عمومی و هفتگی خود با دلایل مستند اظهار داشت: «ریاست جمهوری بنی صدر برای جمهوری اسلامی فاجعه است» و هرگز حاضر نشد از این نظر خود عدول کند و در همان زمان

در فاجعه دلخراش هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ به همراه خیل نیکان امت و ۷۲ تن شهدای کربلای ایران و قافله سالار آنان شهید بهشتی داس غرب و شرق در دست منافقین کوردل قامت رشید جوانی را درو کرد که زبان گویایش مهره های آنان را درو می کرد، هنوز فریادهای درد آلود شهید دیالمه در دفاع از حریم مقدس اسلام از تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد و سایر تربیون ها گوش جان عاشقان اهل البیت (ع) را نوازش می دهد. هنوز جلسات بحث آزاد چندین ساعته و اطلاعیه های دعوت گروه ها به بحث آزاد در دانشگاه را دانشگاهیان، دانش آموزان و حتی مردم کوچه و بازار فراموش نکرده اند. شهید دیالمه کمر همت بر میان بسته و با تعلیم احکام مقدس اسلام و تشکیل کلاس های رسمی و جلسات هفتگی قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در تربیت نوجوانان و جوانان کوشید و در جلسات مذکور با تحلیل و تبیین موانع رشد فرهنگ اسلامی و افشای ترفندهای استکبار و معرفی اذنان و عمال آنان و شناساندن انحرافات ایدئولوژیکی و استراتژیکی گروه ها و اشخاص و تشریح خطوط شرک و کفر و التقاط و نفاق به معرفی فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص) پرداخت. او زمانی از اختیارات ولایت مطلقه فقیه سخن می گفت که بسیاری از روشنفکر مابان مدعی اسلام و انقلاب اسلامی حتی از شنیدن آن احساس شرم می کردند. او مبتکر روشی بود که برای اولین بار بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پای روحانیت را با دعوت مکرر از اساتید حوزه و روحانیون محترم از جمله شهید هاشمی نژاد، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله خزعلي و ... به سخنرانی در دانشگاه به آن محیط کشانیده و فاصله ایجاد شده بین دو قشر دانشگاهی و روحانی را به حداقل رسانید. خاطره با شکوه راهپیمایی پانزده خرداد سال ۵۸ در مشهد را که با هماهنگی و ابتکار آن شهید بزرگوار دانشجویان مسلمان دست در دست طلاب عزیز مدرسه علمیه نواب در راهپیمایی شرکت کرده و شعارهای وحدت بخش از جمله «رهبری خمینی اساس وحدت ماست» سر داده بودند نشانگر دقت و ظرافت و پشتکار او در ارائه طریق به جامعه به ویژه دانشگاهیان بود. شاید همین کوشش او برای ایجاد وحدت بین حوزه و دانشگاه بود که سبب شد پس از شهادت پیکر پاکش در حجره مرحوم شهید دکتر مفتاح در جوار حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شود چرا که شهید مفتاح منادی وحدت از حوزه و شهید دیالمه منادی وحدت از دانشگاه بود.

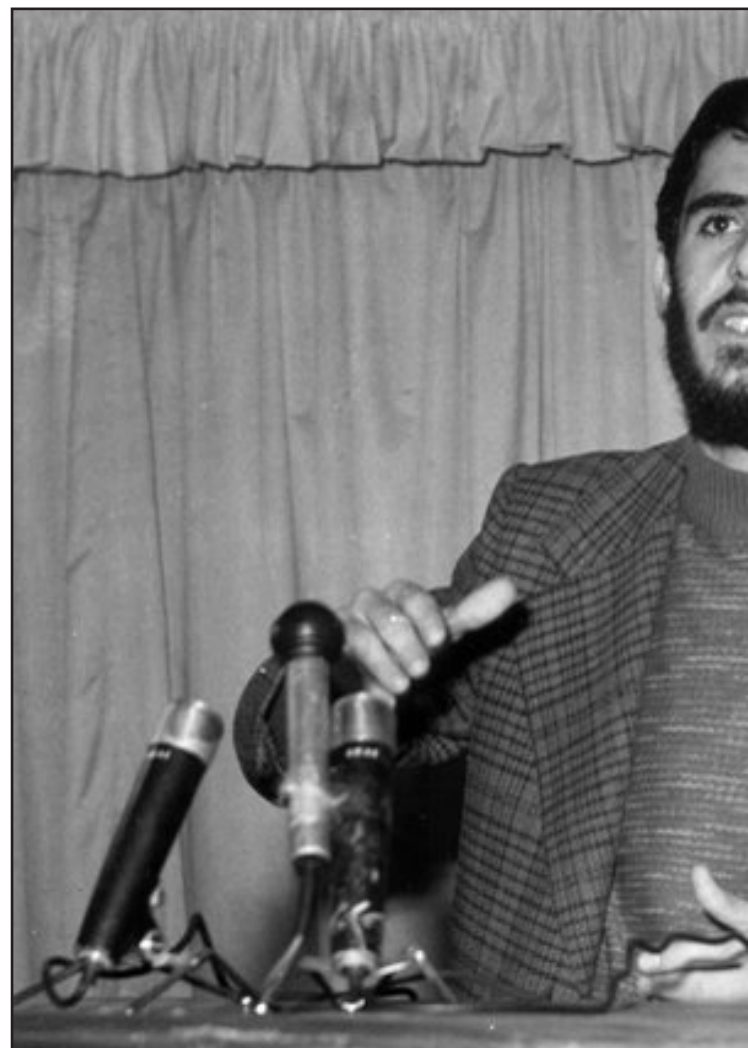
هر جا که حریم شخصیتی روحانی مورد حمله دشمن قرار می گرفت

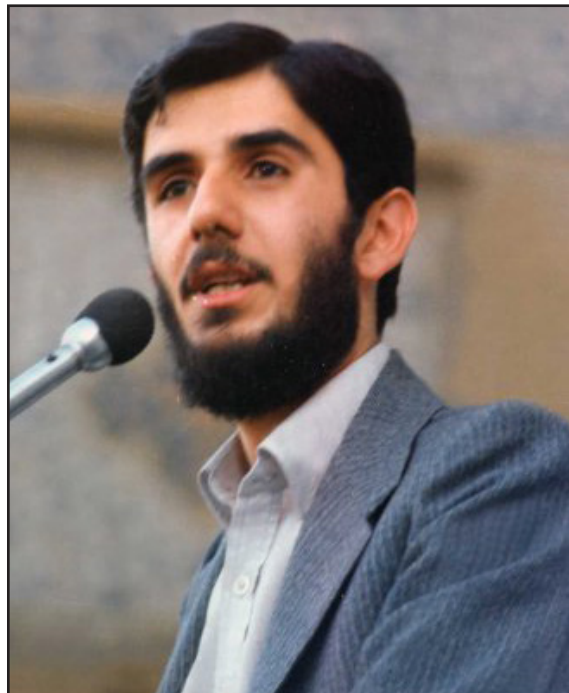


با اصرار زیاد در جلسه نطق انتخاباتی بنی صدر در مشهد داوطلب بحث آزاد با او در مورد موضوعات ولایت فقیه، حقوق زن در اسلام و اقتصاد اسلامی شد که هرگز عملی نشد و من خود آلبوم مخصوص شهید را که در آن نطق ها، مقالات و نوشته های بنی صدر را به عنوان مدارکی بر علیه خود او تنظیم کرده بود مشاهده کردم و این در زمانی بود که تبلیغات حساب شده و گسترده بنی صدر که از خارج کشور نیز حمایت می شد آنچنان فریبنده بود که بسیاری از دوستان نیز آن را باور کردند و نتیجه آن شد که دیدیم و شنیدیم. شهید دکتر دیالمه در معرفی احکام اسلام و تشریح و تبیین آن بسیار وسواس به خرج می داد چنانکه همان جمله ای را که او در مورد شهید مطهری گفت برای خودش نیز صدق می کند. او می گفت: «شهید مطهری در نوشته ها و گفته هایش ما را از ماست می کشید.» و الحق که شهید دیالمه که خود مدت نسبتاً مدیدی از شهید مطهری تلمذ کرده بود نیز ما را از ماست می کشید. آشنایی نزدیک او با شهید بهشتی، رهبری معظم انقلاب آیت الله خامنه ای و بسیاری از علماء بزرگوار و مشورت های او با اساتید حوزه های علمیه کارآیی و دقت عمل او را بسیار تقویت

می کرد. در جلسات بحث آزاد نظر مخالفان را چنان تحمل و تأمل می کرد که طرف فکر می کرد نظر او را پذیرفته ولی پس از اتمام سخن او اکثراً با جمله ای کوتاه خیلی سریع طرف را مجاب و شنوندگان را قانع می کرد. حمایت بی دریغش از اسلام و انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) چنان بود که در مدت کوتاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یکی از مخلص ترین مردمی حامیان انقلاب اسلامی در اذهان مردم شناخته شد و علیرغم حجم عظیم تبلیغات سوء دشمن علیه او با اکثریت قاطع آراء مردم قدرشناس مشهد در دوره اول به عنوان جوانترین وکیل به مجلس فرستاده شد. دوره ی کوتاه نمایندگی او نیز دوره ای پرتحرک و جوش و خروش به خصوص در درگیری با رئیس جمهور وقت (بنی صدر) بود در سخنرانی هایش در مجلس، مهدیه و بعضی از مساجد تهران بسیاری از خطوط انحرافی در افراد، احزاب، گروه ها و روزنامه ها را افشا کرد که به زودی پیش بینی های قبل و بعد از شهادتش به واقعیت تبدیل شد. حتی در یکی از سخنرانی هایش که احتمالاً آخرین سخنرانی آن بزرگوار شهید است در سوگ شهید چمران عوامل اصلی را که بعدها سبب جناح بندی نیروهای انقلابی و یاران انقلاب شده و باعث تقویت عناصری گردیدند که امروز علناً ولایت فقیه، قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی، دولت و سایر نهادهای نظام را زیر سؤال می برند با دلایل و شواهد کافی معرفی کرده و از سر درد گفت: «متأسفانه در جلوگیری از رشد و تقویت و روی کار آمدن سردمداران این طرز تفکر به جز دادن يك رأي منفي امروز كاري از من ساخته نيست و اين را فقط به شما مردم هشدار مي دهم.» گفتنی بسیار است و جای بحث بیش از این نیست اما آن همه فضائل گفته و ناگفته سبب شد که هدف سنگین ترین تبلیغات سوء دشمن قرار گیرد تا آنجا که با همه خدمات ارزنده اش به اسلام و انقلاب اسلامی حقایق و واقعیات شخصیت او بر بسیاری از دوستان نیز پوشیده ماند و حتی بعد از شهادت نیز پرده های ابهام آنچنانکه باید کنار نرفت. او از ذخایر گرانقدر اسلام و ستاره ی درخشانی در افق جمهوری اسلامی بود که دست غدار منافقین کوردل به دستور اربابان جنایتکارشان در فجر طلوع و سحرگاه ظهورش او را از آسمان ایران اسلامی به افول کشانید و او چنانکه شایسته اش بود به فیض شهادت نایل شد و جان بر سر پیمان نهاد.

بریده باد دست عاملین آن جنایت هولناک و فجایع شاید که به خیال سرنگونی نظام مقدس جمهوری اسلامی انجام گردید غافل از اینکه آن خون های پاک خود این درخت تنومند را آبیاری و جمهوری اسلامی را بیمه نمودند. خداوند ارواح طیبه شهدای هفت تیر ماه ۱۳۶۰ را بخصوص شهید بهشتی و سایر شهدای اسلام و انقلاب اسلامی را با اولیاء کرامش محشور بفرماید. انشاء الله.





به دور از هیاهوی دیگران که همواره تلاش در ابراز و نمود افعال خویش داشتند به مبارزه مخفی با رژیم پرداخت.

در سال پنجاه و چهار به همراهی چند تن از دوستانش برای تهیه اسلحه به چابهار و خاش سفر کردند و در بررسی های خود متوجه شدند که فروشندگان سلاح، در ارتباط با ساواک هستند لذا از خرید منصرف و با کوله باری از اطلاعات عازم مشهد می شوند که در چابهار توسط ساواک دستگیر ولی به علت موجود نبودن مدرک، پس از مدتی آزاد می شوند.

شهید دکتر دیالمه در سال اول تحصیلی خود در خوابگاه دانشگاه مشهد اقدام به تأسیس کتابخانه اسلامی نمود و از این طریق افراد را شناسایی و جذب می کرد، تا در آینده بتواند افکار اسلامی شیعی را که سالها در تحصیلش زحمت کشیده و ملکه ذهنش ساخته بود به نسل جوان منتقل کند.

سپس با تشکیل گروه های چند نفری اقدام به نشر افکار ناب اسلامی شیعی نمود و با آموزش های عقیدتی و سیاسی توانست این خلاء فکری را در دانشگاه مشهد پر نماید و در محیطی که مسلمانانش از گروه های منافق و افراد بی خط و نشان و بی تفاوت تشکیل شده بود، خط صحیح اسلامی را به دور از افراط و تفریطها در دوستانی که گردش فراهم آمده بودند نمایان سازد که خود نیز پیشواز و الگوی تمام نمای این تفکر بود.

البته در این مدت ساواک او را راحت نگذاشته و با دستگیری و احضارهای مداوم موجبات ناراحتی وی را فراهم می کرد. نشر فرامین امام خمینی مبنی بر دوری جستن از حزب رستاخیز و هشدارهای ایشان در مورد صهیونیسم گوشه ای از کارهای وی در دانشگاه بود. همچنین رهبری و طراحی تظاهرات علیه شاه معدوم در اوج خفقان سالهای پنجاه و چهار و پنجاه و پنج در «پائین خیابان» مشهد و اعلام مرجعیت و رهبریت امام خمینی از عمده فعالیت های او بود.

نکته قابل توجه در طول مبارزات شهید دیالمه این است که همواره اسلام در نظرش مطرح بود و چه شب ها و روزها را که به سر برد تا بر اساس عملکردهای ائمه طاهرين صلوات الله عليهم اجمعین مبارزات خود و دوستانش را منسجم کند. وی در دوران دانشگاه به همراه چند تن از دوستانش در بر پایی دعای کمیل در میان خودشان سعی و افری داشت تا این که خود و دیگران را با مذهب نمودن برای جامعه روشن فردا آماده نماید.

در زمانی که امت به پا خاسته و مسلمانان ایران و به خصوص نسل جوان تشنه اسلام، آماده فراگیری هر گونه اعتقادی بودند، گروه های مختلف در قالب های گوناگون در مسیر اندیشه های این تشنگان قرار گرفته و با عناوین و القاب فریبنده توانستند مریدانی برای خویش بسازند و نقشه

عبدالحمید (وحید) دیالمه در چهارم اردیبهشت یکهزار و سیصد و سی و سه شمسی در تهران در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود.

دوران کودکی را در دامان پدر و مادری نمونه با عشق به اسلام و تشیع پرورش یافته و استعداد و ذوق بی حدش رو به تعالی گذاشت.

با آغاز دوره متوسطه فعالیت های اعتقادی و مبارزاتی را به طور جدی شروع کرد و همگام با فعالیت در دبیرستان به تحصیل و بهره جویی از مدرسین حوزه علمیه قم پرداخت.

سیره و حدیث را نزد اساتید حوزه علمیه قم، منطق، فلسفه و عرفان را نزد استاد آیه الله مرتضی مطهری در مدت سه سال آموخت.

سپس با نظرات دکتر شریعتی در زمینه های مختلف آشنا شد و با نقد منطقی نظریات وی نقش مهمی را در روشننگری افکار نسل جوان آن روز ایفا نمود.

همگام با دروس حوزه، علوم جدید را از سال یکهزار و سیصد و پنجاه و دو در رشته داروسازی دانشگاه مشهد آغاز نمود.

از سال پنجاه و دو تا اواخر سال پنجاه و شش که مصادف با دوران خفقان رژیم منحوس پهلوی بود، با استفاده از تعالیم عالیه اسلام در امر جهاد به معنای اعم آن در جهت تحقیق و تبلیغ سعی فراوان نمود و

های استعمار را بار دیگر در ایران پیاده کنند ولی از آنجا که خداوند متعال اسلامیت این انقلاب و قیام به حق مردم را تضمین نموده است، این مکر و حيله ها به خودشان باز گشت. در چنین اوضاع و احوالی شهید دیالمه برای تداوم خط فکری استاد مطهری و با توجه به قدرت ایمانی که در وی بود، او را قادر ساخت تا در برابر تمامی توطئه های پس از انقلاب در محیط دانشگاه ایستاده و اسلام اصیل را نشان دهد و کج روی ها را راست کند.

شهید دیالمه جریانات انحرافی منافقان را نه تنها پس از انقلاب که در سال پنجاه و چهار با انتشار اعلامیه هایی در سر تا سر دانشگاه مشهد به عموم مبارزین هشدار داده بود.

وی در مقابل بر چسبها و انگه های گوناگون مقاومتی سخت تر از مقاومت کوه داشت و چنین بود که توانست بی وقفه و بدون هراس از سرزنش کنندگان راه خویش را ادامه دهد. ولا یخافون لومه لانم(مانده ۵۴)

قدرت بیان او در تبیین و تفهیم و تشریح مسائل و احتیاجات فکری جوانان دانشگاهی و غیر زبانزد همگان بود.

در زمانی که جوانان تشنه را، با عطشی وصف ناپذیر به سوی مکاتب الحاد می بردند و در زمانی که با آبهای مسموم اندیشه های التقاطی و انحرافی جوانان نوحاسته را سیراب می کردند، شهید دیالمه یکی از افرادی بود که با امکانات محدودش نقشی شگرف در تطهیر سیمای فرهنگ اسلامی از غرب زدگی و شرق زدگی، در اذهان جوانان ایفا نمود.

فریادش این بود که: بایستی هر چه زودتر برای هدایت نسل تشنه کاری کرد و این امر احتیاج به روش های درست و دقیق دارد که متناسب با ویژگی های روحی نسل جوان باشد.

به روشنگری پرداخت و بدعت ها را مانع شد و حتی به نصیحت بعضی ها که می گفتند: "حالا مقداری ملایم تر مسائل را مطرح کنيد" گوش فرا نداده و راه خود را ادامه داد.

دکتر دیالمه در سال هزار و سیصد و پنجاه و هفت به دنبال اوج گیری انقلاب اسلامی و به دنبال اعلام موجودیت رسمی و علنی "مجمع احیاء تفکرات شیعی" در سطح دانشگاه و شهر مشهد اقدام به برگزاری سخنرانی های متعدد نمود و جوانان مسلمان و متعهدي که منتظر ظهور چنین محور استواری در میان آن همه تبلیغات زهر آگین بودند، به استقبالش شتافتند.

او با توجه به جو عمومی، معتقد بود که باید در زمینه اعتقادات اسلامی شیعی مردم کار بسیاری بشود تا انقلاب قدرت تداوم داشته باشد. لذا همزمان با این جریانات جلسات سخنرانی عمومی خود را

در دانشگاه آغاز نمود؛ عناوین برخی از سخنرانی های او چنین است: طراح هدایتی - مذهب در بوته تاریخ - ربوبیت معرکه اصلی انبیاء انتظار - موجودیت اسلام یا اصطلاحات اسلامی - مرجعیت و روحانیت - ولایت فقیه - مقابله ارتجاعیون داخلی با امام - مقابله ارتجاعیون داخلی با امت - اسلام و مبارزات ضد امپریالیستی - اسلام قدرت بزرگ فردا - در شب میلاد فاطمه (ع) - غدیر - در تنهایی ثقلین در شب رحلت فاطمه (ع) - اگر فاطمه (ع) نبود - موقعیت زن در جامعه اسلامی - خطبه ۷۹ نهج البلاغه - از خود بیگانگی جامعه - شورا در اسلام - در شب قیام - امام سجاد (ع) حماسه عبادت - رساله حقوقی امام سجاد (ع) - حق خدا - امام ضابطه حرکت بر صراط مستقیم - آزادی چیست؟ - در سالگرد جمهوری اسلامی امپریالیسم آمریکا طراح استراتژی سقوط - انقلاب و ضد انقلاب - بنی صدر و لیبرالیسم - چه باید کرد؟ - خلافت دائمی - حزب الله - حزب شیطان - به مناسبت نیمه شعبان - شهید و شهادت -

از آن زمان که ملت ما خط امام را به عنوان رمز حیات خود یافت و هر لحظه فریاد برآورد که تنها خطی که آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی را در این برهه از زمان ترسیم می کند، خط امام است؛ صهیونیسم بین المللی بر آن شد تا آنجا که می تواند خطوط بدلی آگاهانه و نا آگاهانه ترسیم کند تا خط امام در میان آنها گم شود، اما به یکباره همه این خطوط حول يك محور قرار گرفتند و خط ضخیمی در مقابل خط امام ترسیم کردند اما آن خط محوری کدام خط است؟ خطی که اشغال جاسوسخانه را نقطه ضعف می داند و نه نقطه قوت. خطی که به دنبال آن است که دولت را به سقوط حتمی بکشاند. تا ثابت کند پیش بینی علمی اش بر حداکثر ۲ ماه دوام این دولت (شهید رجایی) صحت داشته است.

خطی که با همکاری تمامی نیروهای منحرف از چریک های فدایی تا جنبش ملی مجاهدین فاسق و از جبهه ملی تا حزب جمهوری خلق مسلمان فاسد با ساختن شایعاتی همچون استعفای نخست وزیر سعی در تضعیف آن دارد.

خطی که می کوشد جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و کمیته ها را ابزار قدرت برای گروهی خاص معرفی نماید.

خطی که می کوشد از روحانیت این سنگر همیشه مقاوم در مقابل استعمارگران مخالفین مجهول در ذهن ارتشیان عزیز بسازد.

خطی که با يك برنامه ریزی حساب شده می کوشد تا برای چرخش اذهان از آمریکای جنایتکار این طور وانمود کند که مبارزات ضد امپریالیسمی ملت ما را حزب توده طراحی کرده است!

خطی که پس از تشکیل هیئت بررسی شکنجه برای آنکه احتمال می دهد گزارش آنان خلاف میلش باشد، شایع می کند افرادی را که شکنجه شده بودند، اعدام کرده اند تا هیئت آنان را نبیند.

خطی که در مقابل این سؤال که آیا امکان دارد روزی در کاخ سفید با ریگان دست بدهید؟ می گوید دنیا دنیای احتمالات است!

خطی که احتمال می دهد روزی در مقابل فشار قدرت ها تسلیم نامه امضا کند.

خطی که فریاد بحث آزادش گوش فلک را کر کرده است، در حالی که بیش از همه از بحث آزاد وحشت دارد.

و بالاخره خطی که امام را به عنوان نه به عنوان رهبر انقلاب بلکه به عنوان پدر خطاب می کند تا از استقرار ولایت فقیه در جمهوری اسلامی سر باز زده باشد.

و بسیاری خصوصیات دیگر از این خط که فرصت برای نقل آن نیست. و اینست که آقایان و خانم های نماینده!

ما امروز بیش از هر زمان دیگر مسئولیت ترسیم و تفهیم خط امام را برای ملت مسلمان ایران داریم.

تا روشنی این راه به تاریکی خطوط انحرافی مبدل نگردد.

شهید دیالمه در مصاحبه ای با یکی از روزنامه ها در مورد ماهیت حرکت های لیبرالیستی در جامعه ایران می گوید: "بحث لیبرالیسم که یک سیر طولانی را طی کرده و در قرون مختلف شاید به معانی گوناگون به کار رفته و بعد هم در قرن بیستم این لغت که مبنایی برای تشکیلات و جنبش انقلابی ضد استبدادی و ضد کلیسایی بود، امروز یک معنای مصطلحی پیدا کرده. وقتی صحبت از لیبرالیسم می شود، مردم ما درک دیگری از این کلام دارند، به طوری که مجموعه در ذهنشان متصور می شود که این مجموعه عبارتست از نیروهای متمایل به غرب، معتقد به حرکت های کند اصلاح طلبانه و احیاناً نیروهای رنگ به رنگی که هر زمان به حالت تلون خود موضع خاصی را اتخاذ می کنند و به عبارتی زمانی که امکانات و شرایط بر ایشان باشد، به صورت گسترده سعی می نمایند تسلط خود را بر کل جامعه مستحکم کنند و هنگامی که آن قدرت را ندارند تلاش خود را بر این می گذارند که به عنوان ستون های پنجم عمل کنند. امروز در جامعه ما حساسیت های خاصی در برابر این طرز فکر بوجود آمده است و معنایی که برای مردم ما مورد نظر است و چیزی که امروز از آن درک می کنند، شاید اصلاً به آن مفهوم لغوی این کلام نمی خورد و یک اصطلاح حتی عامیانه ای شده که به محض اینکه از این واژه صحبت به میان می آید، معمولاً در ذهن

مردم، گروه ها و نهضت ها و جبهه های مختلفی مجسم می شود. البته درست است که وجه این سیستم ها تشابهاتی با آن لغت اصلی دارند و وضعیتی که در حال حاضر این ها را در پیش گرفته اند با آن مبنای کلی لغوی چندان فرق نمی کند، منتها معنای دقیقش هم نیست.

امروز این نیروها تمام سعی و هم و غمشان این است که آن موضع ضد کلیسایی را تبدیل به یک موضع ضد اسلامی کنند و اگر زمانی این موضوع به عنوان جنبش ضد کلیسایی به حساب می آمد، می خواهند آن را به صورت یک جنبش ضد اسلامی در آورند. ضد اسلامی نه به این مفهوم که هیچ یک از این ها مسلمان نیستند، چرا تعدادی از آنها مسلمان هستند و نماز می خوانند و روزه هم می گیرند، اما آنچه که برایشان مطرح است نه آن اسلام اصیل بر مبنای زمینه های اسلامی بلکه آن ها اسلام را، قرآن را و پیامبر را چیزهایی در سطح مارکسیسم و اگزیستانسیالیسم و با مکاتب دیگر غربی و قرآن را در کتاب های مانند کاپتال مارکس و پیامبر را هم فردی به عنوان یک مصلح جهانی در سطح مارکس می دانند. منتها همه این ها معتقدند که قرآن، پیامبر و مکتب، کم اشتباه تر و یا بدون اشتباه هستند و در واقع قایل نیستند که این ها دارای مبانی اصیل الهی بوده که مبتنی بر وحی آمده است، به همین خاطر یکی از خطراتی که امروز بیش از هر زمان دیگر جامعه ما را از جناح لیبرال ها تهدید می کند، مسئله مسخ فرهنگی است که آن ها در حال حاضر در جامعه ما دارند ایجاد می کنند و به نوعی افکار دقیق غربی را یا به تعبیری دموکراسی غربی را در قالب پوشش های اسلامی با آیات قرآنی پیاده می کنند و هر یک از این گروه ها اعم از آن هایی که چهره چپ نمایی دارند و به قول خودشان خیلی تند حرکت می کنند و یا آن هایی که خیلی ملایم تر و معتقد به زمینه های گوناگون مباحثه و غیره هستند همه شان در یک جناح و در جهت مسخ فرهنگی گام بر می دارند.

آخرین سخنرانی عمومی او به مناسبت شهادت دکتر چمران و سه روز قبل از هفت تیر ۱۳۶۰ انجام شد

بخشی از سخنان او که چند روز بعد در مورد خودش مصداق پیدا کرد چنین است:

"من امروز متأسفم که همیشه بعد از مرگ افراد هست که از آن ها تجلیل می کنیم و الا آن که ما نیروهای مخلص، ارزنده و خوب بسیار داریم اباة داریم که از آن ها تعریف و تمجید کنیم و من به یقین می دانم که اگر این ها از دنیا بروند خیلی ها تمایل دارند با انتساب به آن ها وجهه ای برای خودشان کسب کنند.

کسانی که با دکتر چمران تماس داشتند می دانند که او در درجه ای از عرفان اسلامی شیعی بود که هر کسی را در برخورد اول مجذوب

منتقل می کرد. او که همه خطوط انحرافی را همچون پله های نردبان به هم مربوط می دانست با الگوپذیری از اهل بیت علیهم السلام به رسواری آن ها پرداخت.

در ادامه افشگری هایش در مورد اندیشه های التقاطی منافقین با انتشار اولین کتاب های جدید ایدئولوژیک منافقین تحت عنوان "تبیین جهان"، شهید دیالمه نیز سلسله سخنرانی های نقادانه خود را با عنوان "تبیین جهان" آغاز کرد که از همان ابتدا با تهدید های منافقین روبرو شد. او نیز به امید آگاهی گروهی دیگر با حقایق از منافقین کسب مهلت می کند تا آن سلسله نقد ها را به پایان برساند، بعد اگر خواستند تهدید خود را عملی سازند. (یادآور مهلت خواستن مولایش امام حسین علیه السلام در شب عاشورا) گویی آن ها نیز به خواست او تن دادند! نمونه ای از دقت نظر او در نقد مسائل ایدئولوژیک را یادآور می شود. منافقین از خدا در کتاب خود به عنوان "تکامل مطلق" یاد کرده بودند. شهید دیالمه با بیانی دقیق ثابت کرد که چنین تعبیری در مورد خداوند صدق نمی کند و خداوند "کمال مطلق" است و تعبیر تکامل برای خداوند یعنی اینکه خداوند کامل نیست و رو به کامل شدن است آن هم مطلق!!

منافقین و دیگر منحرفان که در مانده و وامانده از پاسخگویی به استدلال های منطقی او بودند، توطئه جدیدی به راه انداختند و گفتند: "دیالمه مدرک دکتری ندارد" و او ناچار شد تصویر مدرکی را در اختیار آنان قرار دهد. و آن ها غافل بودند از اینکه این شهید بزرگوار برای اینکه بتواند در کنار دانشجویان و در محیط دانشگاه به ارشاد آن ها پردازد حتی حدود یک سال دیرتر از موعدی که می توانست از تز دکترایش دفاع کرد و مدرکش را گرفت و طبق گفته خود او مدرک او در میان خانواده و فامیل تحویل کرده او کمتر ارزشی داشت و یا اینکه بسیار اغراق آمیز در مورد رفاه و زندگی خصوصی او شایعه پراکنی می کردند و این در حالی بود که دیالمه در خانه ای نسبتاً کوچک با تعدادی از دانشجویان زندگی بسیار ساده دانشجویی را سپری می کرد و چه بسیار شبهای سرد زمستان که حتی نفت برای گرم کردن خانه اش نداشت و گاهی اوقات از طرف دوستانش تأمین می شد.

نقد نظرات و تکفر و خط مشی سیاسی بنی صدر را مدت ها پیش از مطرح شدن او به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری او آغاز کرد و این در حالی بود که بسیاری از بزرگان کشور و انقلاب در رده های مختلف از بنی صدر حمایت می کردند. دیالمه برای اینکه حقانیت نظر خود را به گوش مسئولان کشور برساند به همراه دوستان خود عازم تهران شده و دفتر روزنامه انقلاب اسلامی بنی صدر را اشغال کردند و البته نامهربانی ها دیدند. او بنی صدر را همسو با فراماسونری جهانی و نقشه های شوم آنها و ریاست جمهوری او را فاجعه می دانست.

خودش می کرد. در واقع طرز تفکر چمران در ایران قربانی يك طرز تفکر غالب فلسطینی شد و او به خاطر ایستادگی اش در روی اسلام و مخصوصاً شیعه در همه جا آماج تهمت ها بود. حتی دو روز بعد از شهادتش در جلوی مجلس اعلامیه هایی پخش کردند که در آن افرادی را به عنوان آمریکایی معرفی کرده بودند و یکی از آن ها هم چمران بود. در مجموعه نیروهایی که بر علیه اسرائیل مبارزه می کنند فقط و فقط يك گروه هستند که بر مبنای اعتقاد اسلامی شیعی مبارزه می کند و به دلیل همین زمینه فکری، تا به امروز منافقین اجازه نداده اند که این طرز تفکر در ایران مطرح شود.

از فلسطین به عنوان نیروهای مقابله گر در مقابل اسرائیل بر طبق عقیده اسلامیمان موظفیم که حمایت کنیم اما نه از طرز تفکر فلسطینی، ما مسؤولیم که این نیروها را بشناسیم و مسؤولیت داریم آنچه را که پیام آن ها بوده به دیگران برسانیم. اگر شما امروز جزو نیروهایی بودید که در خیابان ها در تشییع جنازه چمران شرکت کردید، برای او شعار دادید و گریه کردید، امروز این مسؤولیت بر دوش شما هست که حرکت فکری او را بشناسید و بتوانید در جامعه رواج دهید، این را به شما بگویم که طرح تفکر چمران در جامعه امروز ما يك انتحار است. بدانید که اگر بخواهید از این طرز تفکر (طرز تفکر چمران و شیعیان لبنان) در ایران دفاع کنید حیثیت و شخصیت اجتماعی را از دست خواهید داد و آنقدر نیروها بر علیه شما تبلیغ می کنند که عملاً چیزی از وجود شما بر جای نمی گذارند."

دیالمه در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ پس از يك عمر کوتاه بیست و هفت ساله همراه دهها تن دیگر از نیروهای مؤمن انقلاب در کربلای سرچشمه به شهادت رسید. روحش شاد و راهش مستدام.

وبدا

شهید عبدالحمید دیالمه؛ افشاگر جریان نفاق مدرن

شهید عبد الحمید دیالمه در چهارم اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۳ در تهران در خانواده ای برخوردار از امکانات مادی و داشته های معنوی پا به عرصه زمین نهاد و بال در امتداد زمان گشود.

او به گونه ای اعجاب آور از انواع اندیشه های انحرافی آگاهی داشت، حتی پیش از طرح این اندیشه ها در جامعه و به گفته خود او همین که کتابی را می دید می دانست که در آن چه نوشته است بدون آنکه حتی آن را بخواند. (و البته می خواند) و این نیز میسر نبود مگر با امداد الهی آن هم در بستر پاکی و اخلاص مثال زدنی او. علاوه بر آن؛ این آگاهی را با جسارت تمام و نیز با استدلال و منطق و بیان بسیار شیوا به دیگران

با انتخاب بنی صدر به ریاست جمهوری و تصمیم نیروهای خط امام مبنی بر نامزد شدن نیروهای شایسته برای انتخابات مجلس، دیالمه نیز از طرف برخی علما و بزرگان انقلاب تشویق به کاندیداتوری شد. اما او تا آخرین لحظات کاندیدا نشد، آن هم به این علت که می گفت: "آقای... نسبت به من برای این منظور شایسته تر است و اگر او کاندیدا شود دیگر لازم نیست من کاندیدا شوم" البته با کاندیدا نشدن آقای... دیالمه کاندیدا شد. پس از کاندیداتوری از آنجا که عوامل عمده ستاد تبلیغات او دانش آموزان و دانشجویان بودند و در آمد مستقلی نداشت، این شهید بزرگوار تأکید داشت که فعالیت آن ها با رضایت اولیای آن ها صورت پذیرد (رعایت اخلاق اسلامی)

آن زمان با وجود آنکه بنی صدر در اوج محبوبیت خود به سر می برد و افشگری های دیالمه در مورد بنی صدر موقعیت شهید را در انتخابات به خطر می انداخت با این وجود با رأی بالای مردم به عنوان نماینده دوم مشهد به مجلس شورای اسلامی راه یافت کسی که تنها دوره دانشجویی اش را در مشهد سپری کرده بود، اینک نیز که در سنین جوانی به عنوان نماینده مردم مشهد به مجلس وارد می شد بنا بر مصالحی!! هرگز این اجازه را نیافت که از طریق رادیو و تلویزیون خراسان (که آن زمان تحت ریاست آقای ابطیعی معاون آقای خاتمی بود) با مردم ارتباط برقرار کند و حتی پیش از خطبه های نماز جمعه مشهد به او اجازه سخنرانی ندادند. البته یک بار اعلام شد که در تاریخ ۵۹/۱۰/۵ سخنران پیش از خطبه های نماز جمعه مشهد دکتر عبد الحمید دیالمه خواهد بود ولی باز هم گویا بنابر مصالحی! در همان روز سخنرانی اعلام شد که به جای نماینده مردم قرار است فرمانده نیروی دریایی، دریادار ناخدا افضلی (بعدا معدوم!) سخنرانی کند و جالب آن که آقای ناخدا هم در آن روز تشریف نیاوردند!

شهید دیالمه در روز ۵۹/۱۲/۱۵ یعنی فردای روز سخنرانی بنی صدر در دانشگاه تهران و برپایی غائله ۱۴ اسفند، در مهدیه تهران در میان جمعیتی که به شدت نسبت به آن شهید ابراز احساسات می کردند در سخنرانی خود با عنوان "مصدق از حمایت تا خیانت" گفت: "... دست هایی در کارند تا وحدت ابو موسی اشعری را به جای وحدت علی علیه السلام به مردم قالب کنند، این بود که بر آن شدم تا مطلبی را در کمال اختصار با شما در میان بگذارم. برادران در لحظات بسیار حساس و خطرناکی قرار گرفته ایم، حساس و خطرناک همچون میدان هایی از مواد منفجره که با جرقه کوچک آتش می گیرند و شیاطین بر آنند تا با ژستهای آزادی خواهانه قلابی تا آن جا که می توانند بر میزان شعله وری محیط بیفزایند... اما آنچه که ما از ابتدای انقلاب فاقد آن بودیم و چوب آن را می خوریم این است که افراد را درست نمی شناختیم و آگاهی از مواضع آنان نداشتیم و همین امر باعث شد اسلام شناسان

اروپایی بر مبنای آزادی های غلط غربی آنچه را خواستند به خورد این ملت دادند و سعی نمودند مسلمان مؤمن را با برچسب های گوناگون از میدان به در نمایند.

می دانید چماقداری از ما و اسلام نبود، ما به عنوان مسلمان استدلال و منطق داریم، چماقداری از آن نیروهای چپ و راستی برای فرود آوردن چماقشان بر سر این ملت فراهم آوردند ظاهراً خود را ضد چماق معرفی کردند و الا چه زمانی ما حرف حساب را نشنیده ایم؟ چه زمانی از "بحث آزاد" فرار کرده ایم که امروز آن ها به خود اجازه می دهند فریاد برآورند که ما اهل بحث آزادیم و بقیه زور می گویند. اگر بنده و شما آگاه باشیم زود می فهمیم که چرا اینگونه می گویند و عمل می کنند، چرا یکباره اسامی گروه های مرتجع داخلی و خارجی عوض می شود و می شوند انقلابی!! پیشتاز! مجاهد! مبارز! پیشگام؟! و در مقابل همه نیروهایی که در این سمت قرار دارند و حرکت را ایجاد کرده اند می شوند نیروهای مرتجع، انحصار طلب و از این قبیل، این همان شیوه همبستگی و مرسوم تاریخ است که اصطلاحاً معروف است به "نعل وارونه" ... سالیان درازی است که بر ممالک اسلامی طراحي کرده اند و برنامه های آن توسط صهیونیسم بین الملل مدون گردیده است، خطرناکترین آن ها حرکتی است که بوسیله مستشرقین در جوامع اسلامی ایجاد گردیده تا اسلام را آنگونه که مایلند معرفی نمایند و شرایطی را فراهم کنند که محتوای اسلام از دست رفته و تنها اسمی از آن برجای بماند، به همین منظور متخصصین جامعه شناسی و علوم اجتماعی و اقتصاد اسلامی! و اسلام شناسی! ساختند و به جامعه های ما روانه کردند تا در ذهن ما از اسلام، یک فرهنگ، یک انقلاب، یک تمدن بسازند و تا آنجا پیش آمدند که تا امروز در ذهن اکثریت نسل جوان ما اسلام نه به عنوان یک دین الهی و رهبری اش نه به عنوان یک رهبری الهی، که اسلام به عنوان یک تمدن و پیامبر به عنوان یک انقلابی ترسیم گردیده است. پیامبر می شود انقلابی تا در قدم های بعدی بتوانند او را در کنار چه گوارا، مارکس و انگلس قرار دهند و ظهور اسلام حرکتی بشود همچون انقلاب اکبر و انقلاب فرانسه و چهره های اسلامی از علی علیه السلام گرفته تا فاطمه سلام الله علیها و زینب و ابوذر و سلمان و... هر یک به نوعی تغییر یابند. صهیونیسم بین الملل برای پیاده نمودن طرح های خود سازمان ها و گروه های مرموزی را تشکیل داده که یکی از آنها در تحقق بخشیدن به آرمان های صهیونیسم لژهای فراماسونری است... و مردم ما اصلاً آگاهی نداشتند که اینها یکی هستند...."

بعد از سخنرانی های کوبنده دیالمه کم کم شعار "بنی صدر، دیالمه، بحث آزاد پیش همه" زبازد بسیاری از جوانان مسلمان شد و بر برخی دیوار های شهر تهران و مشهد نیز نقش بست. بنی صدر که تبلیغات

بحث آزادش بسیار فراگیر شده بود با توجه به شناختی که نسبت به این جوان برومند مکتب تشیع و "هشام زمانه" داشت صلاح ندانست خود را درگیر چنین بحثی بکند.

با نخست وزیری شهید رجایی و شناخت او نسبت به دیالمه، شهید رجایی او را به عنوان اولین گزینه برای پست وزارت خارجه در نظر گرفته بود؛ چرا که او ضمن تحصیلات دانشگاهی و حوزوی مسلط به زبان های انگلیسی و عربی نیز بود و تا حدودی با زبان فرانسه نیز آشنایی داشت. شهید دیالمه پس از این پیشنهاد شهید رجایی مطلب را با دوستان و شاگردانش در میان گذاشت و در نهایت تصمیم گرفت ان را نپذیرد؛ چرا که قبول این پیشنهاد او را از فعالیت های فرهنگی اش "این بار به عنوان نماینده مردم و در جهت آگاه ساختن مردم" باز می داشت.

در مجلس نیز با توجه به حساسیت امور شورا و مانور گروه های مختلف در مورد آن و آگاهی شهید در مورد آن، در کمیسیون مربوط به امور شورا ها به فعالیت پرداخت. دکتر دیالمه در هفتم تیر ماه شصت به شهادت رسید.

راهش مدام باد

مجید ملا علی اشرفی

وبدا

آشنایی با کتاب های شهید عبدالحمید دیالمه

عبدالحمید دیالمه حدود ۴۰۰ ساعت سخنرانی داشت که برخی از آنها به صورت کتاب منتشر شده است.

انتظار ضابطه حرکت بر صراط مستقیم، امام، ضابطه حرکت بر صراط مستقیم، مذهب در بوته تاریخ، ولایت فقیه، توکل ضابطه حرکت بر صراط مستقیم، اسلام، قدرت بزرگ فردا، زهد ضابطه حرکت بر صراط مستقیم، اسلام و مبارزات ضد امپریالیستی، انسان در قالب زمان، ربوبیت معرکه اصلی انبیاء، طراح هدایتی، مرجعیت و روحانیت، ضابطه حرکت بر صراط مستقیم، از خود بیگانگی جامعه، صبر، ضابطه حرکت بر صراط مستقیم، قضا و قدر، ضابطه حرکت بر صراط مستقیم، فقر، ضابطه حرکت بر صراط مستقیم، آزادی چیست؟، صیورورت انسان بر صراط مستقیم و موقعیت زن در جامعه اسلامی از جمله کتاب های شهید والا مقام عبدالحمید دیالمه است.

در ادامه گزیده ای کتاب های این شهید آمده است:

خود انتظار از رسیدن به هدف موقتی و قطع شدنی، متعالی تر و لذت بخش تر است. لذا در این انتظار هدف نباید در دسترس، بلکه باید متعالی باشد. در غیر این صورت جوش و خروش انسان به یأس و سردی مبدل می شود. اگر ما منتظر واقعی هستیم و معتقدیم می خواهیم جامعه ای با شرایط خاص برای رسیدن به هدفی متعالی بسازیم، اولین چیزی که باید متحول شود درون خود ماست. (گزیده ای از کتاب انتظار ضابطه حرکت بر صراط مستقیم)

انسان دائماً به دنبال این است که بداند در انتهای مسیر زندگی به کجا می رسد. مذهب دستورالعملی است که همراه انسان فرستاده شده و انسان با به کار بردن آن می تواند نیروهای درونی خود و چگونگی استفاده از آنها را بشناسد. انسان بدون عامل مذهب نمی تواند درست حرکت کند؛ یا دچار افراط می شود یا تفریط. مذهب برای انسان هدف را مشخص می کند و همه نیروها را در رسیدن به آن هدف منسجم می نماید. (گزیده ای از کتاب مذهب در بوته تاریخ)

مفهوم ولایت فقیه مطلب جدید و تازه ای نیست، اصل ولایت فقیه برای همه افراد متخصص فن و یا به تعبیر دیگر، برای علما و مجتهدان، کاملاً محرز و قطعی است و آنچه تا به حال درباره اش بحث شده و می شود، درباره حدود و اختیارات آن است. اگر هرگونه اشکال یا ایرادی در شخص ولی فقیه پیش آمد، نمی توانیم بگوییم: "نباید اصل ولایت فقیه در قانون اساسی باشد" و یا "وجود ولایت فقیه در قانون اساسی استبداد است"؛ بلکه به دنبال انتخاب بهترین فرد برای این کار می رویم. (گزیده ای از کتاب ولایت فقیه)

از امام رضا (ع) پرسیدند "ما حدّ توکل؟" حد توکل چیست؟ امام (ع) آنجا شرح می دهند: "فقال لی: ان لا تخاف مع الله احداً" حد توکل این است که از هیچ کس به جز خدا نترسید. ما فکر می کنیم مسئله ساده ای است. هنوز تصور می کنیم اگر بخواهیم سخن حقی بگوییم، ضربه می خوریم و سقوط می کنیم؛ چون تکیه گاه فکری ما درست نیست و چون مفهوم توکل را باور نکرده ایم. (گزیده ای از کتاب توکل ضابطه حرکت بر صراط مستقیم)

اگر استکبار جهانی نتواند اینجا را کنترل کند، اگر نتواند ایران را سرکوب کند، از این پس، اسلام حاکم است؛ یعنی آن ها اسلام را قدرت فردا می بینند، نه به عنوان کشور ایران در محدوده ای که فقط نقششان را تأمین کند. به همین دلیل است از این مرحله به بعد کار استکبار جهانی و برنامه ای که پیاده می کند این است که از ایجاد چنین قدرتی جلوگیری کند و اجازه ندهد اسلام به عنوان ابرقدرت مطرح شود. (گزیده ای از کتاب اسلام، قدرت بزرگ فردا)

وقتی به روایات مراجعه می کنیم، میبینیم درباره زهد این چنین توضیح می دهد: "الزهد کله بین کلمتین من القرآن" زهد محصور در بین دو مفهوم شده است؛ به این ترتیب که خداوند می فرماید: "لکیلا تأسوا علی ما فاتکم" زهد یعنی برگزیده و آنچه از دست رفته است، تأسف نخورید. این یک طرف قضیه است. از آن طرف هم می گوید: "ولا تفرحوا بما آتاکم" و از آنچه در اختیارتان هست و به دست آورده اید شادمان نباشید. البته منظور این آیه نوعی از شادی است که قرآن آن را می کوبد و می گوید غلط است. (گزیده ای از کتاب زهد ضابطه حرکت بر صراط مستقیم)

اگر قرآن برای هدایت بنده و شما و دیگران کافی بود، لازمه اش این بود که همه ما بر اساس یک مشی حرکت کنیم. بنابراین قرآن برای هدایت لازم است؛ اما کافی نیست و برای هدایت یافتن، به عامل دیگری هم نیاز داریم؛ یعنی عامل دیگری باید به این قرآن بچسبد تا در مجموع، وسیله و الگوی حرکت ما باشد. در زمان حیات پیامبر (ص)، چه عاملی در کنار قرآن قرار دارد؟ خود پیامبر (ص). یعنی در زمان بعثت، قرآن همپای خود پیامبر (ص) راه هدایت است. بعد از پیامبر (ص) تکلیف ما چه خواهد شد؟ اگر ما پذیرفتیم که در کنار قرآن باید تفسیر کننده ای با او اتصال پیدا کند تا برای ماه راه هدایت و الگو باشد، باید بدانیم که چه کسی بعد از پیامبر (ص) این وظیفه را انجام می دهد. (گزیده ای از کتاب: امام، ضابطه حرکت بر صراط مستقیم)

اسلام تفکر فردی را به تفکر اجتماعی تبدیل می کند و ابعادش را گسترش می دهد. یعنی اگر ما تا دیروز در محدوده خودمان می اندیشیدیم، این تفکر باید گسترش یابد و در محدوده بازتری مطرح شود و افراد بیشتری را در برگیرد و از مرز ناسیونالیسم بگذرد. اگر محدوده دیدگاه ها و هدف ما در سطح عبودیت الله و مبارزه با طاغوت گسترش یابد، آنچه کنار این دیدگاه باقی می ماند فقط وسیله است یعنی من گرد، خودم را جدا از بلوچ بلوچستان یا جدا از فارس ساکن تهران یا خراسان نمی بینم. اما همین مطرح کردن مسئله خودمختاری، گویای این خودبینی در ذهن ماست. آن ها از ایران نمیترسند، بلکه واهمه آن ها از اسلام است. چون میبینند ابر قدرتی در حال ظهور است که می تواند در برابر آمریکا بایستد؛ دیگر یک کشور نیست بلکه نیرویی است که در میان افراد وجود دارد و آن ها هم نمی توانند بفهمند این نیرو چیست. (گزیده ای از کتاب اسلام و مبارزات ضد امپریالیستی)

قرآن می فرماید: "لقد خلقنا الانسان فی کبد" ما انسان را در فشار، رنج، سختی، درد و تنگنا آفریدیم؛ رنج و فشاری که در خداوند در قرآن می فرماید چیست؟ تنگنایی که هیچ گاه در زندگی مرتفع نمی شود و تا انتها باقی می ماند به چه معناست؟ مطالب بسیار متنوعی در تفسیر این واژه بیان شده است. فشارهای و دردهایی که انسان در ابتدای به دنیا

آمدن خود تجربه می کند، از ساده ترین و ابتدایی ترین آن هاست. بنده احتمال می دهم آن رنجی که برای انسان از همه مشکل تر است، مسئله زمان است. البته منظور تسلط جبری زمان و اینکه انسان نمی تواند از آن خارج شود، نیست، بلکه منظور این است که انسان در مجموعه زمان قالب گیری شده و خارج از بعد زمان مفهومی ندارد. او با این بدن مادی نمی تواند خارج از بعد زمان وجود داشته باشد. ما در داخل بعد زمان قالب گیری شده و جریان پیدا می کنیم. این زمان برای انسانی که یک بعد او بعد مادیت است، دردآور و زجر آور است؛ زیرا انسان به واسطه بعد مادیتش، تمایل به "بودن" دارد اما بعد معنویت او را به "شدن" می خواند. انسان بین این دو بعد متعارض گرفتار شده است و تمام کوشش او بر این است که بتواند زمان را متوقف کند زیرا تمایل به بودن دارد. (گزیده ای از کتاب انسان در قالب زمان)

تمام دعوی مستکبرین و اولیا از ابتدا تا امروز، نه درباره خالق بودن الله است، نه درباره رزاق بودنش و نه درباره دیگر صفات الهی. هیچکدام از آن ها نمی گفتند که ماریوزی می دهیم. تمام بحث بر سر ربوبیت است. اینها مدعی اند که ما به علت آنکه پروردگار این مردمیم و پروردگار بودن را از خالق بودن جدا می کنند، می گویند ما باید قانون را برای این بشر تدوین کنیم، و وقتی قانون در اختیار آن ها قرار بگیرد، دقیقا همان ضوابطی است که فرعون می خواست و نمرود می خواست؛ تمام سیستم های فکری و ایدئولوژیک انسانی در شرایط فعلی، عینا همین مطلب را میخوانند. اما وقتی خداوند می خواهد صحبت کند، می گوید: نه ای انسان! رب تو، یعنی کسی که باید برای تو قانون بگذارد، کسی که باید برنامه زندگیت را معین کند، زیست وجودی ات را معین کند و بعد بگوید که به چه شکلی باید عمل کنی... همان کسی است که نسبت به طبیعت ربوبیت دارد. هر کسی که خالق توست، رب تو هم هست. (گزیده ای از کتاب ربوبیت معرکه اصلی انبیاء)

اگر ما بتوانیم محک ها و معیارهایی را تعریف کنیم، به راحتی می توانیم ایدئولوژی ها، مکاتب و نظریات را بسنجیم. آیا چنین روش تحقیقی وجود دارد؟ پاسخ مثبت است. در بین همه طرز تفکر ها و ایدئولوژی ها، یک ادعای مشترک وجود دارد و آن این است که ما در مکتب خود طرح هدایت بشر را مطرح کرده ایم و این طرح در نهایت به هدایت بشر منتهی می شود. بنابراین بهترین راه این است که ببینیم طراح هدایتی، یعنی کسی که می خواهد چنین طرحی را ارائه دهد و چنین قانونی را تدوین کند، چه کسی می تواند باشد. (گزیده ای از کتاب طراح هدایتی)

درباره ای از زمان و در مرحله ای از دوران مبارزات قرار گرفته ایم که همه دشمنان علیه سه موضوع اساسی متمرکز شده اند و نوک تیز حمله

شان را روی این سه موضوع گذاشته اند و می کوشند با قدرت هر چه تمام تر این سه را از بین ببرند. اولین موضوع، "امامت" است. یعنی امام معصوم در کنار قرآن. موضوع بعدی، "اجتهاد" و همان چیزی است که به عنوان "مرجعیت" می شنوید و مرحله بعدی اس هم "روحانیت" است. اگر این سه موضوع فلج بشود، قاعدتا دشمنان به آنچه می خواهند، می رسند. تقریباً همه گروه ها و حرکت های به اصطلاح ضد امپریالیستی که بعد ها مشخص شد خودشان دست در دست امپریالیسم دارند، ولی با چهره ای متفاوت در صدد انجام این هدف هستند. چون امروزه امپریالیسم در شکل خاصش فقط با چهره سرمایه داری جلوه پیدا کرده است؛ در صورتی که این چنین نیست و چهره های دیگری هم می تواند داشته باشد. (گزیده ای از کتاب مرجعیت و روحانیت)

فردی که معتقد به همراهی شفیعیان در آن دنیا است، می داند و باور دارد که در اینجا هم باید با آنها همراه باشد. اگر در اینجا با امام همراه بود، می تواند حدس بزند یا احتمال بدهد یا امید داشته باشد که در مراحل بعدی، اگر وزنه هایی که با خود می برد، کم و کاستی داشت، امام مقداری به او کمک می کند. پس به این ترتیب جامعه و افراد آن به امید شفاعت، در گناه و خطا و اشتباه تجرّی پیدا نمی کنند. (گزیده ای از کتاب شفاعت، ضابطه حرکت بر صراط مستقیم)

پیش از سلطه ماشین بر جوامع غربی، مفهوم الیناسیون به روشنی و سادگی امروز قابل فهم نبود، اما پس از رنسانس و زمانی که سایه شوم ماشینیسیم در جوامع اروپایی و غربی گسترده شد، انسان غربی احساس کرد که دارد از خودش بیگانه می شود، خود را می بازد و تبدیل به یکی از پیچ و مهره های ماشینی می شود که خودش ساخته است. زمانی که فرد با ماشین برخورد می کند، گویی هم وجودش بازیچه آن می شود و میان چرخش چرخ های آن، درست مانند دستگاهی مکانیکی حرکت می کند و او برای تسلط بر ماشینی که خودش ساخته است، از خود نقشی ندارد. از همین جا سرفصلی گشوده شد تا عوامل دیگری که موجب الینه شدن یا از خود بیگانگی انسان می شود، مورد توجه قرار گیرد. در مورد ماشینیسیم، نتیجه سلطه ماشینیسیم بر جوامع غربی همان چیزی بود که "دور حماقت" شناخته شده است. (گزیده ای از کتاب از خود بیگانگی جامعه)

صبر اسلامی شیعی از نوع صبر تخطیری نیست و هر کس می خواهد روی صراط مستقیم حرکت کند این صفت باید به عنوان کلمه الهی در او تبلور عینی پیدا کند تا صابر بودن را خصیصه ای برای او بدانیم. در قرآن و روایات و احادیث، هر جا که توصیه ای برای صابر بودن هست، بحبوحه ای از مبارزه ای هم هست و معمولاً هم صبر کردن در گرماگرم کار و حرکت، بسیار مشکل خواهد بود؛ در غیر این صورت و

در حالت معمولی که هیچ گونه درگیری وجود ندارد، قاعدتا صبر کردن هم کار معمولی و ساده ای است. به همین دلیل، قرآن درباره پیامبران و کسانی که در مسیر پیامبران حرکت می کنند و آنان را یاری می دهند و کمک کارشان در مبارزات و به کار بستن دستورات الهی در جامعه هستند، چنین می فرماید: "و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر". انسان برای گذشتن از روی راهی که باریک و خطرناک و لغزنده است و هر لحظه امکان سقوط از روی آن وجود دارد، علاوه بر هم صفاتی که قبلاً برشمردیم، باید صابر هم باشد. باید توانایی مهار خودش را داشته باشد. جوانب را ببیند و محیط هایی را که نمی تواند از آن ها بگذرد، دور بزند و از محیط دیگری پیش برود. در این مقطع، یک چیز به او کمک می کند و آن این است که از نظر اسلام و مکتب اهل بیت (ع) مهم نیست که می تواند نتیجه برنامه هایش را ببیند یا نه. (گزیده ای از کتاب صبر، ضابطه حرکت بر صراط مستقیم)

مفاهیمی که ما امروز از قضا و قدر می شناسیم، معمولاً مترادف با بخت و اقبال، شانس و مفاهیم عوامانه ای از قبیل سرنوشت یا پیشانی نوشت است یا اعتقاد به این که آنچه را در این مسیر باید انجام بدهد از قبل معین شده و آخر کار هم چیزی جز حرکت جبری انسان در مسیری معین باقی نمی ماند. مفهوم قضا و قدر با آنچه به غلط در اذهان ما جای گرفته بسیار فاصله دارد و مفهوم صحیح این کلام چیز دیگری است. در قرآن و روایات معصومین (ع) قضا به معنی "فرمان الهی" و قدر به معنی "اندازه گیری هایی که برای احکام قرار داده شده" به کار رفته است. پس برای اینکه بتوانیم روی این مسیر حرکت کنیم تعدادی قوانین تثبیت شده و اندازه گیری های خاص وجود دارد. (گزیده ای از کتاب قضا و قدر، ضابطه حرکت بر صراط مستقیم)

آن فقری که پیامبر (ص) به آن افتخار می کنند چیست و کدام است؟ در جامعه شرک زده، در جامعه ای که معیار توحید اجرا نشده، افرادی که برنامه و حرکتشان برخلاف عموم است، مسلماً از بخشی از موهبت ها برخوردار نیستند و این محرومیت دقیقاً شکلی فقیرانه دارد. هر فردی که چنین محرومیتی داشته باشد، به فقرش افتخار می کند. افرادی که به دنبال حق می گردند و در کنار حق ایستاده اند، از برخی امکانات برخوردار نیستند و محروم هستند و در جامعه حالتی فقیرانه دارند. جامعه محرومیت های را به این ها تحمیل کرده است؛ ولی اینان در سیستم کاری شان اهمیتی به آن نمیدهند و این فقر برایشان مهم نیست؛ زیرا خودشان چنین فقری را خریده اند و این فقر زمینه ساز حرکت آنان است. (گزیده ای از کتاب فقر، ضابطه حرکت بر صراط مستقیم)

ما نمی توانیم حدود آزادی های بشری را تعیین کنیم چون ما اعراف به مصالح بشری نیستیم. حداکثر آگاهی ما، آگاهی به تمایلات مردم

وبدا

سبک زندگی جوان مومن بصیرانقلابی

شهید دکتر دیالمه نماد حلقه میانی اثر بخش

مقاله ای با عنوان "سبک زندگی جوان مومن بصیرانقلابی" توسط دکتر نیکو دیالمه دانشیار دانشگاه امام صادق علیه السلام" تالیف شده است که در آن به واکاوی سبک زندگی شهید دکتر عبدالحمید دیالمه به مثابه حلقه میانی تحقق یافته و مؤثر در تاریخ انقلاب اسلامی است.

حلقه میانی مفهومی در بیانات مقام معظم رهبری است که مقصود از آن افراد یا مجموعه های مردمی نخبه، فعال و پیش رو است که به عنوان حلقه میان امام و آحاد امت، راهکارهای عملیاتی برای هدایت کاروان عظیم جامعه به ویژه جوانان متعهد را به سوی اهداف متعالی، دارند. یافته ها نشان می دهد که یکی از مهمترین اهداف شهید "جهاد تبیین به گستره تمامی عرصه های زندگی" بوده است.

این هدف مشتمل بر دو نوع جهاد ابتدایی و دفاعی در عرصه جنگ نرم است. جهاد دفاعی شامل همه عرصه هایی که شهید پرده از اندیشه های انحرافی و التقاطی برمی دارد و جهاد ابتدایی برنامه ریزی دقیق آموزشی و فرهنگی دراز مدت که با هدف تقویت بنیان های عقیدتی جوانان و تربیت عملی آنان بوده است.

دانش کثیر در دو عرصه متقابل، شناخت دقیق صحنه، کار منسجم و تشکیلاتی، التزام به قیود شرعی، ارتباط وثیق با علمای شیعه و ایمان عمیق به ولایت فقیه، فروتنی و ادب، شوق هدایتگری، آزاد اندیشی و ساده زیستی، شجاعت و ابتکار عمل، ایجاد روح اخوت، انس با قرآن و دعا، اخلاص و علاقه مندی به گمنامی برخی از مهمترین مولفه های سبک زندگی این جوان بصیر است.

نویسنده: دکتر نیکو دیالمه

دانشیار دانشگاه امام صادق علیه السلام

وبدا

شهید دیالمه؛ نیاز امروز جوانان و دانشجویان

دیالمه از آن دسته انقلابی های مکتبی بود نه انقلابی های سیاسی؛ به مسائل سیاسی هم می پرداخت، اما آن را ذیل مباحث فرهنگی و تحقق عقاید و باورهای اسلامی می دانست.

شهید دیالمه یکی از تأثیرگذارترین و شناخته شده ترین جوانان

است نه به مصالح مردم. ما فقط می دانیم مردم چه چیزی را دوست دارند اما نمی دانیم چه چیزی به صلاح مردم است. ما نگاه می کنیم می بینیم مردم از یک چیزی خوششان می آید، می گوئیم برایشان تصویب کنید، در صورتی که ما باید نگاه کنیم ببینیم که چه چیزی مصلحت عامه است و آن را تصویب کنیم. آیا ما مصالح عامه را می دانیم؟ نه، نمی دانیم. آیا غیر از خدا، کسی مصالح دقیق را می داند؟ یقیناً نمی داند. چرا؟ زیرا او نسبت به هر چیزی محیط است و تمام زوایای آن را می شناسد. (گزیده ای از کتاب آزادی چیست؟)

انسان در محدوده زمان قالب ریزی شده و به واسطه بعد مادی اش، دائم سرمایه هایش را می بازد. اگر انسان این توانایی را نداشته باشد که به وسیله بعد معنوی خود، این زیان کاری را جبران کند، آنچه هدف از خلقت بشر بوده با حرکت زمان محقق نخواهد شد. اما اگر قرار شود که از این محدوده قالب گیری شده خارج شود باید به نوعی "شدن" دست بزند و برای این "شدن" که در مفهوم بسیار وسیع تر با اصطلاح "صیوروت" مطرح می شود، نیازمند یکسری ضوابط است و اگر آن ضوابط در اختیار انسان نباشد، یا در حالت رکود باقی می ماند یا در حرکتش به انحراف کشیده می شود. مهمترین عاملی که برای "شدن" انسان اهمیت بسیار دارد، چپستی و چگونگی "راهی" است که در آن حرکت می کند. به همین دلیل وقتی منطق اسلام را در مسیر این راه دنبال می کنیم، می بینیم که اسلام چیزی را با عنوان "صراط مستقیم" به ما معرفی می کند و در تعریف مفهوم این صراط مستقیم می گوید که این راه و این صراط "ادق من الشعر و من حد السیف" یعنی از موباریکتر و از لبه شمشیر برنده تر بر پرتگاهی به نام دوزخ زده شده است؛ لذا در هنگام عبور از روی این صراط، ارزش افراد فهمیده می شود. (گزیده ای از کتاب صیوروت انسان بر صراط مستقیم)

اگر قانون اساسی ما فصل مشخصی را برای زن باز می کند و امور خاصی را در مورد او جدا می کند به این دلیل نیست که بنیاد اساسی زن و مرد در ساختار کلی پدیده های جهانی باهم در تضاد است؛ بلکه به این دلیل است که تا امروز هیچ موجودی به اندازه ی زن تحقیر نشده و به استضعاف کشیده نشده است. لذا باید مجدداً زمینه های ارزش سازی را برای او بیان کرد تا این موجودی که این همه علیه او توطئه شده، احیا شود. (گزیده ای از کتاب موقعیت زن در جامعه اسلامی)



پیش برنده نهضت امام خمینی در مشهد مقدس به حساب می آید. [۱] اندیشمند، استاد عقاید اسلامی و شاید فعال ترین جوان انقلاب اسلامی در مشهد که متأسفانه داشت از حافظه تاریخی جامعه فرهنگی و انقلابی ما فراموش می شد. از برکات فتنه ۸۸ بود که لااقل نامی از شهید دیالمه بر زبان ها بیاید و نطق مجلس اش را علیه بنی صدر، بعد از حدود ۳۰ سال از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش کنند! البته این نگاه ابزاری هم آفت ها و آسیب هایی داشت؛ چون نگاه ناقص و روایت ناتمامی بود و ابعاد شخصیت و فعالیت های او را فقط در عرصه سیاست و تک بُعدی نشان می داد.

شناخت غالب افراد، خصوصاً جوانان انقلابی از دیالمه محدود شد به همین سخنرانی و موضع گیری هایش علیه سران جبهه نفاق. شخصیت علمی و اندیشه های انقلابی اش در بازار سیاست گم شد. تمام تلاش هایش در سایه این هویت سیاسی تعریف شد، تا جایی که می توان گفت هویت انسانی و انقلابی اش با جامعیتی که در عرصه نظر و عمل داشت، هنوز ناشناخته مانده است. [۲] در این نوشتار کوتاه درصددیم به این سؤال پاسخ بگوییم که چه نیازست به شهید دیالمه؟

نمونه بارز و مصداق کامل «آتش به اختیار»

شهید دیالمه جوان اندیشمند انقلابی بود که به حق می توان او را نمونه و مصداق کامل «آتش به اختیار» دانست؛ کسی که در قبال جامعه و مردم خودش احساس مسئولیت می کرد و برای این احساس مسئولیت، اهل مطالعه و دانستن، مباحثه و مناظره، فعالیت و کاریدی بود. دیالمه از آن دسته انقلابی های مکتبی بود نه انقلابی های سیاسی؛ به مسائل سیاسی هم می پرداخت، اما آن را ذیل مباحث فرهنگی و تحقق عقاید و باورهای اسلامی می دانست.

هم و غم او بیشتر تبیین صحیح مکتب اهل بیت (ع) بود که تنها راه نجات مردم مسلمان ایران و کشورهای اسلامی و استعمارزده را پایبندی به مکتب انسان ساز اسلام می دانست. عدول از این مکتب، تقلیل و آغشته شدنش به ایدئولوژی ها و مرام های دیگر را تاب نمی آورد و سفت و سخت مقابل انحرافات و التقاط فکری و عقیدتی دیگران می ایستاد. شخصیت پرستی را نمی پسندید و همین روحیه اش باعث شد که در اوج معروفیت شخصیت ها و گروه های مختلف به نقد و بررسی افکار و اندیشه ها و رویکردهایشان بپردازد که البته، این روحیه کار هر کسی نبود و فضایی جامعه انقلابی و پرشور، آمادگی اش را نداشت.

دکتر سعید جلیلی [۳] که در نوجوانی در جلسات شهید دیالمه شرکت می کرده، می گوید: «هر هفته بعد از ظهر پنجشنبه به سخنرانی هایش می رفتم. احساس می کردم آن ها بر پایه اندیشه ناب امام و اسلام است. او به خوبی همه جریاناتی که از خط امام فاصله گرفته بودند، نقد می کرد و هیچ زاویه ای را از این خط تحمل نمی کرد و در بیان، شجاعت خوبی داشت.» [۴]

مخاطب شناسی و وقت گذاشتن برای مخاطبان

نکته ویژه در زندگی و فعالیت های کوتاه مدت اما پربار شهید دیالمه، مخاطب شناسی و وقت گذاشتن برای مخاطبان است. او که در دانشگاه در حال تحصیل بود و ظرفیت های دانشگاه ها و دانشجویان را در ایجاد تحول در جامعه می دانست، عمده وقت خود را صرف جوانان و دانشجویان کرد؛ گویی احساس می کرد برخی دانشجویان و بعضی دانشگاه ها یتیم و بی سرپرست مانده اند و از این جهت، به راحتی جذب شعارها، گروهک ها و شخصیت ها می شوند.

او آرمان ها، نیازها و روحیات جوانان و دانشجویان را به خوبی می شناخت و بیشترین وقت خویش را برای چنین مخاطبی می گذاشت. توده مردم با وجود روحانیون سرشناس و انقلابی در مشهد مانند حجت الاسلام هاشمی نژاد، آیت الله خامنه ای، حجت الاسلام واعظ طبسی، آیت الله خزعلی و... در جریان فعالیت های انقلابی و اندیشه های امام خمینی بودند، ولی دانشجویان احساس نیاز بیشتری داشتند تا با کسانی مواجه شوند که زبان و نیاز آن ها را بداند و هم انقلابی سخن بگوید و هم نگاهش انحرافات فکری و عقیدتی کمتری داشته باشد و مثل مباحث دکتر شریعتی، کمتر مورد اعتراض جامعه متدینین و روحانیون قرار بگیرد و مهمتر از همه، برای آنان وقت بگذارد، حرفها و نظراتشان را بشنود و آنها را تحلیل، تکمیل یا تصحیح کند.

آن زمان امثال آیت الله خامنه ای، افرادی که بتوانند با دانشجویان به ویژه دانشجویان مشهدی ارتباط بگیرند، نبودند یا جامعیت ایشان را نداشتند و از سویی جلسات تهران و تبعید و حساسیت های ویژه ساواک به ایشان و مراجعه کنندگان، مانع دسترسی همه دانشجویان مشتاق مشهدی به ایشان می شد و شهید دیالمه تلاش داشت این خلأ را پر کند. دیالمه با درک این نیاز جوانان و دانشجویان، برایشان وقت می گذاشت و بدون اینکه خود را برتر و بالاتر از آنها بداند، همراه و همگام با آنها سلوک می کرد.

کاظمی - از همراهان شهید - می گوید: رهبر انقلاب تازه از تبعید آمده بود. یک شب من و وحید رفتیم منزلشان، کوچه فروغ. نماز را پشت سرشان خواندیم. بعد تا حدود ۱۲:۳۰ در مورد وضعیت دانشگاه و فعالیت ها صحبت کردیم. رهبر توصیه های کار در محیط دانشگاه را به وحید می گفتند. [۵]

سهیلی - از همراهان شهید - در دسته بندی گروه های اسلامی آن دوران می گوید: «گروه های اسلامی آن زمان در دو گروه خلاصه می شدند. شهید هاشمی نژاد و کلاس های اندیشه اسلامی اش در بیرون دانشگاه و کلاس ها و سخنرانی های شهید دیالمه داخل دانشگاه.» [۶]

اصغر نژاد - از همراهان شهید - می گوید: «عضو تیم کشتی دانشکده و خیلی فرز و چابک بود. توی همین محیط ها، بچه ها را شناسایی می کرد و بر ایشان کلاس می گذاشت.» [۷]

دیالمه با تأسی به سیره اهل بیت (ع)، به کارآیی گفتگوی اقناعی باور داشت. اهل سخنرانی یک طرفه نبود و سخنرانی های یک طرفه را در مان همه نیازهای مخاطبان نمی دانست. به تبلیغ و گفتگوی چهره به چهره اعتقاد راسخ داشت و برای تک تک مخاطبانش وقت می گذاشت. به گفتگو و مناظره بیشتر قائل بود تا سخنرانی یک طرفه ای که مخاطبان نتوانستند سئوالات، انتقادات و شبهه های شان را بپرسند. جلسات ایشان همیشه با پرسش و پاسخ همراه بود. بیشتر تمایل داشت که سئوالات به صورت حضوری پرسیده شود تا کتبی. تمام سئوالات کتبی حضار جلسات را جمع آوری می کرد و تلاش داشت در فرصت های مقتضی به آنها پاسخ بگوید. دغدغه پاسخ به سئوالات مخاطبانش را داشت. نمی توانست از سئوالات و نیازهای فکری مخاطبان، به راحتی بگذرد. تلاش او روشنگری و تبیین مسائل مختلف مورد نیاز مخاطبان و پاسخ به نیازهای آنها بود.

ارتباطات گسترده و تشنه دانستن

اهل مطالعه و تحقیق بود. دامنه مطالعاتش گسترده بود. حرف های مختلف و کتاب های گوناگون فکری را می خواند و در حد خودش، کتابخانه وسیعی داشت و با این که رشته اش داروسازی بود و دانشکده پزشکی پاتوق اولیه اش بود، اما در معارف اسلامی ید طولایی داشت. معارف اسلامی سیرایش می کرد. مباحث مبنایی معارفی و ایدئولوژیک را خوب مطالعه کرده بود. دوره متوسطه که درس می خواند با پدرش به جلسات انجمن اسلامی پزشکان می رفت و به شهید مطهری ابراز علاقه می کرد. [۸]

با طیف ها و گروه های مختلف ارتباط داشت. ارتباطات خوبی با علمای مشهد، تهران و قم داشت. ارتباط دائمی با علما داشت و سئوالاتش

را می پرسید. برخی از آنها هم نوارهای سخنرانی اش را گوش می کردند و او را زبان گویای اسلام ناب و مشابه هشام بن حکم در زمان امام صادق (ع) می دانستند. به همین دلیل در انتخابات مجلس از او حمایت کردند. [۹] اینکه علمای بزرگ مشهد که بعضاً به احتیاط و محافظه کاری مشهور بودند، از کاندیداتوری یک جوان انقلابی غیرحزوی حمایت کنند، جای بررسی و تأمل دارد و حاکی از ارتباط مستمر شهید دیالمه با آنها و شناخت دقیق و عمیق آنها از او دارد.

یارحمیدی - از همراهان شهید - می گوید: رفته بودیم منزل آیت الله سید عبدالله شیرازی. وحید را خیلی احترام کرد. چند طلبه و معمم دیگر هم نشسته بودند. آیت الله شیرازی به یک نفر گفت فلان کتاب را بیآور. کتاب عربی آورد و داد به وحید. یکی از آن طلبه ها گفت به ما نمی دهید؟ آیت الله شیرازی گفت هنوز برای شما زود است. وقتش که شد به شما هم می دهم. [۱۰]

دیالمه به جلسات شهید مطهری می رفت و بعد از طرح بحث های التقاط مجاهدین توسط شهید مطهری در مشهد، مجموعه مباحث اقتصادی را شروع کرد: شفاعت، زهد، توکل و... را که مجاهدین در جزواتشان زیر سؤال می بردند. [۱۱]

منابع اطلاعات و تحلیلش فقط از یک طیف و گروه نبود و با توجه به روحیه تحلیل گر و ذهن نقّادش، اطلاعات مختلف را بررسی و تحلیل می کرد و بهترین مواضع و تحلیل ها را اتخاذ می کرد. ارتباطات گسترده و تنوع طیف های مرتبط باعث شد تا در جریان مسائل مختلف جامعه و نیازهای توده ها و گروه ها قرار بگیرد. همین ارتباطات، دقت نظرها و روحیه تحلیلی و نقّادانه اش باعث شد که خیلی زود انحرافات عقیدتی و فکری افراد و شخصیت ها را متوجه شود

حساسیت به افکار و عقاید التقاطی و انحرافی

اعتقاد داشت تا وقتی کسی مبنای اعتقادیش درست نباشد، حضورش در مباحث سیاسی ممکن است او را به انحراف بکشد. مثل مجاهدین خلق که به عنوان یک گروه سیاسی تغییر ایدئولوژیک دادند و مارکسیست شدند. [۱۲]

شاید بتوان گفت که شهید دیالمه از حیث خط فکری، رویکردها و شیوه مبارزاتی مثل شهید مطهری و استاد مصباح یزدی می اندیشید و پرداختن به مباحث فکری و اصلاح عقاید و باورهای مبارزان را اولویت جدی مبارزات انقلابی خود می دانست. البته مشابهت های دیگری می توان بین این سه یافت که هر سه به کارهای فکری و مبنایی اعتقاد داشتند؛ برای رفع نیازهای عقیدتی مخاطبان - به ویژه مخاطبان جوان - بسیار اهمیت قائل بودند و برای این قشر خیلی وقت می گذاشتند؛ منتقد شدید افکار التقاطی و اندیشه های انحرافی بودند و اهل تعارف

و احتیاط و محافظه‌کاری در این زمینه نبودند. شعارها و آثار مکتوب سازمان مجاهدین خلق و دکتر شریعتی را که در آن زمان مورد استقبال زیادی از جامعه دینی قرار گرفته بود را با معیارهای دینی و مکتبی می‌سنجیدند و ملاحظه‌ای در عیان کردن مخالفت‌هایشان نداشتند.

از آنجایی که شهید دیالمه به مباحث نظری و عقیدتی تعلق خاطر ویژه‌ای داشت، بیشتر پیش‌بینی‌هایش درباره انحراف شخصیت‌های مختلف تا امروز ثابت شده است. بنی‌صدر، آقای منتظری، سروش و میرحسین موسوی و... سال ۱۳۵۹ درباره اینها صحبت کرده بود و انحرافاتشان را تذکر داده بود. مثلاً هنوز مهندس موسوی نخست‌وزیر نشده بود. می‌گفت نباید رئیس دولت با افکار ایشان سرکار بیاید. انتقاداتش هم فکری بود. می‌گفت در کتاب فاجعه‌نامه سیاسی - اجتماعی‌اش که به نام «حسین رهجو» چاپ شده، این اشکالات فکری وجود دارد. [۱۳] یا دو ماه مانده به انتخابات ریاست جمهوری از او درباره انتخابات ریاست جمهوری پرسیدند، گفت: انتخاب آقای ابوالحسن بنی‌صدر به ریاست جمهوری فاجعه خواهد داشت. [۱۴]

یا در دانشکده پزشکی دانشگاه مشهد گفت: ریاست جمهوری بنی‌صدر برای اسلام و انقلاب اسلامی ما یک فاجعه است؛ چرا که به ولایت فقیه، سرسوزنی اعتقاد نداشت و همین امر باعث می‌گردد که نهایتاً در مقابل امام ایستاده و مشکلات عظیمی را ایجاد نماید. [۱۵]

تلاش و پشتکار شبانه روزی

در شبانه روز حدود ۲۰ ساعت کار می‌کرد. از ثانیه‌ها استفاده می‌کرد. دقیق، مفصل و حساب‌شده. بسیار هم پیچیده برنامه‌ریزی و کار می‌کرد. [۱۶] کم می‌خوابید، صبح زود بلند می‌شد و بعضی وقت‌ها، خیلی کوتاه بین کار می‌خوابید. [۱۷] ساده و مردمی بود. رسانه‌زده نبود و در فضای زندگی واقعی مردم بود. صرف فعالیت‌های تبیینی و روشنگری را کافی نمی‌دانست و علاوه بر دغدغه رفع نیازهای مردم محروم، به عمل و فعالیت اجتماعی نیز می‌پرداخت.

با گروهی از دوستان در سال ۱۳۵۳ به مناطق محروم جنوب کشور رفت و علاوه بر کمک به آنها، مستندهایی ساخت که بعد از پیروزی انقلاب، چند باری از تلویزیون پخش شد. برای تک تک همراهان و مخاطبانش وقت می‌گذاشت. به فعالیت‌هایی که خودش و انقلابیون دیگر داشتند، بسنده نمی‌کرد و درصدد خدمت‌رسانی به مردم بود. شعار همراه با عمل و خدمت را رمز پیروزی انقلابیون می‌دانست.

دین‌مدار و پایمند و متعهد به شرع

آن که ارتباطات گسترده فرهنگی و اجتماعی دارد، نیاز به خلوت‌های خاص و ارتباط خاص با خدا دارد که بتواند به درستی در مسیر حق و

صراط مستقیم حرکت کند. آن‌که ارتباط خوبی با خدا ندارد، با خلق خدا هم نمی‌تواند به خوبی ارتباط برقرار کند. خدمات و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی اگرچه ضروریست ولی حد و حدودی هم دارد و آنچنان نباید در این فعالیت‌ها غرق شد که از نماز و عبادت غافل شود. صالحی - از همراهان و یاران شهید - می‌گوید: وحید از آن‌هایی بود که در عین مبارزه همه‌جانبه با ظلم شاه، نماز شبش ترک نمی‌شد. همیشه در مبارزه از دیگران جلوتر بود و همزمان اهل دعا بود و تقوای یک مسلمان را رعایت می‌کرد. [۱۸] حد و حدود هر کاری را می‌دانست و اهل افراط و تفریط در کارها نبود.

به بهانه فعالیت سیاسی و خدمات اجتماعی، نماز و عبادت را کنار نمی‌گذاشت و به بهانه عبادت و خودسازی، کار و فعالیت اجتماعی و موضع‌گیری سیاسی را تعطیل نمی‌کرد. هم تقوای پرهیز داشت و هم تقوای ستیز. با همه تلاشها و مجاهدات شبانه روزی‌اش برای اهل نظر و علمای بزرگ مشهد مشخص بود که روحیه خودساخته‌ای دارد و خلوت‌های خوبی داشته است. اهل شهرت و به دنبال شهرت نبود؛ به دنبال انجام تکلیف الهی و مکتبی بود. شخصیت‌پرستی را نمی‌پسندید و منتقد این روحیه بود؛ همچنان که نمی‌خواست از خود بُت بسازد. متکبر و مغرور نبود. همچون شهید آوینی، عجب را آفت انقلابیون و فعالان سیاسی می‌دانست. مخاطبان را به خودش دعوت نمی‌کرد؛ به مکتب انسان ساز اهل بیت (ع) رهنمون می‌ساخت.

زهد و ساده‌زیستی

در سالیان اخیر، از ویژگی‌های مختلف شهید دیالمه سخن گفته‌اند، ولی کمتر به «زهد و ساده‌زیستی» شهید اشاره کرده‌اند. شاید بتوان گفت زهد و ساده‌زیستی از مهمترین گمشده‌های امروز فعالان فرهنگی و انقلابی و خصوصاً مدعیان انقلابی ماست. استقبال برخی نهادها از برخی فعالان انقلابی باعث شده است که زهد و ساده‌زیستی در زندگی و مشی آن‌ها رنگ ببازد و به بهانه رعایت شأن یا نیاز خانواده - خصوصاً زن و فرزندان - رفاه‌طلبی و زندگی شبه اشرافی را توجیه کنند.

دیالمه با این که از یک خانواده ثروتمند بود و از نظر مالی نسبت به همه بچه‌ها بالاتر، اما خیلی ساده زندگی می‌کرد. توی کلاس‌های منزل، با زیرشلواری می‌آمد که بعضی وقت‌ها سوراخ بود. [۱۹] خیلی وقت‌ها نفت توی خانه نداشت. [۲۰] دیالمه به حداقل‌ها قناعت می‌کرد و در زندگی شخصی‌اش، بر خود سخت می‌گرفت.

معیار داشتن و توجه به مباحث بنیادی

دیالمه در بحث‌ها همیشه به صورت مبنایی بحث می‌کرد و تلاش داشت مخاطبان و همراهانشان ملاک و مبنا دست‌شان باشد و تابع جو و احساسات و شور و شعارها قرار نگیرند. دیالمه تابع جو و احساسات

مگز آرشر
همایش

تثلیلا
کتابها



مقامات سرمدان حداس